

مهر محمد بن الملل



گفتگوی اختصاصی
بانوام چامسکی

حادثه «شارلی ابدو»
تناقضات درونی لیبرالیسم
را آشکار ساخت

اوباما خیال می کند تهران یک روستاست

تحلیل اندیشکده آمریکایی از رهبری ایران

پشت پرده سلطنت افسانه ای آل سعود

آیا روابط آمریکا و کوبا عادی شده است

فهرست مطالب

ایران در جهان

۵



- ۴ گفتگو با نوام چامسکی
- ۶ وضعیت ایران در شش تحول مهم ۲۰۱۴
- ۷ پیش بینی گراهام فولر از خاورمیانه ۲۰۱۵
- ۸ تحلیل اندیشکده امریکایی از رهبری ایران
- ۱۰ گفتگوی فرهنگ جهانپور، استاد دانشگاه آکسفورد

خاورمیانه و آفریقا

۱۱



- ۱۲ آیا اروپا از اسرائیل عبور می کند
- ۱۳ پشت پرده سلطنت افسانه ای آل سعود
- ۱۵ گفتگو با همام حمودی، معاون اول رئیس پارلمان عراق
- ۱۸ گفتگو با فهمیم تاشتکین، کارشناس مسائل خاورمیانه
- ۱۹ گفتگو با فاروق عثمان لوغ اغلو، نماینده پارلمان ترکیه

اروپا و آمریکای شمالی

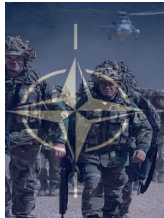
۲۲



- ۲۴ چرا درسدن مرکز فعالیت افراطی هاست
- ۲۶ آنچه آمریکا و چین باید بیاموزند
- ۲۷ رسانه و نژادپرستی
- ۲۸ گفتگو با آلبرت بینیناچولی، استاد دانشگاه کلمبیا
- ۳۰ گفتگو با استغن زوزن، استاد دانشگاه سانفرانسیسکو

آسیا

۳۱



- ۳۳ چرا آمریکا دیگر طالبان را دشمن نمی داند
- ۳۴ چین در پی احیای اقتصاد قاره آسیا
- ۳۵ آیا «آبه ژاپن»، آبه آسیا وآبه جهان می شود؟
- ۳۶ استرداد لطیف محسود به پاکستان چه معنایی دارد؟

آمریکای لاتین

۳۷



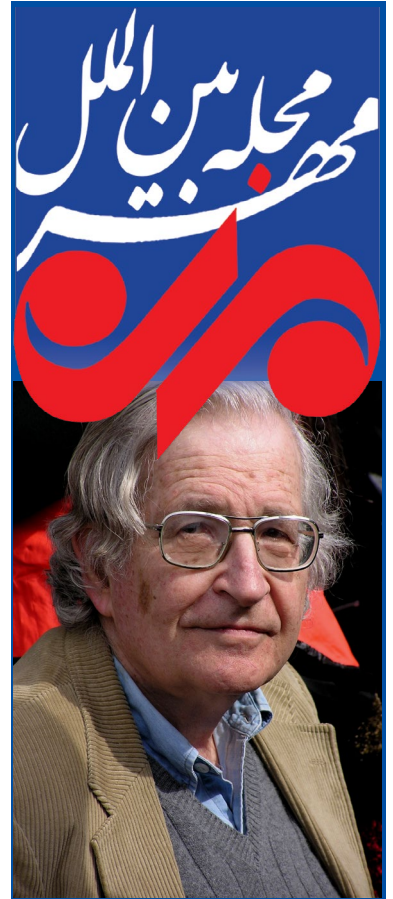
- ۳۸ چرخش ۱۸۰ درجه ای آمریکا در قبال آمریکای لاتین
- ۳۸ توانایی ونزوئلا برای مقابله با حملات استراتژیک آمریکا
- ۳۹ گفتگو با نادر انتصار، استاد دانشگاه آلاباما جنوبی
- ۳۹ سیاست گشایش روابط آمریکا و کوبا

اوراسیا

۴۱



- ۴۲ اوکراین و دشمنی خطرناکتر از پوتین
- ۴۴ رهنامه نظامی جدید روسیه وانتقام هسته ای ناتو
- ۴۷ جمهوری آذربایجان و سلفی گری
- ۴۸ گفتگو با یورقس لونتیس، مدیر مؤسسه امنیت بین الملل قبرس



شناسنامه مجله

- مدیر مسئول: علی عسگری
- شورای سردبیری: سید امیرحسین دهقانی، حسن هانی زاده، جواد حیران نیا
- دبیر تحریریه: جواد حیران نیا
- همکاران این شماره: رضا مهری، حبیب اسدی، امید شمیزی، سید عبدالمجید زواری، مهدی پورحسینی
- مدیر هنری: محبوبه عزیزی
- شماره تماس: ۸۸۰۹۵۰۰
- پست الکترونیک: world@mehnews.com
- آدرس: ایران، تهران، خیابان استاد نجات الهی، کوچه بیمه، پلاک ۱۸

علاقتمندان می توانند مقالات و مطالب خود را برای مجله بین الملل مهر ارسال کنند.



چامسکی در گفتگوی اختصاصی با مجله بین الملل: حادثه «شارلی ابدو» تناقضات درونی لیبرالیسم را آشکار ساخت

گفتگو: جواد حیران نیا

آورام نوآم چامسکی (Noam Chomsky) در ۷ دسامبر ۱۹۲۸ در فیلادلفیا، پنسیلوانیا در خانواده یهودی و روس تبار به دنیا آمد. چامسکی زبان شناس، فیلسوف آناشیسست و نظریه پرداز آمریکایی است. از او به عنوان پدر زبان شناسی مدرن یاد می شود. نظریه معروف وی دستور زایشی-گشتاری است که در دهه ۶۰ میلادی انقلابی در زبان شناسی معاصر ایجاد کرد. تا پیش از نظریات وی از ماهیت زبان و چگونگی یادگیری زبان توسط انسان درک درستی وجود نداشت. مقالات و کتابهای نوام چامسکی آغازگر پژوهش های نوینی در عرصه روانشناسی زبان گردید.

نوام چامسکی روشنفکری شناخته شده و منتقد سیاست خارجی ایالات متحده و دولت های دیگر است. وی خود را سوسیالیستی آزادی خواه و هم چنین هوادار انارکو-سندیکالیسم می داند. چامسکی اگر چه از برچیدن دیوار برلین استقبال کرد، اما ترس او از این که با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، مجموعه درهم پیچیده نظامی-صنعتی آمریکا به دنبال دشمنانی جدید خواهد گشت تا وجود خود را موجه جلوه دهد، با اتفاقاتی که بعداً در جهان رخ داد تأیید شد. به نظر چامسکی

اجرای موفقیت آمیز این برنامه وادار «اتحادی نامقدس» میان دولت آمریکا و شرکت های رسانه های است. چامسکی در زمان جنگ ویتنام به عنوان منتقد اجتماعی سیاست خارجی آمریکا به شهرت رسید. نخستین اثر سیاسی مهم او کتاب قدرت آمریکا و ماندارین های نوین (۱۹۶۹) بود که در انتقاد به طبقه روشنفکران لیبرال نوشته شده بود. درک چامسکی از ساز و کار امپریالیسم آمریکا و توانایی همیشگی او برای فهم دورنمای کلی سیاست های آمریکا به مخالفت او با دخالت نظامی آمریکا در کوزوو، افغانستان و عراق و هم چنین جنگ بوش بر ضد تروریسم منجر شد.

در دهه های ۷۰ و ۸۰ میلادی چامسکی به همراهی جان پیلگر (John Pilger) از معدود کسانی بودند که از نسل کشی «پنهان» در تیمور شرقی سخن گفتند. وی به تمامی روسای جمهور آمریکا، حتی جان اف کندی که محبوبیتی باورنکردنی دارد، با دیدی انتقادی می نگرد. او درین باب کتاب «تفکری دوباره به کالموت: جان اف کندی، جنگ ویتنام و فرهنگ سیاسی آمریکا» را

نوشته است. چامسکی در بیانیه ای مشترک با برخی اندیشمندان آمریکایی، انگلیسی و کانادایی درباره نقش رسانه ها در نبرد اسرائیل و غزه ۲۰۱۲ از رسانه های غربی به خاطر پوشش یکجانبه جنگ انتقاد کرد و این مسئله را غیرقابل قبول و ظالمانه خواند و از خبرنگاران خواست در اعتراض به استفاده ابزاری خبرگزاری های غربی از آنها، اعتصاب و از همکاری با این خبرگزاری خودداری کنند. وی همچنین در این بیانیه از مردم غزه درخواست کرد، با استفاده از امکانات موجود با همه مراکز خبری تماس بگیرند و واقعیت ها به طور منصفانه منعکس کنند. وی معتقد است: در پس ظاهر بی طرفانه شرح مسائل اجتماعی- از طریق گزارش های تلویزیونی، تحلیل های سیاسی یا اخبار رادیو- پیش فرض ها و اصول ایدئولوژیکی ای نهفته است که وقتی آنها را افشا می کنیم فرو می ریزند.

حادثه «شارلی ابدو» و حمله تروریستی به این نشریه فکاهی تعبیر و تفسیر مختلفی را به دنبال داشت. برخی ضمن محکوم کردن اقدام تروریستی و کشته شدن ۱۲ نفر در حمله گروه های افراطی به این مجله اقدام این نشریه در انتشار کاریکاتورهای موهن به پیامبر (ص) را در راستای آزادی بیان تفسیر کردند.

البته این نشریه در سال ۲۰۱۱ مبادرت به توهین به ساخت پیامبر اکرم (ص) کرده بود و چند روز پیش از حمله اخیر نیز کاریکاتوری از «ابوبکر البغدادی» سر کرده داعش را منتشر کرده بود. برخی در مقابل علاوه بر اینکه حمله مذکور

را محکوم کردند ولی اقدام این نشریه فرانسوی در چاپ و انتشار کاریکاتورهای موهن به پیامبر (ص) را نیز محکوم و آنرا آشخور اقدامات تروریستی دانستند؛ اقدامی که بعد از این حملات و در اولین چاپ بعد از حمله مذکور نیز تداوم داشت.

نوآم چامسکی نظریه پرداز آمریکایی و بنیانگذار زبان شناسی مدرن در گفتگو با مجله بین الملل مهر، اقدام نشریه فرانسوی و منطق حاکم بر انتشار کاریکاتورهای موهن به پیامبر اسلام (ص) را در راستای آزادی بیان ارائه شده از سوی مکتب لیبرالیسم دانست و تصریح کرد که داشتن آزادی بیان به معنای این نیست که نباید هیچ حد و مرزی برای آن قائل شد. چامسکی ادامه داد: آزادی بیان بی حد و مرز نیست و به معنای این نیست که بر اساس منطق آن می توان به مقدسات نیز توهین کرد. در واقع چالش می که لیبرالیسم با آن مواجه است و حادثه شارلی ابدو نیز آنرا به وضوح نشان داد این است که لیبرالیسم نتوانسته حدود و ثغوری برای آزادی بیان مشخص و معین سازد. جدای از مسائل سیاسی و اهدافی که از رهگذر اسلام هراسی دنبال می شده و می شود این حادثه را از یک منظر می توان ناکامی لیبرالیسم در تعیین حدود آزادی دانست.

چامسکی افزود: لیبرالیسم قادر نیست که بین آزادی و جایی که بر اساس و به اسم آزادی به عقاید مردم توهین می شود مرزی مشخص سازد. اساساً لیبرالیسم به عنوان یک مکتب قادر به انجام چنین کاری نیست |

اخبار حوزه ایران در نظام بین الملل در دی ماه متمرکز بر موضوع هسته ای ایران بود. در همین راستا «ماری هارف» سخنگوی وزارت خارجه آمریکا با بیان این نکته که کشورهای ۵+۱ اکنون بیش از هر زمان دیگری به توافق هسته ای با ایران نزدیک شده اند گفت: با رسیدن به این توافق برنامه هسته ای ایران متوقف می شود و این یک دستاورد بسیار بزرگ است.

این در حالی بود که با نزدیک شدن به زمان شروع به کار کنگره جدید گمانه زنی ها در خصوص اینکه تحریمهای جدید علیه ایران در دستور کار قرار بگیرد.

مارک کرک، سناتور ارشد جمهوریخواه در این خصوص گفته بود که به احتمال بسیار قوی زمانی که سنا در ماه آینده کار خود را تحت کنترل جمهوریخواهان آغاز کند، تحمیل تحریم های جدید علیه ایران یکی از اولویت های مهم آن خواهد بود. وی گفته بود که ممکن است طرحی تحریمی علیه ایران تصویب شود که غیر قابل وتو باشد.

در راستای سیاست یک بام و دو هوای آمریکا در قبال برنامه هسته ای ایران شاهد اعمال تحریم علیه ۹ فرد و شرکت ایرانی بودیم. در این خصوص وزارت خزانه داری آمریکا از افزوده شدن نام ۹ شهروند و شرکت ایرانی دیگر به فهرست تحریم های ضدایرانی واشنگتن خبر داد. بر این اساس اتهام این افراد حمایت از کشورشان در دور زدن تحریم ها و بهانه های دیگری نظیر نقض حقوق بشر است.

توافق ایران و روسیه برای استفاده از پول ملی در مبادلات، دیدار علی لاریجانی رئیس مجلس شورای اسلامی ایران با سید حسن نصرالله دبیر کل حزب الله لبنان از جمله تحولات مربوط به کشورمان در عرصه بین المللی و منطقه ای به شمار می رود.

در حوزه روابط ایران و مصر دیدار رئیس دفتر حافظ منافع ایران در مصر با شیخ الازهر حائز اهمیت بود. در دیدار احمد الطیب شیخ الازهر با محمد محمودیان رئیس دفتر حافظ منافع ایران در مصر بر اهمیت جلوگیری از اختلافات شیعه و سنی تأکید شد.

خبری که در این ماه رسانه های مختلف جهان را معطوف خود کرد مصاحبه باراک اوباما رئیس جمهوری آمریکا با NPR بود که در پاسخ به پرسشی در مورد اینکه آیا امکان بازگشایی سفارت آمریکا در تهران در دو سال پایانی ریاست جمهوری وی وجود دارد یا خیر، گفته بود که نمی گویم که هرگز این کار انجام نمی شود اما این امر باید مرحله به مرحله انجام شود.



ایران در جهان

دبیران: رضامهری
محمدعلی تخت‌رونده



اندیشمندان امریکایی بررسی کرد؛

وضعیت ایران در شش تحول مهم ۲۰۱۴ / از مذاکرات هسته ای تا وضع اقتصادی

«خوآن کول»، اندیشمند و مورخ آمریکایی در حوزه خاورمیانه و جنوب آسیا و استاد رشته تاریخ در دانشگاه میشیگان، به بررسی مهم‌ترین تحولات مربوط به ایران در سال ۲۰۱۴ پرداخته است.

پایگاه اطلاع رسانی «تروس دیگ» آمریکا (Truthdig) طی تحلیلی به قلم «خوآن کول» مهم‌ترین تحولات مربوط به ایران در سال ۲۰۱۴ بررسی کرده است. کول در این نوشتار که زیر عنوان «آی‌ایران برنده سال ۲۰۱۴ بود؟ شش تحول مهم و برجسته در مورد ایران در این سال» تنظیم و منتشر شده تأکید می‌کند که ایران در اغلب موارد به موفقیت‌های مهمی دست یافته و نفوذ و قدرت این کشور در حال گسترش است. خلاصه ای از تحلیل این اندیشمند امریکایی را با هم مرور می‌کنیم:

در سال ۲۰۱۴، ایران در تعدادی از عرصه‌های مهم خبرساز بود؛

۱- مذاکرات هسته‌ای

هر چند موفقیت قطعی در روابط ایران، آمریکا و اتحادیه اروپا به دست نیامد اما پیش‌بینی‌هایی مبنی بر رسیدن به توافق نهایی با ۱+۵ وجود دارد؛ توافقی که اجازه غنی‌سازی اورانیوم برای اهداف صلح‌آمیز را به ایران خواهد داد.

۲- جنگ سوریه

موفقیت حکومت سوریه در تحکیم جایگاه خود در مناطق شهری مانند حمص و حما و ادامه دفاع از دمشق، لاذقیه و بخش‌هایی

از حلب بدین معناست که حکومت بشار اسد به عنوان متحد ایران، در واقع قسمت‌هایی از سرزمین سوریه را از شورشیان پس گرفته و به شتاب در موفقیت دست یافته است.

۳- ناآرامی‌های یمن

تصرف بیشتر قسمت‌های یمن در سال ۲۰۱۴ توسط حوثی‌ها که شیعیان زیدی هستند، اگر نگوییم متحد، لاقابل‌دوست جدیدی را در میان عرب‌ها برای ایران ایجاد کرده است. علاوه بر این، یمن یکی از کشورهای مهم نزدیک به عربستان سعودی بود اما عربستان دیگر چنین متحدی ندارد و این امر به نفع ایران است.

۴- بحران داعش

سقوط شمال و غرب عراق به دست داعش در مال ژوئن ۲۰۱۴ تهدیدی برای ایران بود اما یک فرصت ژئوپولتیکی (جغرافیای سیاسی) را نیز برای این کشور به وجود آورد. پس از این بحران بود که دولت شیعه بغداد ناگهان به شدت به ایران نزدیک شد. عراق از حمایت‌های نظامی نیروهای سپاه ایران بهره‌مند شد و حتی حملات هوایی ایران نیز به این کشور کمک کرد.

۵- وضعیت اقتصادی

گرچه ممکن است ایران در سال ۲۰۱۵

وضعیت اقتصادی چالش‌برانگیزی داشته باشد اما در ۲۰۱۴ اقتصاد ایران خوب عمل کرد. این اقتصاد از رکود دو ساله خود خارج شد و در نیمه دوم سال رشد چهار درصدی را تجربه کرد.

۶- رابطه ایران و آمریکا

هر چند روابط دو کشور پیشرفت آهسته‌ای داشت اما ایران توجه برخی افراد مشهور امریکایی را در سال ۲۰۱۴ به خود جلب کرد. آنتونی بوردن، سرانشیز معروف امریکایی که کتاب بسیار پرفروشی نیز داشته به ایران سفر کرده و از خورشفت فسنجان تعریف کرد. او همچنین تعریف‌های زیادی از فرهنگ و تمدن مردم ایران نمود.

ایهود باراک توضیح داد؛

چرا اسرائیل به ایران حمله نمی‌کند؟

ایهود باراک نخست‌وزیر پیشین صهیونیست‌ها اعتراف کرده است که هرگاه پیشنهاد حمله به ایران مطرح شده، نظامیان برجسته این رژیم با چنین حمله‌ای مخالفت کرده‌اند.

نخست‌وزیر و وزیر دفاع پیشین رژیم صهیونیستی با اشاره به ترس مقامات این رژیم برای حمله به ایران، به عواقب سنگین چنین حمله‌ای اذعان کرد.

سایت امریکایی رادیو فردا (RADIOFARDA) نوشته است: «ایهود باراک» نخست‌وزیر و وزیر دفاع پیشین اسرائیل [رژیم اشغالگر قدس] گفته است هر بار که پیشنهاد حمله اسرائیل به سایت‌های اتمی ایران در کابینه کشورش مطرح می‌شد، نظامیان برجسته با این امر مخالفت می‌کردند، زیرا از عواقب آن نگران بودند. ایهود باراک در مصاحبه با نشریه سیاسی

وابسته به روزنامه هآرتس که جمعه نوزدهم دی منتشر شد می‌گوید، با وجود این که شش سال پیش ارزیابی می‌کرد با روی کار آمدن بنیامین نتانیاها پیشنهاد برای اقدام نظامی احتمالی علیه برنامه اتمی ایران با حمایت بیشتری روبه‌رو شود، اما مخالفت‌ها هنوز زیاد بود. به گفته وی، شیمون پترز، رئیس‌جمهور صهیونیست‌ها، در صدر مخالفان بود و همیشه در برابر پیشنهادها برای حمله نظامی به برنامه‌های اتمی ایران ایستادگی می‌کرد. ایهود باراک گفته است، برخی از مقامات دفاعی و امنیتی پیشین هم که مخالف حمله بودند، با سخنان و ارزیابی‌های خود در مورد «عواقب سنگین» چنین اقدامی، در دل افکار عمومی بذر ترس می‌کارند. وی در بیان چرایی این ترس و دل‌پره در سرزمین‌های اشغالی افزوده است: این

هراس دلایل محکمی هم داشت، زیرا ممکن بود که عواقب ضربه اسرائیل به سایت‌های اتمی ایران، به جنگ مستقیم میان اسرائیل با ایران و حزب الله بینجامد. این نظامی و سیاستمدار پیشین اسرائیل گفته است، یکی دیگر از دلایل نگرانی افکار عمومی [رژیم صهیونیستی] اسرائیل، شناخت درست آنها از میزان توانایی اسرائیل بود.

ایهود باراک در مصاحبه با هآرتس همچنین گفته است که نتانیاها اسرائیل را به سوی یک «فاجعه» و «سقوط در دره» پیش می‌برد. آنها می‌گویند وقتی دولتی شجاعانه برای حل نزاع خود با فلسطینی‌ها بگردد، چگونه می‌تواند وارد رویارویی نظامی با ایران شود. در این میان، «ژنرال بنی گانتس» رئیس

کنونی ستاد کل ارتش اسرائیل [رژیم اشغالگر قدس] از قدرت‌های مذاکره‌کننده با ایران خواسته است از دادن امتیاز به ایران خودداری کنند.

ژنرال گانتس روز چهارشنبه هفدهم دی، در سخنرانی در سفارت اسرائیل در واشینگتن، گفت تحریم‌هایی که در سال‌های گذشته علیه ایران برقرار شده «به تغییرات سیاسی درونی» در این کشور منجر شده است.

به گفته رئیس ستاد کل ارتش اسرائیل، «ایران هم اکنون تحت فشار زیادی به خاطر تحریم‌ها قرار دارد و لذا اکنون، زمان دادن امتیاز به ایران نیست و رویه فشار بر ایران باید ادامه یابد.»

بنی گانتس مدعی شده است که شکست گفت و گوها میان قدرت‌های جهانی با ایران و طولانی تر شدن آن، می‌تواند به جنگ منجر شود.

در انتقاد از سخنان اخیر اوباما:

یک روزنامه آمریکایی: اوباما خیال می کند تهران یک روستاست!



نگارنده سپس در این رابطه می نویسد: «با شنیدن حرف های اوباما به یاد صحنه ای از یک فیلم اقدام که بازیگر از شخص مقابلش می پرسید: «به من بگو آسمان در دنیای تو چه رنگی است؟» اوباما در دنیای خود خیال می کند ایران منزوی شده است؛ همانطور که گمان می کند روسیه منزوی است. اما آخرین باری که من بررسی کردم، روسیه، کریمه را به خاک خود ملحق کرده و به اوکراین نیروی نظامی اعزام کرده بود.» در ادامه این نوشتار آمده است: «متأسفانه باید به اوباما بگویم، ایران در حال حاضر یک قدرت موفق منطقه ای است که در عراق و سوریه اعمال نفوذ می کند.» نگارنده، عزم و اراده اوباما برای دستیابی به توافق هسته ای با ایران «آن هم به هر قیمتی ممکن» را دلیلی روشن بر موفقیت ایران خوانده و در ادامه می نویسد: «در صورتی که ایران به سلاح هسته ای دستیابی پیدا کند، از یک قدرت موفق منطقه ای به یک قدرت جهانی تبدیل خواهد شد.» در انتهای این یادداشت آمده است: «ما نمی توانیم از اوباما انتظار زیادی داشته باشیم؛ او گمان می کند که تهران یک روستاست!»

روزنامه امریکن اسپکتاتور (Spectator) طی یادداشتی به نقد اظهارات اوباما در مصاحبه اخیرش با رادیو ملی آمریکا (NPR) پرداخت. امریکن اسپکتاتور این یادداشت را تحت عنوان «یادداشتی برای اوباما: ایران هم اکنون یک قدرت منطقه ای موفق است» منتشر کرده است. نگارنده با توهم آمیز خواندن اظهارات اوباما، به این قسمت از سخنان وی اشاره می کند که گفته: «وقتی که من به عنوان رئیس جمهور شروع به فعالیت کردم، کشورهای جهان اتفاق نظر نداشتند و ایران در حال استفاده از این شرایط بوده؛ اما در حال حاضر جهان متحد شده است و این به دلیل اقداماتی است که ما انجام داده ایم. ایران اکنون منزوی شده است. آنها یک راه برای خروج از انزوا دارند و باید از آن استفاده کنند. چرا که اگر این کار را انجام دهند - با توجه به استعداد های باور نکردنی و منابع و مهارت هایی که در ایران وجود دارد - می توانند یک قدرت منطقه ای بسیار موفق باشند که در عین حال به قوانین و هنجارهای بین المللی پایبند هستند و این برای همه خوب خواهد بود؛ برای آمریکا خوب خواهد بود، برای منطقه خوب خواهد بود و از همه مهمتر برای ایران خوب خواهد بود.»

پیش بینی برای خاورمیانه ۲۰۱۵ نقش ایران در منطقه افزایش می یابد

گراهام فولر

کشورهای عربی اینگونه نیست. کشورهای عرب حوزه خلیج فارس مجبور هستند که این موضوع (عادی سازی روابط میان ایران و آمریکا) را بپذیرند. این دو کشور با وجود تنش های زیاد هیچگاه بطور مستقیم در جنگ نبوده اند. ایران تنها کشوری در خاورمیانه میانه است که بعد از انقلاب بدنبال منطقه ای بدون نفوذ قدرت های غربی بوده؛ امری که هیچ یک از کشورهای عربی آن را دنبال نمی کند.

کاهش نقش اردوغان در ترکیه

جایگاه مردمی «رجب طیب اردوغان» رئیس جمهوری ترکیه کاهش می یابد و به آینده او که در اتهامات فساد غرق خواهد شد، ضربه می زند. در این مطلب همچنین به تلاش های اردوغان برای تغییر قانون اساسی ترکیه به نفع خود اشاره شده و تحقق این امر به زیان ترکیه عنوان شده است. به اعتقاد فلر تغییر قانون اساسی ترکیه به نفع اردوغان به ثبات ترکیه و روند دموکراتیک که در این کشور وجود دارد ضربه می زند.

روسیه نقشی اصلی در توافقات

دیپلماتیک خاورمیانه ایفا می کند روسیه توانایی ایفای نقش کلیدی در حل موضوع هسته ای ایران و بحران سوریه را دارد. و بهتر است که نقش این کشور به عنوان یک تاثیر گذار مهم شناخته شود و نه اینکه روس ها را به عنوان عاملی برای وقوع تنش های «تنو-کلد وار» (جنگ سرد جدید) به شمار آورد.

طالبان دستاوردهای بیشتری

در کسب قدرت در درون دولت افغانستان بدست می آورد (ورود طالبان به حکومت) طالبان در دولت افغانستان قدرت می گیرد و این نشانگر شکست آمریکا در برقراری ثبات در این کشور بعد از ۱۳ سال جنگ است. بعد از ۱۳ سال جنگ آمریکا در تامین امنیت افغانستان و یا کم رنگ کردن نقش طالبان در این کشور شکست خورده است. طالبان چیزی فراتر از یک جنبش است. این گروه برای اکثریت جمعیت پشتون افغانستان منبع اصلی قدرت است. پشتون ها بخش اصلی قدرت خود را وقتی طالبان در سال ۲۰۰۱ سقوط کرد از دست دادند. وضعیت فعلی افغانستان به گونه ای است که ورود طالبان به حکومت اجتناب ناپذیر است و به نظر می رسد که حضور این گروه در حکومت برای ثبات افغانستان مفید باشد!

یکی از تحلیلگران سازمان سیا اقدام به پیش بینی تحولات مهمی که در سال جدید میلادی به ویژه در خاورمیانه و آسیای غربی رخ می دهد کرده که در میان آنها به افزایش نقش و نفوذ ایران در منطقه اشاره شده است.

«گراهام فولر» که تحقیقات زیادی در مورد اوضاع خاورمیانه انجام داده و چندی قبل نیز کتابی را با عنوان «جهان بدون اسلام» منتشر کرده در مطلبی که در وبلاگ خود منتشر نموده اتفاقات مهم سال ۲۰۱۵ میلادی را بدین صورت پیش بینی کرده است: پیشتر نیز گفته بودم معتقد نیستم که داعش به عنوان یک کشور می تواند وجود داشته باشد. این گروه از لحاظ ایدئولوژی، پیوستگی، موسسات اجتماعی و سیاسی و روند انتخاب رهبر دارای مشکلات اساسی است و نمی تواند با کشورهای منطقه روابط کشور به کشور برقرار کند. علاوه بر آن هر چند داعش با گروه های سنی زیادی ارتباط دارد اما به این نکته توجه ندارد که نارضایتی زیادی در میان گروه های سنی عراق و سوریه وجود دارد. و از همین رو داعش سقوط می کند و این سقوط البته به خاطر حملات کشورهای حاضر در ائتلاف ضد داعش نخواهد بود.

این تحلیلگر ارشد سیا سه دلیل برای نابودی داعش ذکر می کند و می گوید: اول اینکه داعش رژیم می است که قابلیت دوام ندارد و فاقد یک ایدئولوژی است که بتواند مردم را جذب کند، دوم داعش توانایی برقراری رابطه با هیچ یک از کشورهای منطقه را ندارد و سوم داعش با رفتار خود موجب منزوی شدن اقلیت اهل سنت در جهان شده است. فولر در عین حال برجسته شدن نقش غرب در جنگ علیه داعش را دارای پیامدی منفی برای این جنگ دانسته است.

نقش ایران به عنوان یک بازیگر در منطقه افزایش می یابد

به رغم موانعی که وجود دارد من درباره مذاکرات آمریکا با ایران خوشبین هستم. هر دو کشور نیاز مبرمی به موفقیت در این مذاکرات دارند. از سوی دیگر عادی سازی روابط میان این دو کشور برای نظم منطقه ضروری است. علاوه بر اینها ایران و ترکیه تنها کشورهایی در خاورمیانه هستند که دولت های آنها واقعی بوده و از مقبولیت مردمی بهره می برند. این دو کشور به گونه ای اداره می شوند که در

تحلیل اندیشکده آمریکایی از سیاست خارجی ایران قاطعیت رهبر عالی ایران



یک اندیشکده آمریکایی نوشت: رهبر عالی ایران مذاکرات بر سر برنامه هسته‌ای را یک بار در سال ۲۰۰۳ و بار دیگر در ۲۰۱۳ با تردید مورد تأیید قرار داد؛ با این وجود در برابر نابودی زیرساخت هسته‌ای قاطعانه ایستاد. پایگاه اینترنتی اندیشکده آمریکایی «آمریکن اینترپرایز» (AEI) با انتشار گزارش ویژه‌ای، به گمانه‌زنی راجع به تغییرات احتمالی در سیاست خارجی ایران پرداخته است. پایگاه مورد اشاره، بیانات اخیر مقام معظم رهبری و رئیس جمهوری را نشان دهنده تغییرات قابل توجه در سیاست خارجی ایران قلمداد کرده، می‌نویسد: «روحانی از زمان پیروزی در انتخابات برای رفع چند نقیصه جدی در سیاست ایران تلاش کرده است. مواردی همچون رابطه بیش از حد «تقابل محور» با ایالات متحده و همچنین انزوای غیرضروری و مخرب از جامعه جهانی، به عقیده روحانی، این مشکلات تهدیدکننده چشم انداز موفقیت جمهوری اسلامی است و سقوط اخیر قیمت نفت نیز به هشدارهای او فوریت بخشیده است.» این اندیشکده آمریکایی می‌افزاید: «حضرت آیت الله خامنه‌ای تاکنون از نقد رویکردهای روحانی خودداری کرده و به میزان قابل توجهی دست رئیس جمهور را در اجرای سیاست‌هایش باز گذاشته است. رهبر عالی ایران موافق است که تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران باید برچیده شود، او حتی در برابر

حملات تندروها از مذاکرات روحانی حمایت کرده است. البته [حضرت آیت‌الله] خامنه‌ای همچنان با اصرار از آمریکا به‌عنوان بزرگترین دشمن ایران یاد می‌کند و با توجه به شکنندگی و سقوط قیمت جهانی نفت، مؤکدا حامی پایه‌گذاری یک اقتصاد مقاومتی خودکفا است که از نظام اقتصادی بین‌المللی استقلال داشته و ایمن از تحریم‌ها باشد»

آمریکن اینترپرایز در ادامه با اشاره به سخنان اخیر دکتر روحانی راجع به «فراندوم در مسائل اساسی کشور» و «ترجیح منافع ملی بر ایدئولوژی در عرصه دیپلماسی» مدعی می‌شود: «تهران مدت‌هاست به این واقعیت پی برده که تحت شرایطی، آرمان‌های انقلابی هم قابل مذاکره است!!» اشارات اخیر روحانی

لزوم رضایت ایران به کاهش ظرفیت سانتریفیوژها به‌خاطر اهداف مهمتر اقتصادی و سیاسی را یادآوری می‌کند. پایگاه مزبور سپس اضافه می‌کند: «رهبر عالی ایران مذاکرات بر سر برنامه هسته‌ای را یک بار در سال ۲۰۰۳ و بار دیگر در سال ۲۰۱۳ با تردید مورد تأیید قرار داد؛ با این وجود در برابر نابودی زیرساخت هسته‌ای یا به عقب بازگرداندن پیشرفت‌های علمی قاطعیت نشان داد. او در عین حال در برابر اظهارات اخیر حسن روحانی موضع صریحی اتخاذ نمود و در آخرین سخنرانی‌های خود به‌طور مستقیم احتمال رفتارندوم را رد نکرد و چیزی در مورد خط قرمز بودن تعداد سانتریفیوژها نگفت.»

در پایان تحلیل این اندیشکده آمریکایی می‌خوانیم: «کاهش رویکرد سختگیرانه در برابر آمریکا و جامعه جهانی، ممکن است فقط یک عکس العمل موقت از جانب ایران به افت بهای نفت و فشار تحریم‌ها باشد؛ که در این صورت می‌تواند به سادگی با تغییر شرایط به حالت اول برگردد. به هر حال مذاکرات هسته‌ای تنها معطوف به یک بخش از گره پیچیده مسائل ایران است و غرب بدون دست و پنجه نرم کردن با پیچیدگی‌های داخلی و جریانات پشت پرده، قادر به درک درست مواضع ایران در مذاکرات نخواهد بود.»

واکنش سناتورهای به روابط دوستانه کری با ظریف / واکنش شارلی ابدو

ایرانی‌ها بر این مسئله واقفند که سیاست آمریکا، دوست و همپیمان نمی‌شناسد و هر کسی که منافع واشنگتن را به خطر بیندازد، او را از میان برخواهد داشت. به همین خاطر ایران هیچگاه به آمریکا اعتماد نمی‌کند.

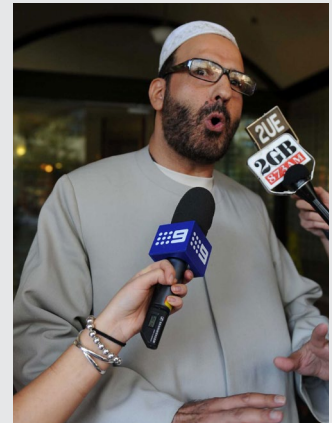


کند تا با پایان مذاکرات هسته‌ای با هم به ایران بازگردند. اقدام این مجله یهودی ماب در واقع هشدار به جان کری است تا با فراتر از حد ننگذارد. این روزنامه در پایان با اشاره به هوشیاری ایران نسبت به روابط با واشنگتن افزود: «ایرانی‌ها بر این مسئله واقف اند که سیاست آمریکا، دوست و همپیمان نمی‌شناسد و هر کسی که منافع واشنگتن را به خطر بیندازد، او را از میان برخواهند داشت، به همین خاطر ایران هیچ‌گاه به آمریکا اعتماد نمی‌کند.»

دست اندر کاران مجله شارلی ابدو که حامی سرسخت مواضع یهودی‌هاست، با دیدن عکس العمل لابی صهیونیست نسبت به روابط عادی در مذاکرات هسته‌ای میان مذاکره‌کنندگان ایرانی و آمریکایی از خود واکنش نشان دادند. این مجله یهودی در راستای اشاره به این روابط دوستانه و موضعگیری تند صهیونیست‌ها، کاریکاتور جان کری را در حالی در یکی از شماره‌های اخیر خود به تصویر کشیده بود که با نگاه تعجب آمیز به محمدجواد ظریف، از او خواسته که پناهندگی سیاسی او را به ایران قبول

در خصوص مسئله سوریه را از یک جهت در مقابله با نفوذ ایران در منطقه می‌بینند و از جهتی در ژنو رئیس دستگاه دیپلماسی آمریکا را در حال خندیدن، گرم گرفتن و روابط کاملاً دوستانه با وزیر خارجه ایران مشاهده می‌کنند. لابی صهیونیست با اینکه می‌داند آمریکای‌ها و ایرانی‌ها از همدیگر خوششان نمی‌آید، ولی ایران و آمریکا را در آستانه روابط دوستانه و رسمی می‌بینند.» این روزنامه در ادامه به واکنش مجله شارلی ابدو در خصوص این روابط دوستانه پرداخت و افزود: «در این میان

روزنامه‌های دیوار نوشت: «ارتباط میان جان کری با همتای ایرانی خود محمدجواد ظریف در ژنو که بسیار گرم و دوستانه بود، خشم برخی از سناتورهای آمریکایی مانند جان مک کین را به دنبال داشت. در این رابطه هم لابی صهیونیست در واشنگتن از روابط دوستانه جان کری با ظریف طی مذاکرات این روزها در ژنو به خشم آمده است.» این روزنامه لبنانی در ادامه نوشت: «آنچه که خشم جان مک کین و لابی صهیونیست را برانگیخت این است که آنها سیاست‌های متناقض باراک اوباما



پرونده سازی جدید علیه ایران با برگ سوخته ای به نام «هارون مونس»

رسانه های استرالیایی در راستای پروژه ایران هراسی با روی آوردن به عامل گروگانگیری شهر سیدنی، ادعاهایی را به نقل از وی علیه جمهوری اسلامی مطرح کرده اند. روزنامه سیدنی مورنینگ هرالد در شماره جدید خود گزارشی را منتشر کرده که در آن به نقل از «هارون مونس» عامل گروگانگیری سیدنی، اتهاماتی را متوجه ایران کرده است.

در این روزنامه آمده که هارون چند سال قبل مدارکی را در مورد دست داشتن ایران در بمبگذاری سال ۱۹۹۲ سفارت اسرائیل به دادگاهی در آراژتین ارائه کرده است. این روزنامه حتی پارافتر گذشته و مدعی شده که هارون در زمان حیات اطلاعاتی را در مورد فعالیت های مخفی ایران در عربستان به مقامات استرالیایی ارائه کرده است.

هارون مونس که بود؟

هارون مونس (۱۳۴۳ بروجرد - ۱۳۹۳ سیدنی) با نام قبلی محمدحسن منطقی بروجردی یک شیخ خودخوانده ایرانی بود که به استرالیا مهاجرت کرده و در شهر سیدنی زندگی می کرد. هارون مونس به عنوان عامل اصلی حادثه گروگان گیری سیدنی ۲۰۱۴ معرفی شد و در این گروگانگیری توسط پلیس کشته شد.

اما نکته جالب اینکه ۲۰ سال پیش به اتهام کلاهبرداری، حکم جلب این گروگانگیر در ایران صادر شده و با توجه به اینکه حتی وی از طریق اینترنت هم تحت تعقیب بود، اما بازم استرالیا به وی پناهندگی اعطا کرد. فردی که در سال ۷۴ از ایران گریخته و به استرالیا پناهنده شده و در هنگام واقعه تروریستی با قید وثیقه آزاد بوده است. او متهم به دست داشتن در قتل همسر سابقش و همچنین تعرض جنسی به ۴۰ زن در استرالیا بود. در ۱۵ نوامبر ۲۰۱۳، هارون توسط پلیس «نیوساوت ولز» به مشارکت در قتل همسر سابقش به وسیله چاقو و آتش زدن وی متهم شد.

هارون پیش از این یک بار توسط پلیس استرالیا بازداشت شده بود، چرا که پیامهایی حاوی کلمات تند و خشونت آمیز به خانواده هفت سربراز استرالیایی که در افغانستان کشته شده اند ارسال کرده بود. شیخ هارون در پیامی به خانواده یکی از کماندوهای کشته شده در افغانستان نوشته که «من متأسفم از اینکه شما فرزندان را از دست دادید ولی متأسف نیستم که قاتل شهروندان بی گناه اکنون مرده است.»

هدف از بازگشایی مجدد پرونده مونس

البته برخی رسانه های استرالیایی با

دیده ترید به ادعاهایی که روزنامه سیدنی مورنینگ هرالد منتشر کرده نگاه کرده و عنوان می کنند که ممکن است هارون در سال های گذشته برای فرار از قانون و برای سبک کردن پرونده های تخلف خود چنین اتهاماتی را متوجه ایران کرده باشد.

نکته مهم در مورد این فرد آن است که دولت استرالیا به خوبی از خطرناک بودن وی مطلع بود و در سال ۲۰۰۸ نیز علمای شیعه حاضر در استرالیا در مورد او به مقامات استرالیا هشدار داده بودند اما کانبرا این هشدارها را جدی نگرفته بودند.

البته این روزنامه برای تأیید ادعاهایی مطرح شده سند و یا مدرک خاصی را ارائه نکرده و فقط به نقل از هارون مونس این مطالب را منتشر کرده است.

به نظر می رسد دولت استرالیا که در ماه های اخیر به شدت با موضوع پناهندگان دست به گریبان بوده در تلاش است تا بهانه هایی را برای محدود کردن حضور اتباع کشورهای خارجی در این کشور پیدا کند از همین رو با بزرگنمایی در مورد هارون مونس و مطرح کردن ادعاهای بیوج علیه ایران، احتمالاً در صدد ست تا از پذیرفتن افرادی که از ایران عازم این کشور هستند خودداری کند.

عسگر خانی: سیاست آمرانه امریکادر قبال ایران و کوبا جواب نداد



زیادی را به کوبا و ایران وارد سازد. آمریکا در حال حاضر می خواهد تا از قدرت تولیدی در بحث کوبا و ایران استفاده نماید؛ یعنی آمریکا قصد دارد که به جای اینکه با قدرت نظامی و جبر به اهداف خود برسد، با اعمال قدرت نرم، مسائل حقوق بشر، اعمال دیدگاه های فرهنگی و ایجاد سازمان های غیر دولتی، به آمل خود نایل آید. به هر حال از میان کشورهای که آمریکایی ها به آن ها مخالف یا دشمن می گفتند، لیبی و عراق رفتند، اما ایران، کوبا و کره شمالی هنوز با برجا مانده اند و این کشورها را نمی توان با قدرت جابرانه، قدرت نهادی و قدرت ساختاری به زانو درآورد، کمالینکه قبلاً آمریکایی ها از این گزینه علیه این کشورها استفاده نکرده اند. در ادامه این نشست، دکتر کلینی با بیان این که انقلاب کوبا در قرن بیستم و شکل پیروزی آن منجر به شکل گیری برخی شاخه ها در مارکسیسم-لنینیسم گردید گفت: مسئله کاسترو، تنها مبارزه و سقوط باتیستا بود و تمام نگاهش این بود که بتواند بر باتیستا غلبه نماید. وی افزود: از این رو وی یک شخصیت کاملاً حقوقی و حقوقدان بود و با توجه به تعاریفی که داشت سعی می کرد که وارد مبارزه گردد.

در مقاطع ابتدایی، ما شاهد حضور حزب کوچک کمونیست کوبا بودیم که البته در درون خود انشعاباتی هم داشت. آن زمان این حزب نگاهی کاملاً اردوگاهی داشت و اگر چه حزب خیلی کوچکی بود اما ادبیات آن ادبیات اتحاد شوروی بود. به تدریج با تعامل حزب کمونیست سنتی کوبا با جنبش ۲۶ جولای، این روند شروع به دگردیسی کرد و ادبیات سیاسی خفته در درون جنبش ۲۶ جولای به تدریج به ادبیات کاملاً آشکار مارکسیستی-لنینیستی تبدیل گردید.

وی با اشاره به این که کوبا موفق شده است که در دیپلماسی عمومی در برابر آمریکا پیروز شود بیان داشت که کوبا می خواهد تا دست به بازی جدیدی از جنس موازنه بزند و اگر امروز ریسک رابطه با آمریکا را می پذیرد در چارچوب گران کردن نقش خود در موازنه های بعدی در نظام بین المللی است. کلینی در پایان تصریح کرد: موضوع بعدی بحث کنترل بستر رقابت های جدید است. آمریکایی ها می خواهند بسترهای جدید رقابت های ژئوپولیتیکی را بعد از قضیه اوکراین و... کنترل نمایند. آمریکا در حال حاضر دارد کمربندی پیرامون چین درست می کند. این به معنای تغییر و اسباب کشی از حوزه آتلانتیک به سمت پاسفیک می باشد. شاید آمریکا نیز منتظر این وضعیت باشد که چین بخواهد از پاسفیک به سمت آتلانتیک حرکت نماید. از طرفی قربات ایدئولوژیک کوبا و ظرفیت آن به چین خیلی نزدیکتر است تا روسیه. البته زیرساخت نفوذ روسیه در کوبا بسیار گسترده است. بر این اساس، این گونه نیست که کوبا به راحتی بپذیرد که کمونیسم دیگر وجود ندارد و تیم کاستروها داوطلبانه از صحنه قدرت خارج شده و یک تیم کاملاً طرفدار آمریکا در هاوانا بصورت چتر باز فرود آید و تصمیم بگیرد که آمریکا را بعنوان الگو شناسایی کند.

استاد دانشگاه تهران معتقد است: آمریکا اعمال قدرت جابرانه و آمرانه را علیه کشورهایی مانند ایران و کوبا در زمان بوش امتحان کرد و پس از آن به سراغ قدرت نهادی رفت. اندیشکده راهبردی تیبین با برگزاری نشستی با موضوع «بررسی تخصصی توافق شکل گرفته میان آمریکا و کوبا» و با حضور محمدفهاد کلینی کارشناس مسائل استراتژیک و دیپلمات اسبق کشورمان در کوبا و دکتر ابومحمد عسگرخانی کارشناس مسائل بین الملل و استاد دانشگاه تهران به بررسی توافق آمریکا و کوبا پرداخت.

دکتر عسگرخانی در این نشست با اشاره به اینکه در استراتژی آمریکا در رابطه با کشورهای مانند کوبا و ایران، مثلثی را می بینیم که یک ضلع و زاویه آن امنیت است (مثلاً در مورد ایران، آمریکا سپاه و نیروهای امنیتی را تهدید می نماید) گفت: ضلع دیگر تحریم و کاهش قیمت نفت است (که در مورد ایران و ونزوئلا صدق می کند) و ضلع و زاویه سوم آن بحث سیاسی و اعتقادات مردم است.

وی تصریح کرد: در رابطه با بحث قیمت نفت، در نشست هایی که با برخی از سفرای کشورهای آمریکای لاتین داشته ام از آن ها شنیده ام که می گفتند که تنها ۱۴٪ از پول نفتی که می فروشند به دست آن ها می رسد و بقیه آن نصیب شرکت های چندملیتی می شود. آمریکا با این چنین راهبردی می خواهد به داخل کوبا رخنه کرده، آن را از درون دچار استحاله نموده و دچار فروپاشی نماید.

وی در ادامه افزود: تصویری که از روابط جدید آمریکا با کوبا می بینم، تنها یک استراتژی همراه با سوء نیت است. در سال های آینده اگر کوبا در این بازی پیش برود، سیلاک را رها کند و ارتباط آن با آلبا، تله سور، یونیسور و پتروکارائیب سست گردد،



استاد دانشگاه آکسفورد:

تمام جزئیات فنی برنامه هسته‌ای ایران حل و فصل شده است

فرهنگ جهانپور استاد دانشگاه آکسفورد با اشاره به اینکه تمام جزئیات فنی برنامه هسته‌ای ایران حل و فصل شده گفت: غرب باید تضمین بدهد که در مدتی مشخص شورای امنیت تحریم‌ها علیه ایران را فسخ می‌کند.

تکنیکی همه حل شده و تنها بخش سیاسی آن باقی مانده که نیاز به تصمیمات سیاسی هر دو طرف دارد. غرب باید به ایران تضمین بدهد که همه تحریم‌ها به شکل همزمان با گزارش‌های تاییدی آژانس برداشته می‌شود. اخیراً برخی از مقامات غربی تحت فشار نوجمهوریخواهان آمریکا، بر مسئله پایان مهلت مذاکرات و ادعاهای مطرح شده در مورد ابعاد نظامی برنامه هسته‌ای ایران پافشاری کرده‌اند. مفاد آن پی‌تی‌آر تباطوی به مهلت مذاکرات ندارد، اما برخی در غرب همچنان اصرار دارند که ایران باید تعداد سانتریفیوژهایش را برای جلوگیری از خطر ساخت سلاح هسته‌ای ظرف شش ماه یا یک سال مهلت انجام مذاکرات، کاهش دهد. موضوع دیگر به ادعاهای مطرح شده در مورد آزمایش‌های نظامی و استناد به شواهدی ساختگی مربوط است و بسیاری از کارشناسان غربی و متخصصان آژانس آن را چنان جدی نمی‌گیرند. با این وجود، این هم موضوع دیگری است که نیازمند حل و فصل از طریق

غرب از ایران می‌خواهد ثابت کند که برنامه هسته‌ای اش صلح آمیز است. در مقابل ایران هم می‌خواهد تحریم‌هایی که به خاطر نگرانی از برنامه هسته‌ای اعمال شده، برداشته شود

پروفیسور فرهنگ جهانپور در گفتگو با روزنامه تهران تایمز به بررسی روند مذاکرات هسته‌ای ایران و گروه کشورهای ۵+۱ پرداخته که در ادامه از نظر می‌گذرد. جهانپور استاد پیشین دانشگاه و رئیس دانشکده زبان‌های دانشکده اصفهان، در حال حاضر به تدریس در دانشگاه‌های کمبریج و آکسفورد مشغول بوده و استاد دوره‌های آنلاین دانشگاه‌های آکسفورد، ییل و استنفورد است. وی بورس یک ساله فرصت مطالعاتی در دانشگاه هاروارد را داشته و طی ۲۸ سال گذشته به تدریس در رشته سیاست‌های خاورمیانه در بخش تحصیلات تکمیلی دانشگاه آکسفورد مشغول بوده است.

|| ارزیابی شما از آینده مذاکرات ایران و کشورهای ۵+۱ چیست؟

من همچنان در مورد خروجی مثبت در مذاکرات هسته‌ای بین ایران و کشورهای ۵+۱ خوش بین هستم. به نظر می‌رسد تمام جزئیات تکنیکی حل و فصل شده است. دو طرف می‌دانند طرف مقابل کجا ایستاده است و رئیس یک توافق بسیار مشخص است. غرب از ایران می‌خواهد ثابت کند که برنامه هسته‌ای اش صلح آمیز است. در مقابل ایران هم می‌خواهد تحریم‌هایی که به خاطر نگرانی از برنامه هسته‌ای اعمال شده، برداشته شود.

به عنوان نتیجه بحث‌های فراوان و با نگاه به گزارش‌های متعدد آژانس بین المللی انرژی اتمی، واضح است که ایران برنامه هسته‌ای نظامی ندارد و با توجه به اظهارات رئیس جمهور آمریکا اوباما، جو بایدن معاون اول وی و جان کری وزیر خارجه مشخص است که آنها نیز به این که ایران به دنبال اهداف نظامی در این برنامه نیست، باور دارند.

همه آنچه که آنها می‌گویند این است که می‌خواهند ایران را از دستیابی به توانایی تولید سلاح هسته‌ای در آینده بازدارند. سوال اینجا است که با چه سرعت و چه وسعتی تحریم‌ها می‌تواند برداشته شود. اینجا جایی است که مشکل اصلی آغاز می‌شود.

|| چرا این نقطه را مشکل اصلی می‌دانید؟

علت این است که تحریم‌ها در سه بخش اعمال شده‌اند. دسته اول آنها می‌تواند که توسط شورای امنیت سازمان ملل اعمال شده‌اند و به این بستگی دارد که ایران چگونه آژانس را با انجام تمام مفاد آن پی‌تی‌آر قانع کند.

ایالات متحده به تنهایی نمی‌تواند این تحریم‌ها را برقرار کند زیرا برای این کار به رای گیری در شورای امنیت نیاز دارد و این مسئله نیز به تاییدیه آژانس در این خصوص که تمام نگرانی‌ها در مورد برنامه هسته‌ای ایران مرتفع شده و پرونده این کشور می‌تواند به حالت عادی بازگردد بستگی دارد. دومین بخش از این تحریم‌ها آنها می‌تواند که توسط کنگره آمریکا و یا دستورات اجرایی رئیس جمهوری این کشور اعمال شده

دادن دسترسی به آژانس برای بررسی از سایت‌های مورد استفاده در آزمایش‌های نظامی است.

آنچه که باید در وهله نخست انجام گیرد این است که دو طرف باید به تصمیمی سیاسی برسند تا اختلافات به طریق مسالمت آمیز و روشی مناسب حل شود. اگر این کار انجام شود، به برنامه‌ای مدون نیاز است تا هر دو طرف گام‌های موازی برای رسیدن به توافق جامع‌نهایی بردارند. باید چارچوب زمانی مشخص شود و بهتر خواهد بود که تا پایان دوره دولت کنونی آمریکا باشد زیرا ورود دولت جدید به مذاکرات، آن را پیچیده می‌کند.

با توجه به این طرح، با هر گامی که ایران برای اجرای مفاد توافقنامه برمی‌دارد تعداد متناسبی از تحریم‌ها باید برطرف شود تا این که سرانجام -مثلاً در پایان سال دو سال- تمام تحریم‌ها لغو شده و پرونده هسته‌ای ایران به آژانس بازگردد. در این میان غرب باید تضمین بدهد که در مدتی مشخص شورای امنیت سازمان ملل قطعنامه‌ها را فسخ می‌کند.

|| آیا سنای جمهوری خواه ممکن است مذاکرات را از مسیر فعلی منحرف کند و یا حتی به شکست بکشاند؟

مطمئناً فشار زیادی از سوی سنا برای تصمیم گیری آمریکا اعمال می‌شود. همانطور که اشاره کردم رئیس جمهور به تنهایی نمی‌تواند تحریم‌های اعمال شده از سوی کنگره را برطرف کند. هر چند این قدرت را دارد که برای مدت کوتاهی اجرای آن را متوقف کند. انتخابات میان دوره‌ای جدید در آمریکا که موجب قدرت یافتن جمهوریخواهان در هر دو مجلس سنا و نمایندگان شد، در واقع وضعیت را پیچیده تر کرد. اما این به معنای غیرقابل عبور بودن این مسیر نیست.

اگر ایران و کشورهای ۵+۱ به یک توافق برسند، با استقبال بسیاری از کشورهای کارشناسان مواجه می‌شوند، در این حالت برای کنگره مشکل خواهد بود که به تنهایی اقدام و برخلاف نظر بسیاری از کشورهای جهان عمل کند. از این رو ایران باید مذاکرات را ادامه دهد و در راستای توافق جامع حرکت نماید. به این امید که رئیس جمهوری آمریکا بتواند کنگره را راضی به تبعیت از خود کند. در هر حال حتی اگر وی موفق به این کار نشود، در صورت لغو تحریم‌های شورای امنیت و موافقت اکثریت کشورهای اروپایی با لغو تحریم‌ها، کنگره به این تبعیت وادار می‌شود. نهایتاً آنچه که هر دو طرف باید در نظر داشته باشند این است که انتخاب دیگری برای حل اختلافات به شکل مسالمت آمیز وجود ندارد. صرف نظر از این که این روش چقدر به طول بیانجامد. حل این مشکل می‌تواند ایران و غرب را به هم نزدیک و اقتصاد داخلی ایران را شکوفا کند. همانطور که موقعیت منطقه‌ای و بین المللی اش را بهبود می‌بخشد.

منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا از دبرباز تاکنون به علت موقعیت استراتژیک خود همواره کانون تنش و بحران و مملوء از رویداد و حوادث بوده است.

کشورهای این منطقه در ماه جاری شاهد تحولات مهمی بودند که مرگ عبدالله بن عبدالعزيز پادشاه عربستان سعودی، بازداشت «شیخ علی سلمان» دبیر کل جمعیت الوفاق بحرین و «جمیل کاظم» رئیس شورای الوفاق توسط رژیم آل خلیفه در بحرین، گفتگوهای حزب الله لبنان با جریان المستقبل این کشور، اظهارات سید حسن نصرالله دبیر کل حزب الله لبنان، دیدار دبیر کل سازمان همکاری اسلامی با مرجع عالی شیعیان عراق، موج گسترده اعتراضات ضد فرانسوی در جهان اسلام در اعتراض به هتاکی نشریه شارلی ابدو به ساحت مقدس پیامبر اکرم (ص)، درخواست فلسطین برای عضویت در دادگاه کیفری بین المللی، ناکامی تشکیلات خودگردان فلسطین در شورای امنیت و تصویب نشدن طرح پیشنهادی آن، شکایت سوریه از سناتور آمریکایی در سازمان ملل متحد، سرنگونی یک پهپاد رژیم صهیونیستی توسط سوریه، تلاش ها برای نزدیکی قطر و مصر از جمله تحولات مهم خاورمیانه و شمال آفریقا در یک ماه گذشته به شمار می رود.

مرکز و جنوب آفریقا در دیماه شاهد ادامه خشونتها در نیجریه توسط گروه بوکوحرام، رأی منفی نیجریه به قطعنامه شورای امنیت در خصوص پایان اشغالگری رژیم صهیونیستی در اراضی اشغالی و نشست وزرای شرق آفریقا در موگادیشو بود.

همچنین حمله به پایگاه اتحادیه آفریقا در سومالی و تلاش نافرجام برای کودتای نظامی در گامبیا و بازگشت رئیس جمهوری این کشور پس از کودتای نافرجام از دیگر اخبار مهم این حوزه در ماه گذشته شمسی به شمار می رود.



خاورمیانه و آفریقا

دبیران: سمیه خماریاقی
فرزادفرهادتوسکی

متحدان دیروز دشمنان امروز؛ آیا اروپا از اسرائیل عبور می کند

عبدالحمید بیاتی

اظهارات «فدریکا موگرتینی» مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا بعد از رای نیاوردن طرح پایان اشغالگری اسرائیل در سرزمین‌های فلسطینی، سند محرمانه اتحادیه اروپا برای تحریم رژیم صهیونیستی، طرح کشورهای اروپایی برای فراخواندن سفر از سرزمین‌های اشغالی، به رسمیت شناختن کشور مستقل فلسطینی از سوی کشورهای مختلف قاره سبز و در نهایت اظهارات لیبر من نشان می دهد اتحادیه اروپا دیگر آن متحد سال‌های گذشته نیست و تل آویو دیگر نمی تواند حساب زیادی روی برو کسل باز کند.



اقدام این کشور در دادن رای متعصب به طرح کشور مستقل فلسطینی در شورای امنیت که در آخرین روزهای سال ۲۰۱۴ انجام شد نیز به خوبی گویای این مطلب است. هر چند به نظر می رسد که آمریکا مهمترین متحد رژیم صهیونیستی در جهان است اما توریخ تاریخ نشان می دهد که انگلیس بود که نقش اصلی را در شکل گیری اسرائیل و رشد و نمو آن ایفا کرده است. در سال ۱۹۴۷ نیروهای انگلیس که فلسطین را به اشغال خود در آورده بودند خود را از مناسبات کنار کشیدند. برحسب طرح تقسیم ارائه شده توسط سازمان ملل قرار بر این بود که این منطقه بین اعراب و یهودیان به طور مساوی تقسیم شود و بیت المقدس نیز محدود تحت نظارت سازمان ملل قرار گیرد تا از ایجاد برخورد جلوگیری شود. اعراب با تشکیل حاکمیتی یهودی به هر نحو، مخالف بودند و مخالفت خود را اعلام کردند. در ۱۴ می ۱۹۴۸، چند ساعت پیش از پایان حاکمیت انگلیس بر فلسطین، تشکیل رژیم اسرائیل اعلام شد و در سال ۱۹۴۸ م. با اشغال قسمت اعظمی از فلسطین، دولت غاصب اسرائیل در آسیای غربی در مشرق مدیترانه تشکیل شد.

با این اوصاف به نظر می رسد تا زمانیکه انگلیس در اتحادیه اروپا حضور داشته باشد اقدامات بروکسل علیه رژیم صهیونیستی نتیجه دلخواه را در بر نداشته باشد اما با توجه به آنکه حاکمان انگلیس مدعی هستند که قصد خروج از اتحادیه اروپا را دارند و قرار است در همین رابطه یک همه پرسی نیز در سال ۲۰۱۷ انجام شود، تحقق این امر می تواند سیاست های اروپا علیه اسرائیل را بیش از گذشته تندتر کند. اظهارات فدریکا موگرتینی، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، در واکنش به رای نیاوردن طرح پایان اشغالگری رژیم صهیونیستی در اراضی ۱۹۶۷، مبنی بر اینکه بروکسل از این پس طرح تشکیل دو کشور مستقل را جدی تر از قبل دنبال می کند نشان می دهد اروپا در مسیر عبور از اسرائیل قرار گرفته اما اینکه قاره سبز تا چه میزان در این مسیر گام بردارد به ثبات قدم اروپایی ها و نادیده گرفتن فشارهای سیاسی وارده بر بروکسل از سوی واشنگتن، تل آویو و لندن بستگی دارد.

ارتباط با بحث تشکیل دو دولت در سرزمین های اشغالی است؛ اما میزان چماق های آن بسیار بیشتر است. یک دیپلمات اروپایی می گوید: روند صلح کاملاً متوقف شده، ولی تحولات میدانی همچنان جریان دارد. ناامیدی شدیدی در این زمینه در اروپا وجود دارد و فعالیت های شهرک سازی رژیم اسرائیل قابل تحمل نیست. این سند بخشی از روند همفکری است که این روزها در بروکسل در حال انجام است و هدف از آن، دریافتن این موضوع است که برای حفظ راه حل دو دولت چه کاری می توانیم انجام دهیم.

بر اساس سیاست کنونی اتحادیه اروپا، هر گونه توسعه روابط با رژیم اسرائیل مشروط به اقداماتی است که این رژیم ممکن است درباره روند سازش و راه حل دو دولت انجام دهد. بنیان سند جدید تهیه شده در این اتحادیه نیز این است که اگر رژیم اسرائیل اقداماتی انجام دهد که بر اساس آن ها تحقق راه حل دو دولت غیرممکن شود، اتحادیه اروپا از طریق وضع تحریم و محدود کردن روابط خود با این رژیم به آن پاسخ خواهد داد. دیپلمات های اروپایی مطلع از سند مذکور می گویند: در طرح پیشنهادی مذکور، درباره اقداماتی بحث شده که خط قرمز اتحادیه اروپا به شمار می رود؛ به عنوان مثال، در آن به مناطقی از سرزمین های اشغالی اشاره شده که رژیم اسرائیل نباید در آن ها اقدام به توسعه شهرک سازی های خود کند. به اعتقاد اتحادیه اروپا، توسعه شهرک سازی ها در این مناطق می تواند به پیوستگی سرزمینی دولت فلسطینی ضربه زده و این را که بیت المقدس پایتخت هر دو دولت باشد، غیرممکن سازد. تحریم هایی که در سند جدید پیش بینی شده نیز شامل تحریم کالاهای تولید شده در شهرک های اسرائیلی، محدود کردن همکاری با رژیم اسرائیل در زمینه های مختلف و حتی محدود کردن توافق نامه تجارت آزاد اروپا با این رژیم است.

انگلیس وصله ناچور

هر چند اتحادیه اروپا در نظر دارد سیاست واحدی را علیه رژیم صهیونیستی به اجرا بگذارد اما انگلیس به گونه ای عمل می کند که گویا با این اقدام موافق نیست.

گیری های نابخرانه سال ۱۹۲۸ (در آستانه جنگ جهانی دوم) است. به گفته لیبرمن، اسرائیل تنها نماینده ارزش های غربی در خاورمیانه است اما اروپائیان اسرائیل را تنها می گذارند. هر چند فلسطینی ها هفته گذشته در تلاش خود در شورای امنیت برای تصویب قطعنامه «پایان اشغالگری بر اراضی فلسطینی» موفق نشدند اما فرانسه و لوکزامبورگ به پیش نویس این قطعنامه رای موافق دادند.

اروپا در مسیر تحریم اسرائیل و تشکیل کشور فلسطینی

پس از آنکه در ماه های پایانی سال گذشته میلادی تعداد کشورهای اروپایی که کشور مستقل فلسطینی را هر چند به صورت نمادین به رسمیت شناخته بودند افزایش یافت، روزنامه هآرتز سندی را منتشر کرد که در آن آمده بود این اقدام کشورهای اروپایی در راستای تصمیماتی است که در یک سند محرمانه قید شده و بر اساس آن کشورهای اروپایی رفته رفته روابط خود با تل آویو را کاهش می دهند.

هآرتز در توضیح این سند نوشته بود: اتحادیه اروپا سندی محرمانه را میان ۲۸ دولت عضو توزیع کرده که مشتمل بر پیش نویس طرحی برای تحریم رژیم اسرائیل است. بر اساس این طرح، اگر رژیم صهیونیستی در کرانه باختری کاری کند که رسیدن به راه حل «دو دولت» را غیرممکن سازد، تحریم هایی علیه این رژیم وضع خواهد شد. بر اساس سیاست کنونی اتحادیه اروپا، هر گونه توسعه روابط با رژیم اسرائیل مشروط به اقداماتی است که این رژیم ممکن است درباره روند صلح و راه حل دو دولت انجام دهد. بنیان سند جدید تهیه شده در این اتحادیه نیز این است که اگر رژیم اسرائیل اقداماتی انجام دهد که بر اساس آن ها تحقق راه حل دو دولت غیرممکن شود، اتحادیه اروپا از طریق وضع تحریم و محدود کردن روابط خود با این رژیم به آن پاسخ خواهد داد.

لیبرمن پارلمان های کشورهای اروپایی را نیز مورد انتقاد شدید قرار داد. مجلس ایرلند، بریتانیا، فرانسه و شمار دیگری از کشورهای به تازگی کشور مستقل فلسطین را به رسمیت شناختند و البته این امر با انتقاد کابینه اسرائیل روبرو شده است. وی در سخنان یکشنبه خود بویژه از سوئد و ایرلند انتقاد کرد و گفت رفتار آنها مانند موضع

«آویگدور لیبرمن» در جمع سفرای رژیم صهیونیستی در کشورهای اروپایی گفت: نه ایران و حزب الله و یا فلسطینی ها، بلکه اروپای غربی مهمترین چالش اسرائیل در سال ۲۰۱۵ است. لیبرمن در ادامه افزود: برخی از کشورهای اروپایی در موضع گیری های خود علیه اسرائیل مطالبی مشابه افتراهای «پروتکل بزرگان صهیون» را تکرار می کنند.

«پروتکل بزرگان صهیون» سندی مربوط به سال ۱۹۰۳ است که نقشه های صهیونیسم را بر ملا می کند. مقصود از نگارش آن، ترسیم یهودیان به عنوان توطئه گران در سطح جهانی است. این کتاب در ۲۴ فصل یا پروتکل، که گفته می شود خلاصه مذاکرات ملاقات های رهبران یهودی است، به «نقشه های پنهانی یهودیان» برای حکومت بر جهان از طریق دخل و تصرف در اقتصاد، کنترل رسانه های همگانی و دامن زدن به اختلافات مذهبی پرداخته است.

اتحادیه اروپا سندی محرمانه را میان ۲۸ دولت عضو توزیع کرده که مشتمل بر پیش نویس طرحی برای تحریم رژیم اسرائیل است. بر اساس این طرح، اگر رژیم صهیونیستی در کرانه باختری کاری کند که رسیدن به راه حل «دو دولت» را غیرممکن سازد، تحریم هایی علیه این رژیم وضع خواهد شد. بر اساس سیاست کنونی اتحادیه اروپا، هر گونه توسعه روابط با رژیم اسرائیل مشروط به اقداماتی است که این رژیم ممکن است درباره روند صلح و راه حل دو دولت انجام دهد. بنیان سند جدید تهیه شده در این اتحادیه نیز این است که اگر رژیم اسرائیل اقداماتی انجام دهد که بر اساس آن ها تحقق راه حل دو دولت غیرممکن شود، اتحادیه اروپا از طریق وضع تحریم و محدود کردن روابط خود با این رژیم به آن پاسخ خواهد داد. لیبرمن پارلمان های کشورهای اروپایی را نیز مورد انتقاد شدید قرار داد. مجلس ایرلند، بریتانیا، فرانسه و شمار دیگری از کشورهای به تازگی کشور مستقل فلسطین را به رسمیت شناختند و البته این امر با انتقاد کابینه اسرائیل روبرو شده است. وی در سخنان یکشنبه خود بویژه از سوئد و ایرلند انتقاد کرد و گفت رفتار آنها مانند موضع

به بهانه احتمال تغییر ساختار قدرت در عربستان

عربستان از نمای نزدیک پشت پرده سلطنت افسانه‌ای آل سعود

سیدعبدالمجید زواری



منع نکرده است، اما به دلیل عدم صدور گواهینامه برای زنان، این قشر از جامعه عملاً از این امکان محروم می‌شوند.

شیعیان عربستان

وضعیت اسفناک شیعیان از دیگر فجایعی است که در این نظام سیاسی بسته در حال جریان است. شیعیان با وجودی که پانزده درصد جمعیت ۲۹ میلیونی عربستان را تشکیل می‌دهند، به دلیل دشمنی سرسختانه حکومت وهابی با انواع تبعیض‌های شغلی و اجتماعی دست به گریبان هستند و حتی در زمینه احداث یا ترمیم مساجد و حسینیه‌های خود نیز با محدودیت مواجه هستند. در کنار این تبعیض‌های اجتماعی، به دلیل عدم دسترسی و طرد شیعیان از عرصه‌های سیاسی، حکومتی و حتی نظامی، میزبان فقر و بیکاری در این بخش از جامعه به مراتب بیش از دیگر بخش‌هاست و با وجودی که این گروه اغلب در نواحی نفت خیزی همچون میدان نفتی حف‌النورا (از بزرگترین میدانی نفتی جهان) ساکن هستند، به دلیل تبعیض گسترده، سهم اندکی از نیروی انسانی شرکت آرامکو را تشکیل می‌دهند و اغلب افراد شاغل در این بخش یا طی سال‌های اخیر اخراج شده‌اند و یا در مناصب میانی و پایین به کار گمارده شده‌اند.

به همین دلیل بر اثر اعمال این سیاست‌ها مناطق شیعه‌نشین اغلب جز فقیرترین مناطق به شمار می‌روند. بنابر آمار موجود، شهر جازان با ۱۹ هزار و ۷۰۰ خانواده نیازمند، یا به عبارتی نرخ فقر ۳۴ درصد، فقیرترین منطقه عربستان شناخته می‌شود. پس از آن نیز منطقه نجران با ۲۴.۵۳ درصد، مدینه منوره با ۲۴.۰۷ درصد و الحدود با ۲۳ درصد جزء محروم‌ترین مناطق شبه جزیره شناخته می‌شوند.

مجموعه این ظلم‌ها، سبب شده تا شیعیان بیش از دیگر گروه‌های اجتماعی عربستان از حکومت آل سعود متنفر بوده و به دنبال فرصتی برای بهبود شرایط باشند. به همین دلیل در بحبوحه وقوع انقلاب‌های عربی، شیعیان نیز حضور پررنگی در سازمان‌دهی حرکت‌های اعتراضی در عربستان داشتند ولی به دلیل اختناق شدید، این حرکت‌ها خیلی زود سرکوب شد و در آخرین مورد با بازداشت و صدور حکم اعدام برای شیخ باقر النمر از رهبران برجسته این گروه درصدد کنترل اوضاع برآمد.

عربستان همچنین در زمینه دیگر شاخص‌های حقوق بشر نیز کارنامه سیاهی دارد و تضییع حقوق زنان، قاچاق انسان، وضعیت اسفناک کارگران خارجی، سرکوب اقلیت‌های دینی و قومی، عدم آزادی بیان و قلم، و به طور کلی عدم پایبندی به حداقل ارزش‌ها و حقوق پذیرفته شده در دنیای مدرن، این کشور را به جهنمی پر تناقض و بی‌تهددترین کشور جهان به حقوق بشر بدل کرده است.

آمار بیکاری را ۲۶.۴ درصد اعلام می‌کنند. بیکاری گسترده عربستانی‌ها در حالی است که به دلیل عدم تخصص مردم و به ویژه جوانان در حوزه‌های مد نظر بخش خصوصی، حدود هشت میلیون کارگر خارجی بیش از نود درصد فرصت‌های شغلی بخش خصوصی را به خود اختصاص داده‌اند و خود این موضوع به تشدید فقر و بحران بیکاری در این کشور پرتناقض دامن زده است. بر همین اساس با وجود میلیاردها دلار ذخیره ارزی عربستان در بانک‌های کشورهای غربی، هفتاد درصد شهروندان این کشور قادر به خرید منزل شخصی نیستند. نرخ بالای بی‌سوادی از دیگر مصائب این شبه جزیره است و به دلیل بافت عشیره‌ای و تصببات غلط مذهبی، حدود ۶۳ درصد مردم از این معضل رنج می‌برند.

عدم قانون شفاف و مدون در این پادشاهی مطلقه از دیگر چالش‌هایی است که ضمن محدود کردن شهروندان به لحاظ سیاسی و اجتماعی، زمینه برخورد سلیقه‌ای و اعمال انواع تبعیض‌ها را فراهم کرده است. برای مثال با وجودی که قانون اساسی صراحتاً راندگی زنان را

سترگی باشد که برای دوست و دشمن مهم است، به همین منظور قصد داریم طی چند سلسله یادداشت، ابعاد مختلف جامعه عربستان و ساختار قدرت و پیامدهای مرگ ملک عبدالله بر آینده این کشور را مورد بررسی قرار دهیم.

عربستان از نمای نزدیک

عربستان سعودی یکی از عجیب‌ترین نظام‌های سیاسی دنیاست. یک نظام قبیله‌ای بسیار سنتی که سرشار از تناقض است. این کشور که برآمده از تغییر معادلات قدرت پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی و جنگ جهانی اول است به رغم پیوند نزدیک خود با کشورهای غربی به ویژه انگلستان و آمریکا، یکی از سیاه‌ترین کارنامه‌ها را در زمینه نقض حقوق بشر دارد. این کشور به رغم داعیه رهبری جهان اسلام، با هرگونه نمادهای

عربستان سعودی یکی از عجیب‌ترین نظام‌های سیاسی دنیاست. یک نظام قبیله‌ای بسیار سنتی که سرشار از تناقض است

با توجه به نقش و جایگاه عربستان در معادلات و تحولات جهانی، آینده این کشور از چند منظر برای بخش قابل توجهی از افکار عمومی جهان مهم و تاثیرگذار است.

عربستان زادگاه اسلام و میزبان کعبه به عنوان مقدس‌ترین محل نزد مسلمانان است. در عین حال منابع سرشار نفتی، این کشور را به یکی از ثروتمندترین کشورهای جهان بدل کرده است و ریاض با هشت میلیون بشکه تولید روزانه به عنوان بزرگترین تولیدکننده نفت جهان نقش مهمی در تعیین قیمت نفت ایفا می‌کند. از سوی دیگر این کشور داعیه رهبری جهان اسلام را دارد و در عین حال با قرائت خاص خود از اسلام به عنوان اصلی‌ترین حامی وهابیت، سلفی‌گری و جریان‌های تکفیری شناخته می‌شود. از سوی دیگر با توجه به نقش انگلستان در روی کار امن حکومت آل سعود، این کشور همواره به عنوان متحدی راهبردی برای آمریکا و انگلیس، در جهت پیشبرد اهداف کشورهای غربی در منطقه عمل اقدام کرده است. موضوع دیگر طرح دیدگاه‌هایی است که مرگ فردی به نام عبدالله را به عنوان نشانه‌ای از رویدادهای آخرالزمان و مقدمه ظهور حضرت صاحب‌الزمان مطرح می‌کنند برآیند همه این مسائل در کنار شرایط خاص عراق و سوریه و بازار نفت موجب شده تا مرگ پادشاه کهنسال عربستان مقدمه رویدادهای

درد و منابع رسمی

چین به دنبال افزایش روابط اقتصادی با اعراب خلیج فارس و اسرائیل است

چین برای بدست آوردن منابع انرژی ارزان قیمت، مناسبات اقتصادی خود با کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس را افزایش می دهد و در همین راستا در سال جدید میلادی مذاکراتی را با کشورهای عرب حوزه خلیج فارس و همچنین اسرائیل انجام می دهد.

گویا علاوه بر اعراب، رژیم صهیونیستی نیز در لیست طرف های مذاکره با پکن برای افزایش مناسبات اقتصادی قرار دارد بر اساس گزارش رویترز، چین به دنبال توافق آزاد تجاری با کشورهای ذکر شده است.

به گفته «ژانگ شائوگانگ» مدیر کل بخش بازرگانی بین المللی وزارت بازرگانی چین، توافق تجارت آزاد پیش بینی شده با اعضای کشورهای شورای همکاری خلیج فارس به چین کمک می کند تا به منابع ارزان تر انرژی دست پیدا کند و راه را برای یافتن بازارهای جدید در خاورمیانه می گشاید.

وی در نشست سالانه وزارت تجارت چین گفت: کشورهای شورای همکاری خلیج فارس به چین به عنوان بازار اصلی تولیدات پتروشیمی خود نگاه می کنند و این موضوع یاریگر آنها در توسعه صنعتی خواهد بود.

تاریخ آغاز گفتگوها برای تجارت آزاد با چین در حال حاضر برای تجارت آزاد با استرالیا و کره جنوبی به توافق رسیده و بر اساس اعلام رسانه های آن کشور، پکن مذاکراتی جدید را با کشورهای در جنوب اقیانوس آرام نیز آغاز می کند.

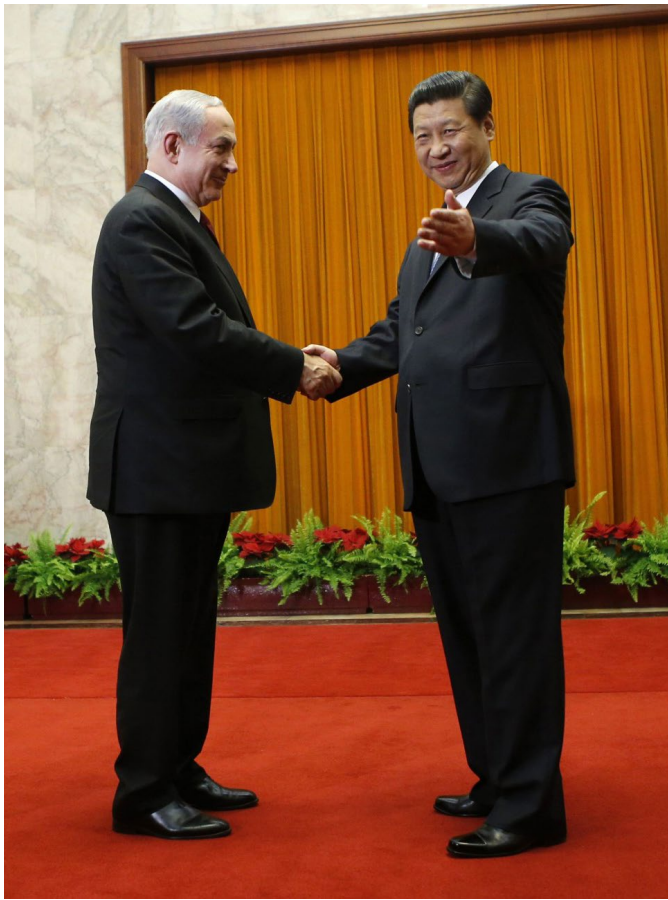
چین برای بدست آوردن منابع انرژی ارزان قیمت، مناسبات اقتصادی خود با کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس را افزایش می دهد و در همین راستا در سال جدید میلادی مذاکراتی را با کشورهای عرب حوزه خلیج فارس و همچنین اسرائیل انجام می دهد.

گویا علاوه بر اعراب، رژیم صهیونیستی نیز در لیست طرف های مذاکره با پکن برای افزایش مناسبات اقتصادی قرار دارد بر اساس گزارش رویترز، چین به دنبال توافق آزاد تجاری با کشورهای ذکر شده است.

به گفته «ژانگ شائوگانگ» مدیر کل بخش بازرگانی بین المللی وزارت بازرگانی چین، توافق تجارت آزاد پیش بینی شده با اعضای کشورهای شورای همکاری خلیج فارس به چین کمک می کند تا به منابع ارزان تر انرژی دست پیدا کند و راه را برای یافتن بازارهای جدید در خاورمیانه می گشاید.

وی در نشست سالانه وزارت تجارت چین گفت: کشورهای شورای همکاری خلیج فارس به چین به عنوان بازار اصلی تولیدات پتروشیمی خود نگاه می کنند و این موضوع یاریگر آنها در توسعه صنعتی خواهد بود.

تاریخ آغاز گفتگوها برای تجارت آزاد با



تمام این کارها هزینه ای دارد. بسیاری از زنان کمپ، تحت عنوان ازدواج دینی، به مردهایی که وارد کمپ می شوند فروخته شده اند.

مختار برای خبرنگار توضیح می دهد که قیمت خرید زن از کمپ پناهندگان ۵۰۰۰ لیر ترکیه (معادل ۲۵۰۰ دلار) است که البته جای چانه زنی هم دارد! این پول به نسبت های مشخص، بین واسطه های این تجارت کثیف پخش می شود.

مختار اضافه می کند: ازدواج رسمی لازم نیست، برای همین خیلی از مردها پس از مدتی زنی را که خریده اند را پس می آورند. اغلب موقع خرید یک زن به او زینت آلات هدیه می دهند که پس از مدتی آنها را پس می گیرند. زنانی را که چند ماه پیش خریده بودند را جلوی در کمپ رها می کنند و کمپ دوباره به این افراد راه می دهد. هیچکس روی این کار نظارتی نمی کند، هم زن پناهنده زیاد وجود دارد و هم واسطه. این کار آنقدر علنی شده است که حتی پرسنل اداره هم با افراد همکاری می کنند. دخترهایی که ۱۵ سال دارند، با وعده ی زندگی راحتتر و رهایی از شرایط دشوار پناهندگی فروخته می شوند. دخترها را پس از ۴-۵ ماه پس می فرستند. بعضی از کارمندان سازمان مدیریت بحران هم نیمه شب وارد کمپ شده و سپس داخل چادر بعضی از پناهندگان می شوند. چندین بار این موضوع را پیگیری کردم ولی به هیچ نتیجه ای نرسیدم!

قرض بگیرد، پس از چند وقت پولشان را با چند برابر سود از تو پس می خواهند. اگر نتوانی پول را پرداخت کنی تو را وادار به تن فروشی می کنند.»

ممکن است اول با خود پیرسید که کار کردن یک زن پناهنده در رستوران مگر ممکن است؟ مگر کسی نظارت نمی کند؟ اما گویی قضیه بسیار پیچیده تر از یک نظارت ساده است.

بر اساس اطلاعات ثبت شده در سازمان مدیریت بحران ترکیه، در این کشور ۲۲ کمپ پناهندگی موقت و حدود ۲۲۰ هزار پناهنده وجود دارد که در این میان ۱۰۷ هزار نفر این تعداد را پناهندگان زنان تشکیل می دهد.

یکی از این کمپ های پناهندگی که در شهر کاراکامیش واقع در استان غازیان تپ ترکیه قرار دارد، این روزها پناهگاه ۸۰۰۰ مهاجر سوری است. پناهندگان این کمپ بین ساعت های ۸ صبح الی ۲۱ حق ورود و خروج دارند. در کمپ افرادی تحت عنوان «مختار» فعالیت می کنند که مسئولیت کنترل پناهندگان را به عهده دارند.

یکی از این مختارها می گوید: بعضی ها می خواهند داخل کمپ زن خریداری کنند. اول از اداره نامه می گیرند و وارد کمپ می شوند. سپس با زنی که می خواهند آشنا شده و از طریق واسطه ها وی را می خرند. در این روند واسطه های بسیاری از جمله خود مختارها وجود دارند که در داخل و خارج کمپ همکاری می کنند.



جمهوریت گزارش داد:

سرگذشت تلخ زنان آواره سوری در ترکیه

مستولان کمپ پناهندگان سوری در ترکیه از به فروش رسیدن آسان زنان سوری در این محل به دلیل مشکلات موجود در آن خبر می دهند.

روزنامه جمهوریت ترکیه در روزهای گذشته گزارشی از فروش زنان سوری در کمپ های پناهندگی این کشور منتشر کرد.

در ابتدای این گزارش، ماجرای «ستاره» زن ۲۷ ساله ای که دو سال است در ترکیه کار می کند قرار دارد. نام اصلی اش ترجمه است، اما برای خود اسم ترکی ستاره

را انتخاب کرده است. از یک پدر سوری و یک مادر عراقی به دنیا آمده است. یک پسر هشت ساله دارد. دو سال است که پسرش را ندیده. برای خبرنگار از شرایط کار کردن در رستورانهای شهر می گوید: «رستورانها به عنوان کارگر زنها را استخدام می کنند اما پس از مدتی از آنها می خواهند که سر میز مردها بنشینند و با آنها هم صحبت شوند. نصف پولی که هر مشتری به رستوران می پردازد، به ما می رسد. اما اگر بخواهی از مدیر رستوران پول

معاون اول رئیس پارلمان عراق:

پیام ائتلاف هویت بخشی به داعش است/قدردانی مردم عراق از ایران

گفتگو از فاطمه درخشان

با توجه به رفت و آمدهای دیپلماتیک اخیر میان مقامات ایرانی و عراقی و حمایت جمهوری اسلامی ایران به عنوان قدرتی تاثیر گذار از عراق سطح روابط امنیتی، نظامی و سیاسی میان دو کشور و اهداف سفر اخیر رئیس مجلس عراق به ایران را در گفتگویی اختصاصی با «همام حمودی» معاون اول رئیس پارلمان عراق مورد بررسی قرار دادیم که مشروح آن از نظر می گذرد.

|| مباحث مطرح شده در سفر اخیر هیئت پارلمانی عراق به ریاست «سلیم الجبوری» رئیس پارلمان این کشور به ایران و نتایج نشستهایی که در پی این سفر برگزار شد چه بودند و ارزیابی شما از این سفر چیست؟

سفر اخیر ما به تهران و دیدار با مقامات جمهوری اسلامی ایران بسیار مؤثر و خوب بود و نشانگر روابط نزدیک، برادرانه و شفاف میان بغداد و تهران است. در دیداری که با مسئولان وزارت خارجه ایران داشتیم، آخرین تحولات منطقه، نقش ایران در حمایت از عراق در مواجهه با پدیده تروریسم و قدرت نمایی ایران در مذاکرات هسته ای مورد بحث و رایزنی قرار گرفت.

در عرصه سیاسی و پارلمانی نیز درخصوص تشکیل یک کمیته مشترک درخصوص پیگیری توافقاتی که پیشتر میان بغداد و تهران حاصل شده و اسناد تفاهمی که به امضای رسیده و همچنین برگزاری نشستهای دوره ای میان پارلمانهای دو کشور در راستای عملی کردن توافقات به بحث و رایزنی پرداختیم. مسأله نفت و قیمت آن و همچنین اتخاذ اقداماتی از سوی کشورهای منطقه که منافع همه کشورهای منطقه را در بر داشته باشد از دیگر مباحثی بود که در نشستهای اخیر مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

|| نقش ایران را در حمایت از مردم عراق در مواجهه با تروریسم چگونه ارزیابی می کنید؟

چنانکه اخیراً رخ داد نمایندگان مردم عراق از همه استانهای عراق و همچنین نمایندگان گروههای مذهبی و دینی به شکل مستقیم و صریح با برادران خود در پارلمان ایران وارد مذاکره شدند و همه بر این مسأله اتفاق نظر داشتند که نقش ایران در حمایت از دموکراسی در عراق نقش برجسته و پررنگی است و عراقها معتقدند که ایران دارای قدرت و صداقت است و مثل برخی از کشورها که تنها به دادن وعده و وعید اکتفا می کنند عمل نمی کند و در هنگام نیاز به یاری مردم عراق می شتابد. به همین دلیل است که همه گروههای عراقی حتی مسیحیان از ایران تقاضای کمک می کردند و جمهوری اسلامی ایران نیز در زمینه های سیاسی، اقتصادی و نظامی از عراقها حمایت کرده است و مردم عراق با دید احترام،

شود.

|| سطح هماهنگیهای امنیتی میان ایران و عراق چگونه است؟

ایران و عراق در زمینه های اطلاعاتی، تسلیحاتی و تبادل تجربیات و مشورت گیری با یکدیگر هماهنگی و ارتباط دارند. در همین راستا همکاریهایی نیز میان ایران و اربیل صورت گرفته است.

|| با توجه به فعالیتهای داعش در عراق و سوریه رویکرد عراق در خصوص ساختار امنیتی خلیج فارس چیست؟

ما معتقدیم که داعش در کل ساخته و پرداخته غرب است و تسلیحاتی که این گروه تروریستی در اختیار دارد تسلیحاتی پیشرفته است که محصول کشورهای غربی محسوب می شود و این به دلیل سیاست غیر هوشیارانه ای است که این کشورها در قبال بحران سوریه اتخاذ کردند و بدون درایت و عاقبت اندیشی از گروههای تکفیری حمایت کردند که در نتیجه به ایجاد یک گروه مسلحی که

عزت و برادری به جمهوری اسلامی ایران نگاه می کنند و در همین جاز جمهوری اسلامی ایران بخاطر حمایتهایش قدرانی می کنیم.

|| وضعیت میدانی عراق هم اکنون چگونه است؟

وضعیت میدانی در عراق هم اکنون به



جنگی که در حقیقت میان اسلام و غرب در جریان است که تمام اینها به نفع داعش تمام خواهد شد.

با این وجود باید تاکید می کنم که کشورهای منطقه باید به یک دیدگاه مشترک درخصوص مقابله با تروریسم دست یابند چرا که داعش خطری است که کل منطقه را تهدید می کند. بر این اساس هیچ کس نمی تواند نظر دهد که دولت سوریه پیش از داعش در این کشور باید سرنگون شود و یا اینکه حضور داعش در سوریه ضروری است. اینها عقایدی است که طرح آنها باعث برهم ریختن اوضاع می شود و چیزی که مهم است آن است که بتوانیم به نقطه نظر مشترکی دست پیدا کنیم و کشورهای منطقه به مسئولیتهای خود عمل کنند و کشورهای دیگر نیز به حمایتهای خود ادامه دهند.

تمام منطقه را با چالش مواجه کرده و امنیت منطقه را تهدید می کند منجر شد. در نهایت این مسأله ای است که بار آن بر روی دوش مردم و ملتهاست چنانکه برای مثال در عراق این مردم موصل هستند که می توانند موصل را از چنگال داعش آزاد کنند و همه باید در این زمینه به

مسئولیت های خود عمل کنند و در این میان باید فرصتهای اتمام زنی را برای برخی فراهم نکنیم و اجازه ندهیم که مسأله مبارزه با تروریسم در میان کشورها به مسأله درگیریهای سیاسی یا طایفه ای تبدیل

طور کلی خوب است، چرا که امنیت در مناطق حساس از جمله، بغداد، کربلا، نجف و سامرا به شکل کلی تامین شده است و ارتش زمام امور را به دست گرفته است. چنانکه ارتش اخیراً طی عملیاتی توانسته مناطقی از دیالی و الشعیبه را از داعش باز پس گیرد و تحرکاتی را نیز در تکریت، موصل و منطقه کردستان آغاز کرده است و با توجه به آنکه داعش با تمرکز در نقاطی احتمال دارد قوی به نظر برسد اما در کل می توان گفت که وضعیت میدانی در عراق به شکل عمومی خوب است و پیشرفتهایی در این زمینه به نفع دولت عراق حاصل شده است.

وضعیت میدانی در عراق هم اکنون به طور کلی خوب است، چرا که امنیت مناطق حساس به شکل کلی تامین شده است و ارتش زمام امور را به دست گرفته است



استاد دانشگاه بر دفورد:

«السیسی» با «السیسی» قابل قیاس نیست

مصاحبه از معصومه زارع

مقابل سکولار موفق بوده است که در آن سکولار نماینده فساد بوده، این درحالیست که مذهب در تحقق عدالت اجتماعی موفق عمل کرده است. اوضاع وخیم اجتماعی-سیاسی که به عنوان میراث تاریک حسنی مبارک و نظم به ظاهر سکولار وی دیده می شد، زمینه را برای نیروهای مردمی فراهم کرده که می تواند الهام بخش توده های مردمی با سیاست تسکین دهنده امید در بافت اسلامی باشد. هرچقدر دولت اقدامات سرکوبگرانه بیشتری را برای حفظ وضعیت موجود انجام می دهد، روایت اخوان المسلمین در مخالفت با توده محروم تقریباً دشوار است.

تونس تنها فونوس در یایی امید برای گذار دموکراتیک در جهان عرب در حال حاضر است

بحث دوگانه سکولار مقابل مذهب بازی با حاصل جمع جبری صفر را آغاز کرده که در آن بیشتر، سکولار مشروعیت خود را از دست داده، روایات مذهبی تر نیز محبوبیت بیشتر را به دست آوردند. اخوان المسلمین نیز مجبور به عملی کردن تعهدات خود در زمینه ارزشهای اسلامی، عدالت اجتماعی و انصاف در یکی از جوامع اجتماعی در جهان عرب نیست. از این رو، غالب واقعیت های سیاسی در دوران مبارک یک برکت و رحمت در لباس میدل برای اخوان المسلمین به منظور نفوذ عمیق تر در مردم و شناخت بیشتر بوده است.

از نظر اکثر قریب به اتفاق مردم مصر و تونس، اقتصاد مهمترین موضوع بوده و انتظار می رود که سقوط مبارک و بن علی و توانمندسازی اسلام گرایان استانداردهای اقتصادی را بالا ببرند. با این حال، عدم توانایی به اجرا درآوردن تغییرات اقتصادی که با سوء مدیریت سیاسی آنها همراه شده بود، اعتبار نیروهای اسلامی را هم در تونس و هم در مصر تضعیف کرده است

استاد دانشگاه بر دفورد انگلستان با اشاره به اینکه تحولات شمال آفریقا تنها باعث تبلور خودکامگی در منطقه شده گفت: «باجی السیسی» قابل مقایسه با «السیسی» در مصر نیست. دکتر افشین شاهی استاد دانشگاه بر دفورد انگلستان در گفتگو با ما به بررسی تحولات مصر و تونس و همچنین آینده این کشور پس از پیروزی «السیسی» در انتخابات ریاست جمهوری تونس پرداخت.

رسمیت شناختن و کار با بازیگران غیرسکولار و احزاب همچون «النهضة» ندارد.

چرا اساساً اسلامگراها در مصر و تونس نتوانستند قدرت را در اختیار خود نگه دارند و تداوم دهند؟

اگر چه در کوتاه مدت به نظر می رسد که این احزاب برندگان بهار عربی باشند اما در دراز مدت نمی توانند قدرت را حفظ کنند. در مورد مصر و تونس به نظر می رسد اپوزیسیون رسیده است.

در اواسط قرن بیستم، دولت های سرکوبگر، شرایط اقتصادی را وخیم کرده و فساد به گستره ای برای جنبش های سیاسی اسلامی در سراسر منطقه تبدیل شده است. این نیروهای اسلامگرا در نهایت به لطف بهار عربی فرصتی را برای رسیدن به کوریدور قدرت کسب کردند. با این حال، توانمندسازی نیروهای اسلامی در کشورهایی مانند مصر و تونس که با مشکلات اساسی اقتصادی و اجتماعی دست و پنجه نرم می کنند، تنها آنها را بی اعتبار کرده است زیرا نمی توانند وضعیت را سریعتر از هر نیروی دیگر بهبود ببخشند.

در مورد مصر، نیروهای اسلامی مانند اخوان المسلمین دهه های متوالی است که روی «سیاست امید» با هدف جذب حامیان بیشتر و گسترش حوزه نفوذ خود سرمایه گذاری کرده اند. مسلمانان، این سادگی روایت بخشی از محبوبیت آنها بود. آنها ثابت کردند که در ارائه یک پاسخ ساده برای سوال دشوار خوب عمل کرده و دستور آنها اسلام بود، دینی که اکثریت مردم به شعار آنها که اسلام راه حل است، وفادار بودند. اخوان المسلمین در بحث دوگانه مذهبی

این بدان معنی نیست که یک مسیر آسان به سوی نهادینه شدن ساختار دموکراتیک در این کشور وجود دارد.

خوش بینی فعلی من با این واقعیت همراه است که بازیگران سیاسی نقش مهمی را در تونس پس از بن علی ایفا می کنند و می توانند عمل گرا بوده و از توافق سیاسی حمایت کنند. این مصالحه یکی از مولفه های کلیدی برای گذار دموکراتیک است.

تصور نمی کنید که انتخاب السیسی در تونس نیز مانند انتخاب السیسی در مصر نوعی بازگشت به نظم قبلی باشد؟

فکر نمی کنم که پیروزی السیسی در تونس باید با پیروزی ژنرال السیسی در مصر مقایسه شود. البته، البته، السیسی تکنوکرات کهنه کار بوده که دولت حبیب بورقیبه و بن علی به آن خدمت کرده اند. هم حبیب بورقیبه و هم بن علی حاکمان خودکامه و مستبدی بودند اما این لزوماً به این معنی نیست که السیسی می تواند همان سیستم را تکرار کند.

باید به خاطر داشته باشیم که در حال حاضر در قانون اساسی قدرت رئیس جمهور است که کاهش یافته است و مهمتر اینکه او هیچ گزینه ای را جز اتحاد با احزاب دیگر ندارد. در واقع ساختار فعلی بازسازی مدل سابق استبدادی را تشویق نمی کند.

چشم انداز سیاسی امروز کاملاً متفاوت است. با این حال، به اعتقاد من، هنگام صحبت از سیاست های فرهنگی همچون حقوق زنان و ارزش های سکولار، السیسی سیاست حبیب بورقیبه و بن علی را دنبال می کند. فکر می کنم تعهد وی به سیاستهای سکولار ادامه سیستم قدیمی است. با این حال، این زمان دولت چاره ای جز به

انتخابات تونس در حالی به پایان رسید که «السیسی» به عنوان رئیس جمهوری این کشور انتخاب شد. آیا این انتخاب به معنای بازگشت به نظم دوران بن علی است؟ اگر جواب منفی است تفاوت های آن چه خواهد بود؟

از آغاز به اصطلاح بهار عربی در خاورمیانه و شمال آفریقا تحولات زیادی رخ داده است. در ابتدا امید و اشتیاق زیادی برای تحقق دموکراسی وجود داشت اما حوادث پس از تظاهرات گسترده نشان داد که هنوز راه بسیار طولانی برای انتقال دموکراتیک معنی دار در این منطقه وجود دارد. مصر نمونه واضح این ناامیدی بود. پس از سال های متوالی حکومت نظامی یک پلت فرم جدید برای توسعه نهادهای دموکراتیک پدید آمد. چند انتخابات نسبتاً شفاف نیز برگزار شد که مصری ها مشارکت بی سابقه ای را در آن داشتند.

با این حال، تنها یک سال پس از برگزاری اولین انتخابات ریاست جمهوری، یک بار دیگر ارتش در اداره کشور دخالت کرد و یک دولت منتخب دموکراتیک سقوط کرد. این در پی انتخاب ژنرال السیسی بود که به وضوح راه را برای بازگشت ارتش قدیمی و سیستم استبدادی هموار کرد.

در واقع، استبداد در مصر دوباره حاکم شد و وضعیت سیاسی بسیار مشکل تر از آن زمان حسنی مبارک رئیس جمهوری سابق بود. با در نظر گرفتن این مثال در ذهن می توان فرض کرد که به اصطلاح «بهار عربی» تنها باعث تبلور خودکامگی در منطقه شده است.

وضعیت گذار به دموکراسی در تونس چگونه است؟ برخی آنرا متفاوت از مصر و لیبی ارزیابی می کنند؟

درست است، اوضاع در تونس به شکل دیگری است. به نظر من، تونس تنها فونوس دریایی امید برای گذار دموکراتیک در جهان عرب در حال حاضر است. شاید تونس در نهایت مفهوم «وجود استثنا» در کشورهای عربی را به چالش بکشد و گامهایی را به سوی یک نظام سیاسی کثرت گرا و مبتنی بر نمایندگی بردارد اما

ابومازن در سفر خود به ترکیه شانزده سرباز در هیئت سپاهیان شانزده دولتی را پیش روی خود دید که به باور برنامه ریزان تشریفات کاخ، شانزده دولت ترک تاریخ را نمایندگی می کردند.

وقتی رجب طیب اردوغان به پیشواز او از پله های کاخ پایین می آمد، گویی وارث تاج و تخت شانزده امپراتوری بود که بر پله های تاریخی با بیش از دوهزار و دویست سال تاریخ کام می زد.

این سربازان در تشریفات کاخ ریاست جمهوری ترکیه به عنوان نمادهایی از این دولتها معرفی شده اند: امپراتوری هون (در مغولستان)، امپراتوری هون غربی و امپراتوری هون اروپا، امپراتوری هون سفید (هفتالیان افغانستان)، ترکان آسمانی (گوک ترک در سیبری)، اورها (در جنوب شرق اروپا)، خزرها، اوغورها (در شرق چین)، قره خانیان (در آسیای میانه)، غزنیان، سلجوقیان، خوارزمشاهیان، اردوی زرین (بخش شمالی و غربی امپراتوری مغول)، امپراتوری تیموری (گورکانیان)، گورکانیان هند و امپراتوری عثمانی.

از این فهرست، ترک بودن هونها و خزرها نزد تاریخدانان به اثبات نرسیده و مورد پذیرش عمومی قرار نگرفته، باور اکثر مورخان این است که هونها و خزرها مجموعه ای از قبائل بوده اند که ترک تباران هم بخشی از آن را تشکیل می داده اند و نمی توان دولتهایی را که این قبائل تشکیل داده اند، دولتهای ترک دانست. اردوی زرین نیز قلمرو مغولهایی بود که وارث امپراتوری چنگیزخان شدند و مغولها و ترکها دو تیره جداگانه اند. گورکانیان نیز خاندانی از اشراف مغول بودند که بتدریج ترک زبان شدند، بنابراین تنها نیمی از دولتهای شانزده گانه ای را که برنامه ریزان تشریفات ریاست جمهوری ترکیه انتخاب کرده اند می توان به دور از مناقشه های پژوهشگران و نظریات ضد و نقیض، دولتهای ترک به شمار آورد. از سوی دیگر، در این فهرست، تنها سلجوقیان و امپراتوری عثمانی اند که به جغرافیای ترکیه امروز ربط دارند. سهم رجب طیب اردوغان در اینکه خود را میراث دار دولتهای شانزده گانه یاد شده بداند، از روسای جمهوری های ازبکستان و ترکمنستان و قزاقستان و قرقیزستان و آذربایجان بیشتر نیست، در ضمن، آنچه دولتهای ترک زبان را در گستره ای از سیبری گرفته تا ترکیه به هم پیوند می دهد، تنها هم خانوادگی زبانی است، مردمان سرزمینهای تحت حاکمیت این دولتها با یکدیگر پیوند مستقیم نژادی و قومی ندارند بلکه مجموعه ملتیهایی اند با زبانهایی هم خانواده.

گذشته از این مناقشه های تاریخی، مراسم استقبال دیشب از محمود عباس این گونه تعبیر شده که رجب طیب اردوغان، واقعا رویای احیای امپراتوری عثمانی را جدی گرفته است، خیلی ها در ترکیه این مراسم را ریشخند گرفته، عکسهایی منتشر کردند که در آن، سربازانی با لباس جنگجویان فیلمهای جنگ ستارگان و ارباب حلقه ها و دیگر فیلمهای تخیلی در کنار رئیس جمهور بود، عده ای هم نوشتند که دیگر باید رسماً نام ترکیه را به عثمانی عوض کرد و در واقع کنایه زدند که آقای اردوغان بیش از پیش از



اردوغان و رویای وراثت شانزده امپراتوری منطق خطرناک رئیس جمهوری ترکیه

آرمانهای آتاتورک، بنیانگذار جمهوری ترکیه فاصله گرفته است، آن هم در حالی که هنوز این گفته از آتاتورک بر سر در کاخ ریاست جمهوری نقش بسته است که «جمهوری ترکیه الی الابد پایدار خواهد ماند».

با این حال به نظر می رسد رویای احیای امپراتوری عثمانی امروزه برای رجب طیب اردوغان کمتر از دورانی که بر کرسی نخست وزیری نشست بود، دست یافتنی شده است. دل بستگی اردوغان به عصر ماقبل آتاتورک زمانی بیش از پیش آشکار شد که نفوذ سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ترکیه در



سرزمینهایی که زمانی امپراتوری عثمانی را تشکیل می دادند به اوج خود رسیده و او میان مردمان این سرزمینها در اوج محبوبیت قرار داشت. سوریه مسیر ترانزیت کالاهای ترکیه به کشورهای عربی بود، شرکتهای ترکیه ای از بصره تا طرابلس اجرای طرحهای کلان را در دست داشتند، حریم سلطان پر بیننده ترین سریال تلویزیونی در کشورهای عربی بود، احزاب اسلامگرای برآمده از انقلابهای عربی ترکیه را الگوی خود معرفی و در نامگذاری خود از حزب تحت رهبری اردوغان تقلید می کردند، استانبول نیز مقصد محبوب گردشگران پول خرج کن عرب بود.

اما اکنون، هواداران اردوغان در زندانهای مصرند و شهروندان این کشور برای سفر به ترکیه باید از دولت اجازه بگیرند، لیبی که رقبای چینی و روس از آن بیرون رانده شده بودند تا جولانگاه سرمایه گذاران ترک شود، اکنون در را به روی ترکیه بسته است، در تونس هواداران اردوغان از قدرت بیرون رانده شده اند، سوریه که دروازه بازارهای عربی به روی کالاهای ترکیه بود، اکنون بن بست برای سیاست خارجی ترکیه شده است، در عراق نیز ترکیه را متهم به طرح ریزی «فتنه داعش» می کنند. سربالهای ترکی هم که در سوریه ترجمه می شدند، دیگر همچون گذشته پر طرفدار نیستند. در غرب نیز به ترکیه به چشم گذرگاه تروریسم نگاه می کنند و دیگر کسی از الگوی ترکی برای پیوند میان اسلام و غرب حرف نمی زند.

شاید بی مناسبت نبود که دیشب از محمود عباس با چنان تشریفات استقبال شود چرا که آنچه برای رجب طیب اردوغان از متصرفات امپراتوری عثمانی مانده، همین فلسطینیانند. او هنوز موضعگیری تند و سخنان آتشین علیه اسرائیل را کلید گشودن درهای قلب اعراب به روی خود می داند و تلاش می کند هم با جنبش فتح و هم حماس، روابط حسنه باشد. ترکیه همیشه حامی تشکیلات خودگردان فلسطینی بوده و حماس نیز هم با حزب حاکم عدالت و توسعه در ترکیه ایشخور فکری مشترک دارد و هم خشنود است که پس از به زیر کشیده شدن اخوان المسلمین در مصر، ترکیه همچنان به حمایت معنوی از این جنبش ادامه می دهد. میان فلسطینیان چه در کرانه باختری و چه باریکه غزه، هنوز اعتباری برای اردوغان باقی مانده است.

با اوضاعی که در سوریه و عراق و دیگر کشورهای عربی پیش می رود، چشم انداز اردوغان بتواند نفوذ و محبوبیت خود را دوباره در این سرزمینها به دست بیاورد دیده نمی شود. افول محبوبیت او نیز از بحران سوریه آغاز شد که اردوغان با وجود رابطه شخصی و دوستانه ای که با بشار اسد برقرار کرده بود، بیکاره از او رو گرداند و تمام توانش را برای به زیر کشیدن او از قدرت گذاشت.

سلیمان شاه، نیای خاندان عثمانی که رجب طیب اردوغان آرزوی احیای امپراتوری شان را دارد در رود فرات غرق و در سوریه دفن شد. منتقدان آقای اردوغان هم به او هشدار داده بودند که وارد «باتلاق» سوریه نشود و حال اگر فرصتی تازه پیش روی او باز نشود، شاید همین سوریه مدفن رویای او نیز بشود!

کارشناس ترک در گفتگو با مهر مطرح کرد:

تداوم سیاست اشتباه اردوغان در سوریه چرایی هراس دولت از جنبش گولن

در روزهای اخیر ترکیه یک بار دیگر شاهد عملیات نیروی پلیس و دستگیری بیش از ۳۰ نفر از فعالین سیاسی و روزنامه نگاران بود که اغلب از جریان رسانه ای منسوب به فتح الله گولن رهبر جنبش «خدمت» بودند. دستگیری های ۱۴ دسامبر امسال به گمان بسیاری از تحلیلگران انتقام اردوغان از فتح الله گولن به خاطر مسائل مربوط به ۱۷ دسامبر ۲۰۱۳ بوده است. از سوی دیگر وزیر امور خارجه ترکیه چاووش اوغلو در دیداری یک روزه از تهران، علاوه بر دیدار با مقامات بلند پایه کشور خبر از سفر رئیس جمهور ترکیه در اوایل سال آینده میلادی به تهران داد.

در این باره گفتگویی را با «فهم تاشکین» (Fehim Taştekin) سر مقاله نویسن روزنامه رادیکال و کارشناس مسائل خاورمیانه انجام شده که در ادامه می آید:

گفتگو از امید شمیری



دیدگاه نخست وزیر داوود اوغلو و رئیس جمهور اردوغان کمی متفاوت است. یعنی چاووش اوغلو نسبت به حل و فصل بحران سوریه بیشتر بر گفتگوی سیاسی و دیپلماتیک تأکید دارد آیا این قضیه درست است؟

بله طبیعتاً نوع نگاه وزیر امور خارجه، نخست وزیر و رئیس جمهور کمی با همدیگر متفاوت است. اما مسئله اصلی این است که حرف آخر را چه کسی می زند و این فرد طبیعتاً اردوغان است که تصمیم نهایی را می گیرد و داوود اوغلو و یا چاووش اوغلو تصمیم گیرنده نهایی نیستند. طبیعتاً همیشه وزرا امور خارجه چون نماینده دیپلماتیک کشور هستند سعی می کنند تا چهره ای دیپلماتیک تر و صلح جوانه تر ارائه نمایند. البته دستگاه سیاست خارجی ترکیه این ویژگی خود را در زمان وزارت داوود اوغلو از دست داده بود.

اما در مورد موضوع سوریه باید گفت که این مسئله به شدت دولت را تحت فشار قرار داده و بسیاری از مناسبات ترکیه را تحت تأثیر قرار داده است. یعنی پروژه سوریه که با کمک آمریکا، اتحادیه اروپا و قطر طرح ریزی شده بود با شکست روبرو شد. در حالی که دیگر شرکای ترکیه از این طرح و پیروزی آن ناامید شدند و فعالیت های تروریستی در سوریه شروع شد و این مسائل حتی بر اقتصاد ترکیه هم تأثیرگذار بوده است. اگر این مسائل خود را به شکل کامل نشان دهند دیگر ترکیه نخواهد توانست که سیاست فعلی خود در قبال سوریه را ادامه دهد. البته اینکه الان در این مرحله قرار داریم؟ نخیر فعلاً اگر چه موضوع سوریه باعث به وجود آمدن شکاف میان ترکیه و آمریکا، اروپا، روسیه و ایران شده است اما حزب عدالت و توسعه هنوز از سیاست اشتباه خود در سوریه دست نکشیده است.

البته ترکیه دیگر نسبت به قیال قبیل تحولات سوریه عکس العمل های شدید نشان نمی دهد و مثلاً نسبت به طرح های ارائه شده توسط روسیه و سازمان ملل مثبت تر نگاه می کند اما این به معنی یک تغییر اساسی در

موضع گیری نسبت به سوریه نیست. به صورت خلاصه باید گفت که ترکیه در ادامه دادن به سیاست قبلی خود در قبال سوریه بسیار تحت فشار قرار دارد و مهمترین دلیل آن هم ظهور داعش بوده است و اینکه ترکیه به خاطر سیاست مبتنی بر لجبازی خود در سوریه نتوانسته است که در مبارزه با این گروه تروریستی به صورت فعالانه و آنطور که جامعه جهانی انتظار دارد شرکت کند. اما اینکه این تغییرات را به حساب یک تغییر سیاسی عمیق و جهت گیری متفاوت در مورد قضیه سوریه قلمداد کنیم بسیار مشکل است.

روابط میان ایران و ترکیه را چگونه ارزیابی می کنید؟ در سفر چهارشنبه چاووش اوغلو اعلام شد که رئیس جمهور ترکیه ماه آینده میلادی سفری را به ایران خواهد داشت. بر این اساس آینده روابط میان ایران و ترکیه را چگونه می بینید؟

علی رغم رقابت منطقه ای دو کشور و رقابتی که در سوریه و عراق میان دو کشور وجود دارد ایران و ترکیه دارای روابط تاریخی عمیقی هستند. این رابطه عمیق با وجود این همه رقابت و جدال همچنان ادامه دارد. تغییرات سیاسی در دو کشور هم خیلی در این رابطه دوسویه تأثیر گذار نبوده اند.

یعنی اینکه ایران و ترکیه در کجای بازی بایستند را به خوبی می دانند و با وجود اینکه در بسیاری مسائل متفاوت دیدگاه های متفاوتی دارند اما روابط اقتصادی همیشه مستقل از بحران ها بوده و این مسئله در آینده هم تغییر زیادی نخواهد کرد.

در اینجا موضوع عراق هم هست و اینکه تشکیل موفقیت آمیز دولت جدید در عراق تشریح را که بر اثر عراق میان دو کشور وجود داشت را از بین برد. الان مهمترین موضوع مناقشه میان دو کشور مسئله سوریه است و البته هم ایران و هم ترکیه این ضرورت که باید در موضوع سوریه نسبت به گذشته بیشتر گفتگو داشته باشند را فهمیده اند.

هر دو کشور ایران و ترکیه برای همدیگر آنقدر مهم هستند که هیچگاه اجازه نخواهند داد تا روابط شان فدای هر موضوع سوم دیگری شود.

تهران و انکارا به خاطر مسائل منطقه ای نمی توانند که علیه همدیگر جبهه بگیرند. ایران و ترکیه جزو معدود کشورهای منطقه هستند که دارای مرزهای مشخصی با همدیگر هستند که این مرزها در طی چند قرن اخیر تقریباً ثابت بوده است. از سوی دیگر تهران و انکارا دارای تهدیدات مشترکی نیز هستند. دو کشور باید بر روی نقاط مشترک میان خود تأکید بیشتری نمایند. روابط ایران و ترکیه تاریخی و عمیق و حتی ماورای حکومت و دولتهای حاکم بر دو کشور است. روابط این دو باز یگر منطقه نباید تحت تأثیر مسائل منطقه قرار گیرد

بسیار محدود بود. در این جا چیزی که بسیار مهم است این است که حکومت با تمرکز و تبلیغات بسیار بر روی جنبش گولن در واقع به دنبال چیست؟ و در این میان وقتی که به اقدامات حکومت در طی یک سال گذشته نگاه می کنیم اینکه خواست و هدف اصلی حکومت چه بوده است کاملاً مشخص می شود. در این میان انتخابات (HSYK) شورای عالی دادستان ها و قضات و تغییراتی که در آن انجام شد - تغییرات در قوانین مربوط به سازمان اطلاعات ملی و تغییراتی که در رابطه با قانون امنیت داخلی انجام گرفت - برای ایجاد چتر حمایتی برای حکومت و تلاشهای اردوغان برای ایجاد نظامی مبتنی بر یک فرد واحد بوده است.

سوالی که مطرح می شود این است که آیا مشکل و گناهی متوجه جنبش گولن است؟ اگر مشکلاتی هم وجود دارد این مشکلات با روی کار آمدن این دولت شروع شد. یعنی اگر امروز افراد منسوب به جنبش گولن در سیستم پلیس و قضائی قدرت و نفوذ زیادی را به دست آورده اند مسبب اصلی این مشکل خود دولت حزب عدالت و توسعه است. اما در مورد میزان تهدید و خطر نفوذ این افراد تا حدود زیادی مبالغه شده است و دلیل اصلی که در طی یک سال گذشته حکومت به مبارزه با جنبش گولن برخواسته است افشاکاری های این جنبش در رابطه با فساد مالی وزرا و خانواده آنها بوده است. یعنی به نظر می رسد که اگر این افشاکاری ها نبود اکنون افراد نفوذی و منسوب به جنبش گولن در داخل تشکیلات پلیس و قضائی به خدمتگذاری خود نسبت به حزب عدالت و توسعه ادامه می دادند.

به نظر می رسد که دیدگاه وزیر امور خارجه ترکیه چاووش اوغلو نسبت به مسئله سوریه از

همانطور که می دانید ۱۴ دسامبر حدود ۳۲ نفر در ارتباط با جنبش «خدمت» و از افراد نزدیک به فتح الله گولن بازداشت شدند. بسیاری از کارشناسان این بازداشت ها را انتقام گیری حزب عدالت و توسعه و شخص رئیس جمهور از این حرکت می دانند. نظر شما در این باره چیست؟ آیا این حوادث با انتخابات عمومی سال آینده ارتباط دارند؟

همانطور که می دانید سال پیش درست همین موقع عملیات قضائی ۱۷ دسامبر در رابطه با فساد مالی دولت کلید خورد. اکنون در طی مدت یک سال که از آن تاریخ می گذرد دولت حزب عدالت و توسعه سعی کرده است تا تمامی مکانیزم ها و نیروهایی را که توانایی ضربه زدن به حکومت را دارند از سر راه بردارد. دخالت های حکومت در سیستم قضائی به نوعی تلاش حزب عدالت و توسعه برای ایجاد حاشیه امنیتی برای خود است. این مسائل به خلاف چیزی که انتظار می رفت به صورت مشخصی بر انتخابات ریاست جمهوری تأثیر نداشت و حکومت توانست که آن انتخابات را به نوعی برگزار کند. اما با شروع مبارزه ای بر علیه جنبش گولن که از آن با نام ساختار موازی نام برده می شود در واقع سعی داشته است تا با بهانه قرار دادن این جنبش نسبت به محدود کردن آزادیها و تقویت ساختار و جایگاه خود تمام مکانیزم های کنترلی را نسبت به حکومت و شخص اردوغان از بین ببرد.

یعنی حکومت با تلاش برای ارائه چهره ای شیطانی از جنبش گولن و مبالغه در مورد قدرت آن و بهانه قرار دادن آن اهداف دیگری را که به دنبال آن بوده انجام دهد. یعنی اگر جنبش گولن آنطور که گفته می شود قوی باشد در انتخابات ریاست جمهوری تابستان پیش خودش را باید نشان می داد در حالی که این تأثیر

نماینده پارلمان ترکیه:

راهکار بدون «اسد» برای سوریه ممکن نیست حماس تنها راه ترکیه برای حفظ نفوذ



گفتگو از پیمان یزدانی

در روزهای اخیر خبرهایی مبنی بر سفر رهبران حماس به ترکیه و احتمال انتقال دفتر حماس از دوحه قطر به ترکیه در رسانه های مطرح است. در همین خصوص گفتگویی با «فاروق عثمان لوغ اوغلو» نماینده حزب جمهوری خلق در پارلمان ترکیه که بزرگترین حزب مخالف دولت ترکیه است انجام شده است که مشروح آن در ادامه می آید.

یمن؛ مطامع بازیگران خارجی و چالشهای داخلی

فرزاد فرهاد توسکی

عربستان سعودی هستند و حاضرند با حداقل حقوق کار کنند. از دلایل این ضعف بنییه اقتصادی مدرن فقدان زیر ساخت ها و شیوه سنتی گذران زندگی که عمدتاً بر کشاورزی سنتی استوار است به شمار می رود. این بافت جمعیتی سنتی و عمدتاً قبیله ای سبب شده تا یمن همچنان همانند یک جامعه سنتی اداره شود و روند ملت سازی در آن شکل نگیرد.

همین مشکلات داخلی به ویژه اقتصادی سبب شد که در تابستان گذشته زمانی که سبب قیمت های حاملهای انرژی افزایش یافت مردم دست به اعتراضات گسترده بزنند. در این میان باید مشکلات امنیتی را نیز مورد توجه قرار دهیم به ویژه که حملات پهبادهای آمریکایی را مورد توجه قرار دهیم.

اما در بخش خارجی سعودی ها و آمریکایی ها با دخالت خود در تنش های این کشور نقش بسزایی داشته اند. سعودی ها که هرگز شیعیان را در همسایگی خود نمی توانند تحمل کنند از هیچ اقدامی علیه آنها دریغ نکرده اند آنها علاوه بر حمایت از قبایل سلفی همواره در امور داخلی یمن دخالت کرده اند. علامه بر اختلافات ایدئولوژیک مهمترین دغدغه عربستان در خصوص یمن ناشی از مولفه های ژئوپلیتیک است. یمن به لحاظ موقعیت ژئوپلیتیک دریای سرخ و تنگه باب المندب اهمیت ویژه و خاصی برای سعودیها دارد. آمریکایی ها نیز در افزایش مصائب یمن

گفته می شود که دفتر حماس قرار است از قطر به ترکیه منتقل شود و برخی مقامات حماس هم به همین منظور دیدارهایی از آنکارا داشته اند. به نظر شما چرا دولت ترکیه سعی می کند روابط خود را با حماس توسعه دهد؟

علت حمایت حزب حاکم عدالت و توسعه از حماس این است که حماس دنباله فلسطینی اخوان المسلمین است و علت حمایت تیم «اردوغان - داودوگلو» از حماس ایدئولوژیک است. این دقیقاً همان الگویی است که دولت حزب عدالت و توسعه در سوریه و مصر دنبال کرده است و در کنار اخوان المسلمین ایستاده است. «مولود چاووش اوغلو» وزیر خارجه ترکیه هم پیشتر اعلام کرده است که هیچ مانعی برای حضور و اقامت رهبران حماس در ترکیه وجود ندارد. دولت ترکیه بعد از اینکه در منطقه دچار انزوای فزاینده شد و به حاشیه رانده شد حماس را به عنوان تنها فضای باقی برای حفظ نفوذ ترکیه در منطقه می بیند به تعبیری دولت حزب عدالت و توسعه چون راه دیگر و چاره دیگری ندارد تمامی تخم مرغ های خود را در سبد حماس چیده است.

با توجه به مواضع اخیر قطر علیه اخوان المسلمین که با هدف حل اختلافات این کشور با عربستان اتخاذ شده است، آیا به نظر شما حمایت های ترکیه از اخوان المسلمین افزایش خواهد یافت؟

در حالیکه اخوان المسلمین در مصر، سوریه و تونس عقب نشینی کرده است اما «احمد

نقش داشته اند. آنها علاوه بر دخالت در امور سیاسی و حمایت از دولت مردانی که مردم در نگاه آنها جایی نداشته اند به بهانه مبارزه با القاعده حملاتی به مناطق مختلف به ویژه در جنوب این کشور انجام می دهد و غیر نظامیان را قربانی می کند. همانطور که پیش از این اعلام شد روند تحولات در یمن که با خیزش مردمی در اعتراض به قیمت های حامل های سوخت شروع شده بود ادامه پیدا کرد و در عرصه سیاسی توافق جامعی رخ نداد.

در اوایل پاییز گذشته رئیس جمهور یمن پس از گذشت دو هفته از امضای توافقنامه صلح و مشارکت با مخالفان عوض بن مبارک را به عنوان نامزد نخست وزیر این کشور اعلام کرد اما جنبش انصارالله به عنوان رهبر مخالفان دولت صنعا مخالفت خود را با این اقدام رئیس جمهور اعلام و تأکید کرد که تعیین بن مبارک تصمیمی کاملاً خارجی است که در نهایت عبد ربه منصور هادی مجبور به تغییر تصمیم خود شد.

به هر حال تا زمانی که توسعه پایدار در یمن صورت نگیرد و مذاخله جویی های غربی و سعودی ها قطع نشود بعید است که بتوان در یمن ثبات نسبی را انتظار داشت. جریانهای وابسته به برخی قدرتهای منطقه ای و غربگرا به دنبال تغییرات مورد نظر اربابان خود که خواسته های مردم در آنها جایی ندارد هستند موضوعی که با واکنش کمیته های نیروهای مردمی روبرو است.

داودوگلو» نخست وزیر ترکیه نه تنها به دنبال تنظیم روابط با این گروه است بلکه در تلاش است تا همکاری های خود با اخوان المسلمین را توسعه دهد.

با در نظر گرفتن اظهارات اخیر «بشینه شعبان» مشاور بشار اسد درباره مصر که دولت مصر را دوست سوریه خواند، آیا می توان گفت که مصر، سعودی ها را متقاعد خواهد کرد تا سیاست خود درباره سوریه را تغییر دهند و به باقی ماندن بشار اسد در قدرت متقاعد شوند؟

افزایش مجدد نفوذ مصر در منطقه و بهبود روابط این کشور با کشورهای عربی از جمله قطر مجدداً موجب خواهد شد تا این کشور نقش سنتی خود در خصوص رهبری جهان عرب را به دست آورد. توازن قوا در سوریه هم در حال تغییر است و کاملاً واضح است که هر گونه راهکاری که بدون حضور «بشار اسد» باشد غیر ممکن خواهد بود.

بحث در قدرت بودن اسد هم مسأله داخلی این کشور است و کاملاً به مردم سوریه مربوط است. البته هرگونه کمک غیرمداخله جویانه از سوی مصر و یا هر کشور دیگری مورد استقبال قرار خواهد گرفت

اقدام اخیر روسیه در دور هم جمع کردن مقامات سوریه و مخالفان این نظام در مسکو نوآوری سازنده ای از سوی مسکو بوده است که تمامی آنها را که در آینده سوریه منافع دارند باید از آن حمایت کنند

هم اکنون هجمه رسانه ای علیه کمیته های مردمی صورت گرفته است و سعی می شود که وجهه این کمیته ها مردمی را تخریب کنند.

حسن هانی زاده کارشناس مسایل خاورمیانه درباره روند تحولات یمن گفت: «شرایط یمن اکنون وارد مرحله حساسی شده است و برخی از بازیگران بحران داخلی یمن در تلاش برای برهم زدن اوضاع امنیتی این کشور برآمده اند.

عربستان سعودی با چیدن مهره های نظامی وابسته به خود و سران قبایل مناطق تعز، مأرب، حضرموت و ابین تلاش می کند که در برابر حوثی ها صف آرایی جدیدی ایجاد کند. حضور مشکوک علی محسن الاحمر معروف به علی شیمیایی یمن (حملات شیمیایی به حوثی ها) به سبب سازمان دهی گارد جمهوری نشان می دهد که عربستان سعودی در صدد پیاده کردن طرح مصر در یمن هستند. بنابر برخی گزارش ها قرار است ارتش یمن و گارد جمهوری در فرصت مناسب ضمن برکناری عبد ربه منصور هادی رئیس جمهوری یمن به سرکوب حوثی ها و قلع و قمع آنان بپردازند. باتوجه به اینکه حرکت اخیر حوثی ها برای تصرف کاخ ریاست جمهوری از سوی کمیته های مردمی حمایت می شود لذا اکنون نوعی صف آرایی میان نیروهای داخلی یمن به وجود آمده است که این امر به بروز یک جنگ داخلی در کشور منجر خواهد شد»

نشست وزرای شرق آفریقا در موگادیشو

سومالی کارنت در گزارشی با اشاره به دیدار وزرای شرق آفریقا در موگادیشو برای تحقق صلح پایدار در سومالی گزارش داد که این نشست گواهی آشکار بر پیشرفت های سیاسی و امنیتی در این کشور است. در همین رابطه خبرگزاری فرانسه این نشست را یکی از بزرگترین و عالیرتبه ترین دیدارها در موگادیشو خواند که تحت تدابیر شدید امنیتی در نزدیکی ساختمان های دولتی در پایتخت سومالی با وجود آنکه این مکان محل بمب گذاری شبه نظامیان الشباب مرتبط با القاعده است، برگزار شد. این رسانه غربی با اشاره به نشست وزرای امور خارجه جیبوتی، اتیوپی، کنیا و اوگاندا در این نشست یک روزه گزارش داد که وزرای شرق آفریقا درباره برقراری سازش سیاسی و امنیتی در داخل این کشور که در پی درگیریها از سال ۱۹۹۱ میلادی از بین رفته است، گفتگو کردند.

استفاده از دختران جوان؛

تاکتیک جدید بوکوحرام در نیجریه



گروه تروریستی بوکوحرام با بکارگیری دختران جوان در انفجارهای انتحاری در پی تشدید حملات تروریستی در نیجریه است. شینهوا در گزارشی نوشت بر اثر انفجار یک بمب در بازاری شلوغ در شهر مایدوگوری در شمال شرق نیجریه از سوی عامل انتحاری که دختری ۱۰ ساله بود، بیش از ۳۸ نفر کشته و زخمی شدند. بر این اساس بر اثر انفجار بمب در بازاری در شهر مایدوگوری واقع در شمال شرق نیجریه ۲۰ نفر کشته و ۱۸ فرد دیگر زخمی شدند. رویترز نیز در این رابطه می نویسد انفجارهای انتحاری از سوی دختران جوان تاکتیک جدید بوکوحرام برای انجام حملات تروریستی در نیجریه است که در بخش شمالی این کشور تسلط داشته و باعث فرار ساکنان این منطقه با استفاده از بمب گذاری ها و حملات انتحاری شده اند.

رئیس جمهوری گامبیا پس از کودتای نافرجام به کشورش بازگشت

«یحیی جامه» رئیس جمهوری گامبیا پس از کودتای نافرجام و تیراندازی در این کشور که در نبود وی در شهر «بانجول» رخ داد، به کشورش بازگشت. منابع دولتی اعلام کردند که رئیس جمهوری گامبیا امروز چهارشنبه یک روز پس از تیراندازی در نزدیکی کاخ ریاست جمهوری به بانجول بازگشت. جامه ۴۹ ساله که خود ۲۰ سال قبل در کودتایی به قدرت رسید، در گفتگو با مقامات چاد اعلام کرد که هنگام نارامی ها در فرانسه و دبی بوده است. این اظهارات درحالیست که مخالفان خارج نشین دولت گامبیا خواستار قیام مردم با هدف جلوگیری از بازگشت جامه به کشور شده بودند که با اتهاماتی در زمینه نقض حقوق بشر مواجه است. در پی انتشار خبر تعطیلی بانک ها و ادارات دولتی در پایتخت گامبیا، دولت انگلیس از شهروندانش خواست تا در محل اقامت خود باقی مانده و در صحنه نارامی ها حاضر نشوند.

حمله به پایگاه اتحادیه آفریقا در سومالی

شورای امنیت سازمان ملل در بیانیه ای ضمن محکوم کردن حمله به یک پایگاه اتحادیه آفریقا در سومالی اعلام کرد که اقدامات شبه نظامیان الشباب علیه این پایگاه نظامی نیروهای اتحادیه آفریقا مایه تاسف است. شورای امنیت سازمان ملل در این بیانیه با اشاره به اینکه در حمله شبه نظامیان الشباب به پرسنل سازمان ملل هیچ آسیبی وارد نشده است، حمایت خود را از تمام بازیگران حامی اقدامات در مسیر صلح و ثبات در سومالی اعلام کرد. این بیانیه درحالی صادر می شود که سازمان شفافیت بین الملل در جدیدترین گزارش خود به بررسی شاخص فساد جهانی در ۱۷۵ کشور جهان پرداخته و گزارش داده است سومالی در صدر فاسدترین کشورهای جهان قرار دارد. آفریقای مرکزی و جنوبی در ماه دی تحولات دیگری را نیز به خود دید که در ادامه برخی از آنها می آید.

تلاش نافرجام برای کودتای نظامی در گامبیا

یک مقام ارتش گامبیا گفت تلاش گروهی از مردان مسلح برای کودتای نظامی در ساعات اولیه بامداد امروز سه شنبه ناکام مانده است. این مقام نظامی که خواست نامش فاش نشود افزود: افراد مسلح نیمه شب به ساختمان ریاست جمهوری حمله کرده و با نیروهای دولتی درگیری شده اند. بر این اساس حمله مذکور زمانی رخ داده که «یحیی جامه» در خارج از کشور حضور داشته است. وی ۲۰ سال پیش با یک کودتای نظامی در این کشور کوچک واقع در غرب آفریقا به قدرت رسید.



رأی منفی نیجریه به طرح پیشنهادی فلسطین در شورای امنیت

سمیه خمار باقی



مذکور از سوی دولت نیجریه که مانع دستیابی مردم فلسطین به حقوق مشروع خود در خصوص تشکیل کشور مستقل فلسطین شد، تحقیق به عمل آورد. شورای عالی امور اسلامی در نیجریه نیز اتخاذ چنین موضعی از سوی دولت این کشور در شورای امنیت به شدت محکوم و اتخاذ چنین موضعی را حمایت از ظالم در برابر مظلوم توصیف کرد. چند نشریه نیجریایی نیز با انتشار گزارشهایی ضمن انتقاد از تصمیم اخیر نیجریه در شورای امنیت اعلام کردند اتخاذ چنین موضعی کاملاً با اصول و مبادی سیاست خارجی نیجریه مغایرت دارد |

تماس تلفنی با «بنیامین نتانیاهو» نخست وزیر رژیم صهیونیستی و بدون مشورت با سیاست خارجه این کشور و به دور از چارچوب سیاستهای خارجی و منافع ملی این کشور به صورت مستقیم وارد عمل شد. مرکز گردهمایی مشورتی «آروا» در نیجریه که یکی از نهادهای مهم و تاثیرگذار در افکار عمومی نیجریه محسوب می شود با صدور بیانییه ای خواهان توضیح و تشریح عوامل تاثیرگذار در خودداری از صدور رای مثبت در خصوص طرح پیشنهادی فلسطین در شورای امنیت شد. این موسسه همچنین از پارلمان نیجریه خواست که درخصوص اتخاذ موضع

پنج کشور انگلیس (عضو دائم شورای امنیت)، لیتوانی، کره جنوبی، رواندا و نیجریه نیز رای ممتنع دادند تا طرح پیشنهادی فلسطین تنها با یک رای به حداقل ۹ رای برای تصویب نرسد. این اقدام نیجریه باعث انتقادهایی در داخل و خارج از این کشور شد. با گذشت چند روز از شکست طرح پیشنهادی فلسطین در شورای امنیت مبنی بر پایان اشغالگری رژیم صهیونیستی، همچنان انتقادهای از «گودلاک جاناتان» رئیس جمهوری نیجریه به دلیل رای ممتنع این کشور در نشست شورای امنیت ادامه دارد. این در حالی است که وی پس از برقراری

امتناع نیجریه از رای مثبت به طرح پیشنهادی فلسطین در شورای امنیت، در زمینه پایان اشغالگری رژیم صهیونیستی در اراضی ۱۹۶۷ این طرح را از اکثریت لازم برای تصویب که ۹ رای بوده، انداخت. بر این اساس، در این نشست هشتم کشور فرانسه، چین، روسیه (سه عضو دائم شورای امنیت)، به همراه اردن، آرژانتین، شیلی، چاد و لوزامبورگ (اعضای غیر دائم) به طرح پیشنهادی فلسطین رای مثبت دادند. در مقابل دو کشور آمریکا (عضو دائم شورای امنیت) و استرالیا که از هم پیمانان اصلی و نزدیک رژیم صهیونیستی هستند به این طرح رای منفی دادند.



عمر البشیر:

موساد و سیامخالفان سودانی را تجهیز می کنند

رئیس جمهور سودان، سرویس های جاسوسی رژیم صهیونیستی و آمریکا را متهم به حمایت و تجهیز گروه های مخالف این کشور آفریقای کرد. عمر البشیر با بیان این موضوع گروه های مخالف را مزدورانی دانست که از سوی سیا و موساد تغذیه می شوند. وی همچنین اقدام اخیر گروه های مخالف در تهیه سندی در خصوص دموکراسی و صلح را اقدام برآمده از برنامه های سیا و موساد دانست |

حمله به پایگاه اتحادیه آفریقا در سومالی

شورای امنیت سازمان ملل در بیانییه ای ضمن محکوم کردن حمله به یک پایگاه اتحادیه آفریقا در سومالی اعلام کرد که اقدامات شبه نظامیان الشبাব علیه این پایگاه نظامی نیروهای اتحادیه آفریقا مایه تاسف است.

شورای امنیت سازمان ملل در این بیانییه با اشاره به اینکه در حمله شبه نظامیان الشبাব به پرسنل سازمان ملل هیچ آسیبی وارد نشده است، حمایت خود را از تمام بازیگران حامی اقدامات در مسیر صلح و ثبات در سومالی اعلام کرد. این بیانییه درحالی صادر می شود که سازمان شفافیت بین الملل در جدیدترین گزارش خود به بررسی شاخص فساد جهانی در ۱۷۵ کشور جهان پرداخته و گزارش داده است سومالی در صدر فاسدترین کشورهای جهان قرار دارد. آفریقای مرکزی و جنوبی در ماه دی تحولات دیگری را نیز به خود دید که در ادامه برخی از آنها می آیند |

ادامه اعتراضات به هتاکی «شارلی ابدو» ۱۰ نفر در نیجر کشته شدند

اعتراضات به کاریکاتورهای موهن نشریه «شارلی ابدو» آفریقا را نیز متأثر کرد «مامادو ایسافو» رئیس جمهوری نیجر با اشاره به کشته شدن پنج نفر در جریان اعتراضات روز گذشته در نیامی اعلام کرد که شمار افراد کشته شده در جریان ناآرامی های دوز روز گذشته به ۱۰ نفر رسید. این تظاهرات در اعتراض به اهانت نشریه فرانسوی «شارلی ابدو» به ساحت پیامبر اکرم (ص) برگزار شد. در جریان تظاهرات روز جمعه معترضان مسلمان نیجری در شهر «زیندر» دومین شهر بزرگ نیجر و حمله به مرکز فرهنگی فرانسه در این شهر دستکم پنج نفر کشته شدند. یادآور می شود تظاهرات مردم کشورهای مختلف در اعتراض به انتشار تصاویر موهن پیامبر اکرم (ص) در نشریه فرانسوی «شارلی ابدو» همچنان ادامه دارد. نشریه شارلی ابدو در نخستین شماره خود پس از حمله مسلحانه به این نشریه که کشته شدن ۱۲ نفر را در پی داشت در ۵ میلیون نسخه و به ۵ زبان زنده دنیا تصاویر حاوی توهین به پیامبر اکرم (ص) را منتشر کرد |

چین بر انجام مذاکرات واقعی و جامع در سودان جنوبی تاکید کرد

«وانگ یی» در یک کنفرانس خبری مشترک با وزیر خارجه اتیوپی تاکید کرد که پکن خواستار آغاز مذاکرات جدی و جامع در سودان جنوبی در سریعتر زمان ممکن است. خبرگزاری فرانسه همچنین از مذاکره جناح های رقیب در سودان جنوبی با میانجیگری چین در خارطوم با هدف توقف درگیریها در سودان جنوبی خبر داد. در همین رابطه «علی کارتی» وزیر خارجه سودان پس از این نشست در گفتگو با خبرنگاران با اشاره به توافق جناح های رقیب برای سرعت بخشیدن به روند مذاکرات به منظور تشکیل یک دولت انتقالی به نقش چین در این مذاکرات اشاره کرد. این رسانه غربی با اشاره به اعزام گروه رزمی چین به سودان جنوبی در قالب نیروی صلح بان سازمان ملل از دیدار نمایندگان دولت «سالوا کی یو» رئیس جمهوری سودان جنوبی و جناح های شورشی پیش از اجلاس سران در آدیس آبابا خبر داد که از سوی ایگاد بلوک آفریقای شرقی سازماندهی شده است.

پارلمان کنگو لایحه جنجالی الزام به برگزاری سرشماری را تصویب کرد

در این لایحه که برای بررسی و اظهارنظر به کمیسیون مربوطه در پارلمان ارجاع شده آمده است که برای تضمین صحت انتخابات، لازم است سرشماری ملی قبل از انتخابات سال ۲۰۱۶ میلادی انجام پذیرد اما نمایندگان مخالف گفته اند که با توجه به مدت زمان انجام سرشماری، هدف اصلی از تدوین این لایحه تمدید دوره دوم ریاست جمهوری ژوزف کابیلای رئیس جمهوری است که سال آینده به پایان می رسد. طبق قانون اساسی کنگو، یک فرد مجاز نیست برای بیش از دو دوره به ریاست جمهوری انتخاب شود و پیش از این، برخی از طرفداران کابیلای خواستار تغییر در این اصل قانون اساسی شده بودند. جمهوری دموکراتیک کنگو، با حدود ۶۵ میلیون جمعیت، کشوری به بزرگی اروپای غربی است و با توجه به پراکندگی جمعیت و کمبود وسایل و راه های ارتباطی و ملاحظات امنیتی، تکمیل سرشماری مدت ها به طول خواهد انجامید. به گفته مخالفان، با تصویب لایحه جدید، دوره ریاست جمهوری و پارلمان کنگو تا پایان انجام سرشماری و تجدید نظر در قوانین انتخاباتی براساس نتیجه این سرشماری ادامه خواهد یافت. دولت کنگو این نظر را رد کرده و گفته است که برای برگزاری انتخاباتی منصفانه و شفاف، لازم است تعداد دقیق رای دهندگان و در نتیجه، اندازه حوزه های انتخاباتی تعیین شود و این نیز مستلزم انجام سرشماری جدید است. قبل از آغاز جلسه پارلمان برای بررسی این لایحه، چند صد نفر از مخالفان دولت در صدد برآمدن به سوی ساختمان پارلمان در کینشاسا، پایتخت، راهپیمایی کنند اما ماموران پلیس راه آنان را مسدود کرده و اجازه عبور به تظاهر کنندگان ندادند. مخالفان گفته اند که پلیس برای پراکنده کردن معترضان به شلیک گاز اشک آور و گلوله جنگی مبادرت ورزید و چند نفر را زخمی کرد، اما دولت اتهام تیراندازی با گلوله جنگی را رد کرده است. هنگام طرح لایحه در پارلمان نیز، نمایندگان مخالف با سروصدا در تالار مجلس، کوشیدند جلسه را مختل کرده و مانع از مذاکره و رای گیری شوند اما به هدف خود نرسیدند. شرایط کنگو به خصوص با توجه به تحولات سال گذشته در جمهوری بورکینافاسو مورد توجه ناظران قرار گرفته است. در بورکینافاسو تلاش رئیس جمهوری وقت برای تمدید دوره ریاست جمهوری خود به بروز ناآرامی و سقوط او منجر شد. ژوزف کابیلای در سال ۲۰۰۱ و در پی ترور پدرش، لورنس کابیلای که سمت ریاست جمهوری را در دست داشت، به این سمت رسید و در سال های ۲۰۰۶ و ۲۰۱۱ نیز طبق قانون اساسی جدید در انتخابات ریاست جمهوری پیروز شد هر چند انتخابات سال ۲۰۱۱ با اتهام تقلب همراه بود. برخی از طرفداران کابیلای از او خواسته بودند تا با اصلاح قانون اساسی، امکان ادامه دوره ریاست جمهوری خود را به دست آورد اما برخی دیگر از مقامات قدرتمند این کشور با این خواسته مخالفت ورزیده بودند و رئیس جمهوری در این مورد اظهار نظر مشخصی نکرده بود. جمهوری دموکراتیک کنگو کشوری پهناور در مرکز آفریقا است. این سرزمین در سال ۱۸۸۵ رسماً مایملک لئوپولد دوم، پادشاه وقت بلژیک، نام گرفت و در سال ۱۹۰۸ به مستعمره رسمی دولت این کشور تبدیل شد و در سال ۱۹۶۰ استقلال خود را به دست آورد و نام «جمهوری کنگو» را برگزید. از آنجا که یکی از مستعمرات سابق فرانسه نیز پس از استقلال همین عنوان را انتخاب کرده بود، این دو کشور با توجه به پایتخت هایشان، به نام های «کنگو لئوپولدویل» یا همان مستعمره سابق بلژیک و کنگو براز اوایل شهرت یافتند. در سال ۱۹۷۱، رئیس جمهوری کنگو که در یک کودتای نظامی به قدرت رسیده بود، نام ژیر را بر این کشور نهاد و در سال ۱۹۹۷ و تغییر رژیم، این نام به جمهوری دموکراتیک کنگو تغییر یافت. جمهوری دموکراتیک کنگو از همان سال با ناآرامی مسلحانه و جنگ داخلی دست به گریبان بوده که هنوز هم کمابیش ادامه دارد.



پنتاگون خبر داد:

حمله جنگنده های آمریکا به مواضع الشباب در سومالی

پنتاگون با صدور بیانیه ای اعلام کرد که مواضع گروه تروریستی الشباب در منطقه «ساکو» سومالی را مورد حمله قرار داده است. بر اساس اعلام وزارت دفاع آمریکا این حمله برای هدف قرار دادن رهبر الشباب انجام شده است. هنوز خبری در مورد اینکه آیا این حمله موفقیت آمیز بوده یا خیر منتشر نشده است. آمریکا در شهریور ماه سال جاری نیز با حمله به مواضع الشباب یکی از رهبران این گروه را به نام «احمد ابوغودانی» ملقب به ابوزبیر به قتل رسانده بود.



لزوم سرمایه گذاری برای مقابله با ابولا

بنابر آخرین گزارش سازمان بهداشت جهانی، ویروس کشنده ابولا همچنان بی وقفه در غرب آفریقا گسترش می یابد و تعداد افراد مبتلا از مرز بیست هزار نفر فراتر رفته است. فقط طی حدود ده روز گذشته، ۳۱۷ نفر دیگر جان خود را بر اثر این بیماری از دست داده اند که تعداد کل مرگ و میرهای ناشی از آن را به ۷۹۰۵ نفر رسانده است. بنابر این گزارش سیرالئون، با بیش از نه هزار فرد مبتلا، بیشترین تعداد افراد مبتلا به ابولا را داراست. دنیل ریچاردز، تحلیلگر ارشد مسائل آفریقا با بیان این که پیامدهای بحران ابولا تا سالهای آینده احساس خواهد شد، می گوید: فقط در چند سال آینده نخواهد بود که با کمبود سرمایه گذاری در بخش زیربنایها مواجه خواهیم شد. یک نسلی از رقتن به مدرسه محروم خواهد شد. ممکن است یک نسلی از کودکان دیگر نتوانند به مدرسه برگردند و کاملاً از تحصیل محروم شوند. ارنست بای کوروما، رییس جمهور سیرالئون، در پیام سال نوی خود از مردم این کشور خواسته بود برای مقابله با ویروس ابولا، یک هفته عبادت کرده و روزه بگیرند.

قاره سبز بنا به گستره ای که داراست همواره در صحنه خبری پر رنگ بوده و بخش بزرگی از سیاست بین الملل را مدیریت می کند .

رویدادهای اروپا همواره نگاه جامعه جهانی را به خود معطوف کرده است. چرا که در مدیریت جهانی تاثیر گذار بوده و نمی توان به هیچ وجه اثر گذاری آن را منکر شد .

آنچه در ذیل می آید نگاهی است به رویدادهایی که در واپسین روزهای سال گذشته میلادی و نخستین روزهای سال جدید رخ داده است که از جمله آنها می توان به موج اسلام هراسی و تبعات آن، پایان گرفتن ماموریت نظامی ناتو در افغانستان ، انتخابات ریاست جمهوری کرواسی، تحولات اوکراین ، تداوم تلاش آنکارا برای عضویت در اتحادیه اروپا ، موضوع خروج انگلیس از اتحادیه اروپا و نگاه اروپایی ها به خاورمیانه اشاره کرد .

دیگر خبر مهمی که بستر آن در قاره سبز بود ، خروج نیروهای ناتو از افغانستان و پایان گرفتن رسمی ماموریت این سازمان بود .

یکی از اخباری که در راس تیترهای خبری قرار داشت افشای اسنادی از سازمان سیا آمریکا در خصوص سیستم امنیتی در فرودگاههای اروپا بود. حمله شماری نیروی مسلح به تحریریه مجله فرانسوی شارلی ابدو که منجر به کشته شدن ۷ نفر از اعضای تحریریه شد مردم این شهر را در نگرانی و ترس فرو برد. این حمله تروریستی که با واکنشهای بین المللی در محکومیت آن همراه بود منجر به کشته شدن ۱۲ نفر شد و متعاقب آن دو گروگانگیری دیگر نیز در فرانسه رخ داد که فضای ترس و وحشت را بر سراسر این کشور حاکم کرد.



اروپا و آمریکای شمالی

دبیران: عبدالحمید بیاتی
شقایق لامع زاده

آنها نظراتی را عنوان می کنند که ریشه در پیش داورها دارند و این حرکت موجی از رفتارهای ضد دمکراتیک را به راه انداخته است.

«الکساندر هوبسلر» جامعه شناس نیز بر این عقیده است که این جریان گروهی از شهروندان عصبانی دارای جهت گیری راست هستند که با طیفی از فعالان، دست راستی تا هولیگانها (ارازل و اوباش) پیوند خورده است. از سوی دیگر «هایو فونکه» جامعه شناس معتقد است: این تظاهرات جهت گیری رادیکالیستی، پوپولیستی و ناسیونالیستی دست راستی دارد. اما اکثریت تظاهر کنندگان با وجود حضور نتوانیها در این صفوف، دست راستی نیستند.

«رسانه های دروغ» یکی از شعارهای ثابت راهپیماییهای پگیدا و حمله به سیاستمداران احزاب مردمی آلمان است.

پگیدا و سیاست آلمان

پدیده پگیدا تأثیری راست گرایانه بر گفتن سیاسی آلمان داشته است. مثلاً عنوان یک میزگرد رادیویی در روز دوشنبه ۱۵ دسامبر این بود: اسلام چقدر برای آلمان قابل تحمل است؟ تظاهر کنندگان این گونه

بحثها را تأییدی بر اهمیت خواستهای خود می دانند اما در واقع، عنوان این میزگرد در چنین شرایطی می توانست چیز دیگری باشد: «پگیدا چقدر برای آلمان قابل تحمل است؟»
ظاهراً ظهور «پگیدا» فضای سیاسی خاصی را به وجود آورده و زمینه مناسبی برای دست راستیهای تندرو فراهم کرده چرا که در هفتههای اخیر، یک مجموعه مسکونی پناهندگان در اطراف نورنبرگ و چادرهای یک کمپ پناهندگی در هانوفر به آتش کشیده شده اند.

واکنش سیاستمداران آلمان به اعتراض شهروندان خشمگین مانند همیشه است: ناتوان و بدون برنامه. وزیر کشور ایالت زاکسن قصد دارد یک واحد ویژه پلیس برای مبارزه با متقاضیان پناهندگی تشکیل دهد که مرکب جرایم شده اند و این در حالی ست که آنها مجرم تر از آلمانیها نیستند.

پیشنهاد دیگری هم از طرف محافظه کاران سوسیال مسیحی بایرن مطرح شد که مهاجران برای اثبات هم پیوندی با جامعه میزبان، باید در خانه هایشان هم آلمانی حرف بزنند. این پیشنهاد به سرعت دستمایه جوک و طنز عمومی شد.

با توجه به اینکه «پگیدا» اسلام هراسی را در قالب مخالفت با مهاجران مسلمان دنبال می کند حمایت از آنها در راستای روی کار آمدن احزاب راست ارزیابی می شود. از سوی دیگر به رغم برخی مخالفتهای صورت گرفته از سوی مقامات آلمان از جمله صدراعظم این کشور آنگلا مرکل اما تداوم آن گرچه می تواند بهره های سیاسی داشته باشد اما در میان مدت و بلند مدت می تواند به باز تولید نفرت نسبت به مسلمانان و اقدامات خشن منجر شود



شقایق لامع زاده

نشانه شناسی شعارهای «پگیدا»

چرا درسدن آلمان مرکز این جریان افراطی است

پناهندگی، جلوگیری از شکل گیری جامعه موازی، دادگاه موازی که گفته می شود از قوانین اسلامی به شمار می آید. «لوتس باخمن» مبتکر جنبش پگیدا در گفتگو با نیویورک تایمز اعلام کرد که مخالفتی با جنگ زده ها، اسلام و خارجی ها ندارد، بلکه مخالفت او تنها در مقابل پناهندگان اقتصادی است که از سیستم خدمات اجتماعی آلمان سوء استفاده می کنند.
باخمن در یکی از تظاهراتها و در بخشی از سخنرانی خود به باز نشستگان فقیری اشاره کرد که در خانه های بدون سیستم گرمایش زندگی می کنند و چیزی برای خوردن ندارند در حالی که متقاضیان پناهندگی در اقامتگاه های لوکس بسر می برند.

جایگاه سیاسی - اجتماعی پگیدا

ارزیابی پژوهش گران سیاسی و اجتماعی در باره جایگاه پگیدا در سیاست آلمان تفاوت های زیادی با یکدیگر دارد. برخی از ناظران، این گروه را جزء طیف پوپولیست های راست تا راست افراطی می دانند و گروهی دیگر آنها را در طیف راست محافظه کار قرار می دهند.
«دانیلو استا روستا» از دفتر فرهنگی ایالت زاکسن معتقد است: ما شاهد حضور اقشار طبقه متوسط، صاحبان نگاه های کوچک اقتصادی، اقشار کم درآمد و به میزان زیادی هواداران فوتبال در گردهمایی های پگیدا هستیم.

از سوی دیگر «یوهانس کیس» پژوهشگر در دانشگاه لایپزیگ مدعی است: پگیدا مسائلی را عنوان می کند که بسیاری با آن موافقت ولی از بیان آنها هراس دارند. کیس معتقد است: با اینکه سازمان دهندگان این جریان و حامیان شان، خود را راست افراطی نمی دانند اما دیدگاهشان دست راستی و به همین دلیل ضد دمکراتیک و نسبت به بعضی از اقلیتها تحقیر آمیز است.

جمعیتی منفی است و در ۳۰ سال گذشته کاهشی یک میلیون نفری داشته است. طبق پیش بینی ها، این روند کاهشی ادامه خواهد یافت. لذا درسدن از جمله مناطقی در آلمان است که تعداد مسلمانان در آنجا اندک است.

اولین تظاهرات پگیدا به ابتکار «لوتس باخمن» با یک فراخوان «فیس بوکی» و با شرکت ۵۰۰ نفر برگزار شد. هدف برگزار کنندگان جلب توجه به سیاست های غلط مهاجرت و پناهندگی عنوان کردند. مطالبات اولیه پگیدا در قبال سیاست مهاجرت در آلمان بود.

پگیدا به تدریج توانست افراد بیشتری را جذب کند تا آنجا که در ۱۵ دسامبر حدود ۱۵ هزار نفر در تظاهرات آن شرکت کردند. در حال حاضر نیز بیانیه های پگیدا برای جلب نظر طیف وسیع تری تنظیم می شوند و تلاش بر این است که در شعارها، شائبه نژادپرستی پیش نیاید. هشدار درباره «نفوذ بنیادگرایی مذهبی در فرهنگ مسیحی - یهودی مغرب زمین» و «سوء استفاده از پناهندگی» از محورهای فکری پگیدا هستند.

مخالفان برگزاری تظاهرات جنبش پگیدا پلاکاردهایی طراحی کرده اند با این مضمون: «رنگارنگ نه قهوه ای». قهوه ای در ادبیات سیاسی آلمان رنگی نمادین برای گروه های راست افراطی است.

مواضع پگیدا چیست؟

مواضع رسمی پگیدا در ماه دسامبر ۲۰۱۴ در ۱۹ ماده اعلام شد. از جمله بندهای آن عبارتند از: درج الزام به هم پیوندی در قانون اساسی، سکونت غیر متمرکز اوارگان جنگی و پرهیز از کمپ های پناهندگی خلاف شان انسان، حمایت بهتر از پناهندگان به کمک مددکاران اجتماعی، تسریع رسیدگی به درخواست

چندی است شماری از کشورهای اروپایی شاهد برخی رویدادهای ضد اسلامی هستند که در برخی موارد منجر به پاره ای ناآرامی ها در این کشورها شده است. یکی از کشورهایی که با این رویداد دست و پنجه نرم می کند آلمان است.

شهرهای مختلف آلمان مدتی است صحنه برگزاری تظاهرات ضد اسلامی است که بعضاً با واکنش های مختلفی از سوی مقامات و مردم روبرو شده است. در این اثنا اصطلاحی بر سر زبانها افتاد که خیلی زود توانست برخی را نیز با خود همراه سازد «پگیدا».

اگر بخواهیم ریشه و معنی «پگیدا» را بررسی کنیم این بدست می آید که «اروپایی های وطن پرست علیه اسلامی کردن مغرب زمین» نام کامل جنبشی شهروندی موسوم به «پگیدا» است که از اکتبر ۲۰۱۴ میلادی در شهر درسدن آلمان به راه افتاده است.

از زمان تاسیس این جنبش هر هفته روزهای دوشنبه راهپیمایی های «پگیدا» طبق سنت تظاهرات پیش از وحدت دو آلمان، با شعار «ما مردم هستیم» برگزار می شود.

درسدن مرکز اصلی فعالیت پگیدا

با شنیدن اینکه بیشتر تظاهرات های پگیدا در شهر درسدن روی می دهد این سوال پیش می آید که چرا درسدن؟

شهر درسدن مرکز ایالت زاکسن، در شرق آلمان با جمعیتی بالغ بر ۵۳۰ هزار نفر است. این شهر تعداد مهاجرانی که از کشورهای مسلمان آمده اند، حدود ۲۵ هزار نفر می شود. جمعیت ایالت زاکسن بالغ بر ۴ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر است و از این میزان دو و نیم درصد خارجی و حدود نیم درصد مسلمان هستند.

طبق گزارش اداره نظارت بر قانون اساسی آلمان، در کل این ایالت ۱۰۰ نفر سلفی فعالیت می کنند. این ایالت دارای رشد

سرویس های مخفی بین المللی باید همکاری نزدیکتری با یکدیگر داشته باشند. صراعظم آلمان تاکید کرد که تبادل اطلاعات در سطح اروپا باید بیش از پیش گسترش یابد. او همچنین اذعان کرد که باید تجهیزات بهتری در اختیار سرویس های اطلاعاتی آلمان گذاشته شود.

رم هدف دیگر داعش

بر اساس شنود مکالمات رهبران داعش، حمله تروریستی در پاریس آغاز یک رشته سوءقصدی بوده که قرار است در پایتخت های اروپایی تکرار شود. در این مکالمات از رم، پایتخت ایتالیا نام برده شده است. گفته می شود هنوز سر نخ از یک سوءقصد مشخص در دست نیست. رسانه های ایتالیا از انتشار یک ویدئوی تهدیدآمیز توسط داعش گزارش داده اند که در آن از شهر رم به عنوان یکی از هدف ها نام برده شده است.

ماتئو رنزی، نخست وزیر ایتالیا، در واکنش به حملات انجام گرفته در فرانسه، خواستار تشکیل سازمان مخفی اطلاعاتی اتحادیه اروپا شد و تاکید کرد: ما واحد پولی مشترک داریم و به یک سازمان اطلاعاتی مخفی مشترک نیز نیاز مندیم. اروپا باید علیه تروریسم متحد باشد. کارشناسان امنیتی و اطلاعاتی آلمان نیز معتقدند که عاملان ترورهای پاریس از بیرون هدایت می شده اند و با دیگر شبه نظامیان اسلام گرا در یک ارتباط شبکه ای قرار دارند. با این حال هنوز مشخص نیست که فرمان ترورهای پاریس از سوی یک سازمان صادر شده باشد.

بر اساس اطلاعات سرویس های مخفی آمریکا، حمله علیه کارکنان نشریه «شارلی ابدو» و گروهان گیری در یک سوپرمارکت در پاریس، به احتمال زیاد آغاز موجی از ترورها در سطح اروپاست.

پس از ترورهای پاریس، کارشناسان شنود آژانس امنیت ملی (NSA) توانسته اند مکالمات فعالان ارشد داعش را شنود کنند و در این مکالمات فرماندهان ارشد داعش از موج ترورها در سطح اروپا سخن گفته اند.

یک دلیل نگرانی سرویس های مخفی آمریکا این است که احتمال دارد سوءقصد کنندگان پاریس بخشی از یک شبکه ترور بوده باشند. نهادهای مخفی آمریکایی از قرار معلوم شواهدی در دست دارند که دو برادر تروریست، شریف و سعید کواشی، تماس هایی در هلند داشته اند.

آلمان در لیست اهداف داعش

از سوی دیگر سازمان مخفی امنیت داخلی بریتانیا (MI۵) از قرار معلوم به نهادهای امنیتی آلمان در مورد سوءقصدی انفجاری علیه هواپیماها هشدار داده است. در این هشدار آمده که مواد انفجاری این سوءقصد را نمی توان با دستگاه های کنترل معمول تشخیص داد. گفته می شود علت این هشدار، نقشه ساخت بمب جدیدی بوده که القاعده اخیرا در شبکه اینترنت منتشر کرده است.

در واکنش به این ماجرا، آنگلا مرکل، صدراعظم آلمان، خواستار گسترش تبادل اطلاعات پروازهای هواپیمایی در سطح جهان شد و گفت:



حادثه «شارلی ابدو» سر آغاز حملات تروریستی بیشتر در اروپاست

حوادث خونین فرانسه پایان یافته اما با این وجود وقایع روزهای چهارشنبه تا جمعه که در پاریس رخ داد عاملی شده تا رسانه ها و مقامات جهان همچنان در مورد آن سخن بگویند.

در همین رابطه روزنامه ساندی تلگراف در مورد هراس انگلیس از تکرار این حملات در بریتانیا و هشدار می دهد که آمریکا به لندن در این رابطه داده گزارش می دهد.

احتمال بازنگری سیاستهای اوپاما در افغانستان



خبرگزاری رویترز در گزارشی از احتمال تجدید نظر باراک اوپاما رئیس جمهور آمریکا در سیاست های خود در قبال افغانستان خبر داد.

بنا بر این گزارش، احتمال می رود باراک اوپاما رئیس جمهور آمریکا در طرح خود برای خارج کردن همه نیروهای عملیاتی این کشور از افغانستان تا اواخر سال ۲۰۱۶ میلادی تجدید نظر کند.

اوپاما در مبارزات انتخاباتی سال ۲۰۱۲ وعده خروج کامل نیروهای آمریکایی از عراق و افغانستان را داده بود. نویسنده با اشاره به این نکته که اوپاما به بهانه بمباران مواضع داعش بر خلاف وعده های انتخاباتی خود اقدام به تقویت حضور نظامی آمریکا در عراق می کند می نویسد: اوپاما برای اینکه از وی به عنوان رئیس جمهوری صلح طلب یاد شود

که به جنگ های آمریکا پایان داد دیگر راه به جایی نخواهد برد و نباید آنچنان نگران تغییر رویکرد خود باشد زیرا واضح است که روسای جمهور قادر مطلق نیستند و تحولات جهان نیازمند تغییر سیاست های آمریکاست.

در ادامه با اشاره به لفاظی ها و سیاست های اوپاما آمده است: اوپاما فردی عمل

خواهد کرد. در واقع آمریکا با ادامه حضور در افغانستان به دفاع از خود در برابر دشمنانش خواهد پرداخت. در پایان آمده است که اوپاما باید راهی برای ادامه حضور چند هزار نفر از نیروهای آمریکایی در دو یا سه پایگاه عملیاتی در افغانستان پیدا کند و در چنین شرایطی عملیات در افغانستان را تحویل رئیس جمهور بعدی آمریکا دهد.

و نویسنده می نویسد: با وجود اینکه خروج از افغانستان تلاش های آمریکا را برای تامین ثبات افغانستان و برقراری دموکراسی در این کشور به مخاطره خواهد انداخت، این کشور را از پایگاه هایی که از آنها برای پرواز هواپیماهای بدون سرنشین و اجرای عملیات نظامی در منطقه شرق افغانستان یا غرب پاکستان، علیه القاعده استفاده می کند محروم

گرا و انعطاف پذیر است و نیاز به خلاقیت و نو آوری های زیادی دارد. نویسنده در ادامه با اشاره به تحولات اخیر در افغانستان و افزایش حملات طالبان در این کشور می نویسد: چنین استدلالی می تواند در مورد افغانستان نیز مصداق داشته باشد. در بخشی دیگر از این گزارش عقب نشینی کامل از افغانستان در سال ۲۰۱۶ میلادی اشتباهی بزرگ خوانده شده



آنچه آمریکا و چین باید بیاموزند

اندیشکده رند با اشاره به جنگ هایی که از زمان «ناپلئون بناپارت» تاکنون در جهان رخ داده به بررسی این موضوع پرداخته که آمریکا و چین چه درس هایی را از این جنگ ها می توانند بیاموزند.

در گزارش موسسه رند آمده است: تاریخ جنگ هایی که بوسیله تصمیمات اشتباه رخ داده اند از حمله ناپلئون بناپارت به روسیه گرفته تا حمله آمریکا به عراق نشان می دهد که رهبران این کشورهای متخاصم بر مدل های شناختی و یا موارد ساده شده جهان پیرامون خود تکیه داشته اند که این امر به کلی با واقعیت در تضاد بوده است. مطلب «اشتباهات، چشم بستن بر حقایق و جنگ ها» مثال های تاریخی از اشتباهات استراتژیک مربوط به جنگ و صلح ها را تحلیل کرده و چند مثال از تصمیم گیری ها را که بر این موارد اثر گذاشته اند ارائه کرده و سپس این موارد را به تنش های آمریکا-چین مرتبط می کند.

غرور رهبران، فراست، اعتماد به نفس کاذب، و بیزاری و دوری جستن از دانستن موجب شده تا آنها (رهبران کشورها) از اصلاح مدل های شناختی خود خودداری کنند. بنا بر این وجود مشاوران و بورکراسی ها می توانند با ارائه پادمان ها (حفاظت ها) ی کافی و یا تزریق ترس نابجا و یا شجاعت بی دلیل موجب تشدید تفکرات غلط و ناقص رهبران شوند.

بسیار محتمل است که وقوع جنگ میان آمریکا و چین بر اثر اشتباهات باشد و نه بر اساس منطق و قصد قبلی. اکنون مدل ها و الگوهای شناختی آمریکا و چین از یکدیگر

بر اساس عدم اعتماد است که این امر می تواند فهم اشتباه و یا دوری غلط یک و یا هر دو طرف را بدنبال داشته باشد امری که منجر به ایجاد بحران و احتمالاً وقوع جنگ می شود. اگر چه رهبران فعلی چین و آمریکا بطور بی سابقه ای به اطلاعات دسترسی دارند اما هیچ اطمینانی در این رابطه وجود ندارد که آنها در هنگام مواجه شدن با گزینه های که متمرکز بر جنگ و صلح هستند به خوبی از این اطلاعات استفاده کنند. به اعتقاد نویسندگان این مطلب، رهبران چین و آمریکا می توانند از این نوشتار بهره ببرند.

یافته های کلیدی

اشتباهات استراتژیک زمانی می توانند رخ دهند که رهبران بر مدل های شناختی ناقص و معیوب از حقیقت تکیه کنند و کسی نباشد که این مشکل را برطرف کند. اشتباهات استراتژیک می توانند نتیجه دریافت های اشتباه، خودپرستی، تکبر، غرور و گستاخی، و ایده های بزرگ اما ناقص باشند. کوچک انگاشتن دشمن و مشکلات و مدت زمان جنگ، اطمینان بیش از حد به نقشه های جنگی، نادیده گرفتن اینکه ممکن است مطلبی غلط باشد، کم اهمیت دادن به گفتگو و بی میلی به انجام دادن آن و نکوهش مشاوره های مستقل و مجازات مخالفان نیز در

اشتباهات استراتژیک نقش دارند - این شرایط بویژه زمانی که با خطرات بیش از حدی که بر پایه اعتماد بیش از حد بر توانایی فردی جهت اداره امور درهم آمیخته شوند خطرناک می شوند. - کلید پیوند میان شکاف مدل های ناقص و حقیقت عینی اطلاعات است، که به وفور وجود دارند و باید از آنها به خوبی استفاده کرد.

- تصمیم گیران ممکن است بیشتر پذیرای اطلاعاتی باشند که که از نظر آنها حمایت می کنند و علاقه ای به اطلاعاتی که تفکرات آنها را به چالش می کشد نداشته باشند. - موسساتی که به تصمیم گیران نزدیک هستند نیز می توانند چنین برداشت های ذهنی از واقعیات داشته باشند.

- موسسات حکومتی در برابر اشتباهات استراتژیک به پادمان ها (امور حفاظتی) وابسته نیستند.

- در مورد اینکه رهبران و موسسات چگونه از اطلاعات استفاده می کنند نیازمند توسعه هستیم تا رهبران به مدل های شناختی بهتری رسیده و تصمیمات بهتری بگیرند.

توصیه ها

- یک واحد مشاوره استراتژیک در شورای امنیت ملی تشکیل شود که به تمامی اطلاعات و بهترین قابلیت های تجزیه و

تحلیل دسترسی داشته باشد. این واحد موظف است که تحلیل های بی طرف به رئیس جمهور و سایر اعضای شورای امنیت ملی ارائه کند. پیش بینی موفقیت ها، گزینه ها، احتمالات و تهدیدات نیز بر عهده این واحد خواهد بود. این روند با امتیاز اجرایی همراه می شود و بازده این واحد می تواند به عنوان حافظه تاریخی و حتی حافظه عمومی مطرح باشد.

- واحد مشاوره استراتژیک باید بر اساس بالاترین استانداردهای موجود شکل بگیرد. این واحد مسئول بازبینی و محاسبه تحلیل هایی خواهد بود که توسط موسسات وابسته به تصمیم سازان (همچون وزارت خارجه، دفاع و شورای امنیت ملی) انجام شده است.

- تحلیل های مستقلى که توسط واحد مشاوره ارائه می شوند باید برای به روز کردن اطلاعات و تجزیه و تحلیل های موجود استفاده شوند.

- روسای جمهور آمریکا و چین باید روابطی را ایجاد کرده و نشست های مرتبى را برگزار کرده و خطوط ارتباطی ویژه ای نیز میان آنها وجود داشته باشد. این دو رئیس جمهور نیازمند تسهیل در ارتباط با یکدیگر و راحت بودن دسترسی به اطلاعات هستند.

- ارتباطات بین موسسات امریکایی و چینی باید بر اساس مذاکرات اقتصادی و استراتژیک دو کشور باشد. این ارتباطات باید با هدف ارائه اطلاعات درست و جلوگیری از بروز اشتباهات باشند.

- ارتباطات اطلاعاتی باید ادامه داشته و افزایش پیدا کنند بویژه آنکه این ارتباطات باید شامل مراکز استراتژیک آمریکا و چین باشد |

تحولات آمریکا نشان داد:

رسانه و نژادپرستی؛ اطلاع رسانی صحیح گرفتار در باتلاق سرمایه داری

گزارش از عبدالحمید بیاتی



خود به ایجاد موج خبری اقدام می کنند این امر طبیعی است که اخبار منفی مربوط به نظام های سرمایه داری نیز از پوشش مطلوب و صادقانه ای در این رسانه ها بهره مند نشود.

موضوع نژادپرستی در سیستم قضایی و دستگاه پلیس آمریکا امری ثابت شده است بطوریکه گفته می شود اگر پلیسی در آمریکا شهروندی را به قتل برساند در هیچ دادگاهی محکوم نمی شود حال اگر این قربانی فردی غیر سفید پوست و از اقلیت های حاضر در ایالات متحده باشد ماجرا از سوی رسانه های غربی به گونه ای پوشش داده می شود که گویا فرد کشته شده یکی از خطرناک ترین چهره های حاضر در این کشور بوده است؛ حوادث چند ماه اخیر و نحوه پوشش آن توسط رسانه ها نیز به خوبی نشان داد که نژادپرستی و نگاه تبعیض آمیز نه تنها در سیستم قضایی و دستگاه پلیس بلکه در رسانه های غربی نیز ریشه دارد.

البته نگاه متفاوت و جهت دار به مسائل از سوی رسانه های غربی فقط در مورد تجمع شب گذشته در نیویورک و اعتراضات ضد نژادپرستی در شهرهای مختلف آمریکا نبوده بلکه در مواردی همچون پوشش اخبار تحولات بیداری اسلامی، بحران سوریه، موضوع هسته ای ایران، جنبش تسخیر وال استریت و ضد نظام سرمایه داری نیز این رسانه ها اخبار مربوطه را به گونه ای منتشر کرده و می کنند که عنوان آنها در راستای سیاست های آمریکا و متحدانش است. به عبارت دیگر این رسانه ها مسؤلیت اطلاع رسانی را با سیاست های قدرت های حاکم در غرب در هم آمیخته و نظر به آنکه سردمداران رسانه ها در غرب با صاحبان قدرت ارتباطی تنگاتنگ دارند پوشش اخبار و انتشار آنها به نوعی است که در درجه اول تأمین کننده منافع آنها باشد.

نیست بلکه نشان دادن نگاه متفاوت رسانه های غربی به مقوله تجمعاتی است که در کشورهای دارای نظام سرمایه داری انجام می شود. آمریکا در سال جاری میلادی که روزهای پایانی آن در حال سپری شدن است صحنه اعتراضات گسترده ای از سوی مردم در واکنش به تبعیض نژادی و خشونت پلیس علیه رنگین پوستان در این کشور بود.

ماجرا از جایی آغاز شد که یک افسر پلیس در منطقه سنت لوییز شهر فرگوسن ایالت میسوری اقدام به بازداشت یک نوجوان سیاه پوست به نام «مارتین براون» کرد و سپس این نوجوان را با شلیک گلوله به قتل رساند. پس از این حادثه شهرهای مختلف آمریکا صحنه اعتراضات گسترده شد و وقوع موارد مشابه موجب شد تا دامنه این اعتراضات اغلب ایالت های آمریکا را در بر بگیرد.

در ماه گذشته نیز اقدام هیئت های منصفه میسوری و نیویورک در بیگناه دانستن افسران پلیسی که اقدام به قتل مارتین براون و یک شهروند سیاه پوست دیگر کرده بودند موجب شد تا بار دیگر شهرهای مختلف آمریکا صحنه اعتراضات گسترده باشند. شدت اعتراضات در آمریکا در واکنش به این اقدام هیئت های منصفه به حدی رسید که در بیش از ۱۰۰ شهر و ایالت این کشور مردم در اعتراض به نژاد پرستی به خیابان ها آمدند اما در کمال تعجب شاهد بودیم که رسانه های غربی اشاره چندانی به گستردگی این اعتراضات نمی کردند و در اخبار خود به مواردی همچون اعتراضاتی مسالمت آمیز و محدود در برخی شهرهای آمریکا برگزار شده اکتفا می کردند.

نظر به آنکه رسانه های غربی در اختیار گروه های قدرتمند سرمایه داری است که موج های خبری موجود را با سیاست خاص دنبال کرده و پوشش می دهند و حتی گاهی نیز

نیویورک شنبه ۲۷ دسامبر (ششم دی) صحنه تجمع نیروهای پلیس آمریکا در مراسم خاکسپاری پلیسی بود که در این شهر کشته شده بود.

نحوه پوشش این خبر از سوی رسانه هایی چون بی بی سی، رویترز، آسوشیتدپرس و ... به گونه ای است که گمان می شود این تنها اجتماع عظیمی بوده که در آمریکا انجام شده است. به عبارت دیگر گویا رسانه های غربی با بزرگنمایی در مورد تجمع شب گذشته نیویورک سعی دارند تا به گونه ای نامحسوس اعتراضات چند ماه اخیر در آمریکا را کم رنگ و غیر مهم جلوه دهند.

این رسانه ها در انتقال خبر و مفاهیم از شیوه های مختلف سانسور بهره می برند. اگر بتوانند از شیوه سنتی سانسور یعنی عدم اشاره به موضوع استفاده می کنند. با توجه به گسترش رسانه های اجتماعی این شیوه در حال حاضر چندان برای این گونه رسانه ها نمی تواند مطلوب باشد و اعتبار آنها را دچار خدشه می سازد.

از اینرو شیوه «سانسور نرم» را به کار می برند. در این شیوه اصل خبر کنمان و سانسور نمی شود بلکه خبر به گونه ای منعکس می شود که آثار اجتماعی آنرا را کنترل کرده و تخفیف بدهند. در این شیوه از «سواد رسانه ای» مخاطب بهره گرفته می شود و اخبار به گونه ای ماهرانه منعکس می شود که مخاطبی که سواد رسانه ای لازم را ندارد متوجه تحریفات نمی شود.

برای مثال بی بی سی در رابطه با تجمع شب گذشته پلیس در نیویورک می نویسد: دهها هزار نفر از جمله مأموران پلیس سایر شهرها در مراسم خاکسپاری رافائل راموس، یکی از دو پلیسی که هفته گذشته بر اثر شلیک گلوله در نیویورک کشته شد شرکت کرده اند. هدف این نوشتار کم رنگ کردن زشتی های خشونت

استاد دانشگاه کلمبیا در گفتگو با مهر:

چرایی عادی سازی روابط آمریکا و کوبا شکست سیاست انزوا و تحریم واشنگتن



در پی آزادی شماری از زندانیان آمریکایی توسط دولت کوبا، باراک اوباما رئیس جمهور آمریکا در ۱۷ دسامبر ۲۰۱۴ در سخنرانی خود به صراحت از تغییرات گسترده در سیاست آمریکا در قبال کوبا خبر داد و اعلام کرد که در چشمگیرترین تغییرات سیاست خود در بیش از ۵۰ سال اخیر، به یک سیاست کهنه که چندین دهه در پیشبرد منافع ما ناکام مانده، پایان خواهد داد و به جای آن روند عادی سازی روابط میان دو کشور را آغاز خواهد کرد. وی گفت با این تغییرات می خواهد فرصت های بیشتری را برای مردم آمریکا و کوبا به وجود آورد و فصل تازه ای را میان کشورهای قاره آمریکا بگشاید.

در همین راستا با دکتر «آلبرت بینناچوبلی» استاد علوم سیاسی دانشگاه کلمبیا در نیویورک و مسئول سابق بخش آسیای میانه رادیو بی بی سی گفتگویی انجام شده که مشروح آن در زیر آمده است.

گفتگو از بهمن بزرگانی

علت تحریم های آمریکا علیه کوبا در دهه های گذشته چه بوده است؟

اولین دور تحریم ها که در سال ۱۹۶۱ علیه کوبا اعمال شد ناشی از سیاست خارجی آمریکا نبود بلکه ناشی از سیاست های کنگره و حس انتقام جویی بود. برای درک پاسخ آمریکا به کوبا در نیم قرن گذشته فهمیدن چالش ژئوپولیتیک کوبا برای آمریکا اهمیت زیادی دارد. بعد از خرید «لوئیزیانا» توسط آمریکا در قرن ۱۹ و گسترش سرزمین آمریکا تا خلیج مکزیک، در آمریکا اینگونه تصور می شده است که حضور یک نیروی خارجی بزرگ اروپایی در کوبا می تواند تهدیدی بالقوه برای آمریکا به حساب آید. لذا از آن زمان آمریکا همواره سعی کرده است تا سیاست های داخلی و خارجی کوبا را شکل دهد.

هدف فیدل کاسترو هم پایان دادن به نفوذ آمریکا در کوبا بود اما وی فقط با قرار گرفتن در کنار اتحاد جماهیر شوروی که یک قدرت عمده بود، توانست این کار را انجام دهد بطوریکه استقلال کوبا از آمریکا منجر به وابستگی کوبا به شوروی شد. در حال حاضر دیگر قدرت عمده ای که بتواند با استفاده از موقعیت ژئوپولیتیک کوبا برای منافع آمریکا تهدید ایجاد کند وجود ندارد مانند آنچه که شوروی در جریان بحران موشکی کوبا در سال ۱۹۶۲ انجام داد و با استقرار موشک های میان برد هسته ای خود در کوبا تمامی خاک آمریکا را نشانه گرفت و آمریکا و شوروی را تا آستانه جنگ اتمی پیش برد.

آیا الان هم کوبا دارای ارزش ژئوپولیتیک برای آمریکا است؟

اینطور که به نظر می رسد در حال حاضر برای آمریکا هیچ مسئله ژئوپولیتیک درباره کوبا مطرح نیست هر چند کسی از آینده خبر ندارد و این امکان وجود دارد که مسکو بخواهد برای تهدید منافع آمریکا در منطقه آمریکای لاتین که حیاط خلوت آمریکاست خود را به هاوانا نزدیک کند و روابط استراتژیک خود با کوبا را از سر گیرد.

همچنین استراتژیست های آمریکایی محاسبات جدی چین برای نیمکره غربی را هم نادیده نمی گیرند. چینی ها علاوه

منزوی کردن آن در نیم قرن گذشته موثر بوده است؟

بسیاری از کارشناسان مسائل آمریکای لاتین بارها گفته اند که تحریم اقدامی است که بیشتر موجب شکست خود آمریکا می شود تا اینکه موجب پایان حکمرانی کاستروها شود. تحریم ها موجب قدرتمندتر شدن آنها شده و باعث شده تا کوبا از نهادهای جهانی مثل سازمان کشورهای آمریکایی دور نگهداشته شود. در حالیکه می شد در این سازمان توسط دیگر کشورهای عضو، کوبا را به اتخاذ سیاست های آزادتر ترغیب کرد.

همچنین اعمال تحریم ها از سوی آمریکا علیه کوبا موجب اختلاف آمریکا با متحدان خود و تقریباً با تمامی کشورهای نیمکره غربی شده است.

من مطمئن هستم که تحولات اخیر نشانه هایی از اولین گام فرایند طولانی مصالحه درازمدت است هر چند جزئیات این راهکار باید تحکیم شوند. پیام اوباما هدف شفافی را برای آینده روابط کوبا و آمریکا تعیین کرده است که می تواند تأثیرات گسترده تری را در منطقه برجای گذارد.

علت تلاش برای عادی سازی روابط این است که دولت آمریکا آنچه را که مدت های طولانی برای دیگران شفاف بوده است درک کرد و به رسمیت شناخت. آنچه درک کرد این است که تحریم هایی که با هدف سرنگونی نظام کمونیست کاستروها اعمال شده بودند با شکست مواجه شده اند و از سوی دیگر هم در زمان حکومت رائول کاسترو تغییراتی تدریجی از درون کوبا آغاز شده است.

خود اوباما هم با صدور بیانیه ای منطق تحریم ها را زیر سوال برده و گفت: این ۵۰ سال نشان داده است که سیاست منزوی کردن کارآمد نبوده است و الان زمان آن است تا راهکار دیگری اتخاذ شود.

عادی سازی روابط با چین و حتی ویتنام که سال ها آمریکا با آن جنگید و بیش از ۵۰ هزار کشته برای آمریکا بر جا گذاشت یکی از ناهنجاری های سیاست خارجی آمریکا بوده است. اما روابط با کوبا که هیچگونه تهدیدی هم برای آمریکا ندارد مدتهاست که در دوران جنگ سرد باقی مانده است.

تحولات و موانع بر سر آن را چگونه می بینید؟

اتفاقات اخیر نتایج ۱۸ ماه مذاکرات سری آمریکا و کوبا در کانادا است که با تشویق پاپ فرانسیس صورت گرفته است. اما با این حال در مسیر لغو تحریم های کوبا مشکلات جدی وجود دارند. امری که نیازمند مصوبه کنگره آمریکا است. بر اساس مصوبه آزادی کوبا و همبستگی دموکراتیک کوبا که در سال ۱۹۹۶ به تصویب رسیده است لغو تحریم های کوبا نیازمند آزادی فعالیت های سیاسی در کوبا، برگزاری انتخابات آزاد و حذف نهادهای امنیتی این کشور است. با این حال تا قبل از درخواست از کنگره برای لغو تحریم ها اقدامات اعلام شده از سوی باراک اوباما موجب تعمیق روابط با هاوانا خواهد شد و مذاکرات دو طرف تا زمان نشست سران سازمان کشورهای آمریکای ادامه خواهد داشت که در آن زمان احتمال دیدار سران دو طرف در این نشست وجود دارد.

توافقات اخیر بین دو کشور متعادل ترین توافق ممکن است چون که روابط بین دو کشور به علت سیاست های داخلی دو طرف دهه ها قطع بوده است و هیچ یک از طرفها برای مصالحه جدی حاضر نبوده است حتی برای برداشتن اولین قدم ها. کاستن از تحریم های کوبا بعد از ۵۴ سال کار درستی است که می تواند انجام شود. اقدامات اعلام شده از سوی باراک اوباما و رائول کاسترو که در ۱۷ دسامبر اعلام کردند می تواند برای عادی سازی روابط دو طرف که هنوز در دام فضای جنگ سرد است بسیار موثر باشد و اهمیت این مسئله فراتر از کوبا خواهد رفت و بر روابط آمریکا با کشورهای آمریکای لاتین هم تأثیر گذار خواهد بود.

آیا به نظر شما سیاست اعمال تحریم علیه کوبا و تلاش برای

تحولات اخیر در روابط آمریکا و کوبا که حکایت از نوعی نزدیکی روابط دارد را چگونه ارزیابی می کنید؟

در ۱۷ دسامبر آمریکا و کوبا بعد از دهه ها جدی ترین قدم را برای عادی سازی روابط خود برداشتند که مهمترین آنها اعلام مذاکره برای از سرگیری روابط دیپلماتیک بود که از سال ۱۹۶۱ تا کنون قطع بوده است. کوبا و آمریکا در ماه های آینده نشست هایی در سطوح بالا با هدف بازگشایی سفارت در واشنگتن و هاوانا برگزار خواهند کرد.

برای عادی سازی روابط آمریکا چه اقداماتی انجام خواهد داد؟

آمریکا برای این منظور بلافاصله برخی از تحریم های کوبا را در زمینه های تجاری و مسافرتی کم خواهد کرد. باراک اوباما اعلام کرد که آمریکا برخی محدودیت ها در تعاملات مالی علیه کوبا را بر خواهد داشت و برخی محدودیت ها برای سفر اتباع آمریکایی به کوبا را لغو خواهد کرد و همچنین اجازه صادرات مصالح ساختمانی، تجهیزات کشاورزی و ارتباطی برای بخش خصوصی این کشور خواهد داد. همچنین وزارت خارجه آمریکا برای حذف نام کوبا از لیست کشورهای حامی تروریسم هم تلاش خواهد کرد.

باراک اوباما قدرت قانونی برای اجرای برخی اقداماتی که اعلام کرده است را دارد اما وی لغو رسمی تحریم های تجاری علیه کوبا را منوط به تصمیم کنگره خواند. اما اعلام این مطلب خود بیانگر نزدیکی تدریجی آمریکا و کوبا خواهد بود.

تحولاتی که منجر به عادی سازی روابط بین دو کشور شده است از چه زمانی شروع شد و شما آینده این

با این حال تجدید روابط با آمریکا نمی تواند تمامی مشکلات مادورو را حل کند. مشکلات اقتصادی ونزوئلا و تاثیر منفی آن بر حزب حاکم این کشور از مشکلات درازمدت ساختاری این کشور ناشی شده است که به سادگی قابل حل و فصل نیست.

|| آیا برای نزدیکی روابط آمریکا و ونزوئلا هم به حرکتی مشابه آنچه که اوپاما در قبال کوبا انجام داد، نیاز است؟

برقراری روابط دیپلماتیک با آمریکا بیشتر نیازمند عوامل داخلی ونزوئلا است تا اقدامی از سوی اوپاما و یا رئیس جمهور بعدی آمریکا.

|| آیا سیاست های جدید آمریکا در منطقه چالش هایی برای این کشور خواهد داشت و اساسا آمریکا از تغییر سیاست در قبال آمریکای لاتین چه اهدافی را دنبال می کند؟

سیاست آمریکا در قبال کوبا همچنین سیاست های آمریکا را با کل آمریکای لاتین با چالش هایی مواجه خواهد کرد؛

|| آیا می توان دیدار «جو بایدن» معاون رئیس جمهور آمریکا با «نیکلاس مادورو» رئیس جمهور ونزوئلا در مراسم تحلیف رئیس جمهور برزیل را نشانه ای از تغییر سیاست آمریکا در قبال کشورهای آمریکای لاتین دانست؟ در صورتیکه جواب شما آری است به نظر شما چه الزاماتی موجب این تغییر شده است؟

تغییر دیدگاه های طرفین بسیار واضح و عیان است. به قول شما ایرانی ها آن چیز که عیان است چه حاجت به بیان است. سیاست های آمریکا در قبال آمریکایی لاتین به خاطر تغییرات و تحولات منطقه در حال تغییرات جدی است. آمریکای لاتین در حال آماده شدن برای یک واقع بینی جدید است. منطقه نیاز به بازارهای باز، همکاری های تجاری و منطقه ای دارد. اوپاما با حرکتی که در برابر کوبا انجام داد راه را برای نوعی تعامل دیپلماتیک با کشورهای آمریکای لاتین گشود که در ۶ سال اول ریاست جمهوری شاهد آن نبوده ایم. آمریکای لاتین هم

سازی روابط با این کشور خواهد پرداخت بیشتر از آن چیزی است که در حال حاضر به نظر می رسد؛ چه این کار توسط اوپاما صورت گیرد چه توسط جانشین وی.

|| به نظر شما عوامل اقتصادی تا چه اندازه در تصمیم دو کشور برای بهبود روابط تاثیر داشته اند به ویژه برای کوبا؟

در سال های گذشته اقتصاد کوبا توسط پارانه هایی که از سوی ونزوئلا به این کشور داده شده است پا بر جا بوده که این پارانه ها بیشتر در قالب نفت ارزان قیمت بوده است. کاهش قیمت نفت موجب شده است تا اقتصاد ونزوئلا در شرایط سختی قرار بگیرد. کوبا نگران این است که فروپاشی اقتصاد ونزوئلا آن هم در مقطعی که کوبا در تلاش است تا به سوی رهبری جدید و سیستم اقتصادی جدید گذر کند، موجب محدود شدن منابع مالی این کشور شود.

هاوانا و کاراکاس روابط چند وجهی گسترده ای داشته اند بطوریکه ونزوئلا اصلی ترین حامی اقتصادی هاوانا بوده و این کار را با

بر حضور اقتصادی گسترده ای که در منطقه دارند شروع کرده اند کنترل خود بر گذرگاه های آبی را تحکیم کنند. بطوریکه چین در حال حاضر از سهامداران عمده کانال پاناما است. این کشور اخیرا با نیکاراگوئه قرارداد حفر دومین کانال که اقیانوس اطلس و آرام را به هم وصل می کند را امضاء کرده است. در چنین وضعیتی کوبای منزوی و فقیر می تواند هدف خوب و آسانی برای توسعه ژئوپولیتیک چین باشد و می تواند راه را برای هم پیمانی کوبا با رقیب جهانی آمریکا هموار کند، سناریویی که از نظر استراتژیک برای آمریکا غیر قابل پذیرش است.

|| به نظر شما چرا کوبا هم تمایل به ترمیم روابط خود با آمریکا دارد؟ برخی مدعی هستند کاهش قیمت نفت باعث شده تا عرضه نفت ارزان قیمت ونزوئلا به کوبا کاهش یابد لذا هاوانا از این حیث تحت فشار بوده است؟

کوبایی ها در حال حاضر به نوعی تحت فشار هستند تا سیاست های خود را تغییر دهند. آنها با مشکلاتی توانستند خود را بعد از سقوط شوروی نجات دهند. اما در حال حاضر با یک مسئله فوری مواجه هستند و آن مشخص نبودن وضعیت ونزوئلا و بلاتکلیفی این کشور است. در حال حاضر کاراکاس سوخت کوبا را با تخفیف های زیاد تامین می کند. جواب این سوال که آیا اقتصاد کوبا به در لبه پرتگاه است یا نه کار سختی است اما تردیدی نیست که نفت ونزوئلا تفاوت های زیادی را ایجاد خواهد کرد. مشکلات اقتصادی ونزوئلا دولت «نیکلاس مادورو» رئیس جمهور این کشور را با مشکلات و اعتراضات زیادی مواجه کرده است و در صورتی که دولت ونزوئلا سقوط کند، کوبا یکی از حامیان ساختاری خود را از دست خواهد داد و با یکی از بدترین سناریوهای ممکن مواجه خواهد شد و در این صورت باز کردن سیاست ها توسط این کشور به سمت آمریکا می تواند منجر به بقای نظام این کشور شود. کوبا نیازمند روابط بهتری با آمریکا است به ویژه در صورت سقوط احتمالی دولت ونزوئلا زیرا از نظر تنوع اقتصاد ضعیف ونزوئلا می تواند منجر به تغییر نظام در کوبا به خاطر فشارهای داخلی شود. علاوه بر این راثول کاسترو پیر است و فیدل کاسترو هم خیلی پیرتر و اگر بخواهند دولت کوبا پا بر جا بماند باید همین الان بقای آن را تضمین کنند زیرا معلوم نیست بعد از کاسترو چه کسی قدرت را در این کشور به دست گیرد.

اما آمریکا وقت دارد و نگرانی اش درباره کوبا به خاطر این است که کوبا را بخشی از DNA خود می داند. لذا در حال حاضر فشار بر هاوانا در حالی که سودی ندارد برای آمریکا معقول نیست و فشار بر هاوانا در حال حاضر یک ضرورت فوری برای آمریکا نیست. شاید اوپاما بخواهد از خود میراثی باقی گذارد اما منطق قضیه این است که کوبا بیشتر از آمریکا به عادی سازی روابط نیاز دارد و هزینه ای که آمریکا برای عادی



هر چند نزدیکی روابط آمریکا و کوبا تغییرات سریعی در روابط کاراکاس و هاوانا ایجاد نخواهد کرد اما در درازمدت با افزایش فشارهای اقتصادی ممکن است ونزوئلا نزدیکی روابط واشنگتن و هاوانا را تهدیدی بالقوه برای خود بداند |

کشورهایی که آمریکا در حال حاضر با آنها روابط عادی دارد. اوپاما گفت در ماه آوریل در نشست سران کشورهای آمریکایی در پاناما شرکت خواهد کرد، نشستی که آقای

کاسترو هم به آن دعوت شده است. ونزوئلا در حال حاضر رهبری ائتلافی از کشورهای در منطقه در دست دارد که سیاست های ضد آمریکایی دارند. دولت ونزوئلا به خاطر کاهش قیمت نفت با انتخابات پارلمانی مشکلی در سال ۲۰۱۵ مواجه خواهد بود. رئیس جمهور بعدی آرژانتین هم احتمالا کمتر از «کریستینا فرناندز» که در سال ۲۰۱۵ دوران ریاست جمهوری اش به پایان می رسد، تند خواهد بود. کلمبیا هم که متحد آمریکا است ممکن است در سال ۲۰۱۵ با شورشیان چپگرای فزارک به توافق برسد و مذاکرات صلح موفقیت آمیز باشد. همچنین «دیلمار روسف» رئیس جمهور برزیل هم در نور دوم ریاست جمهوری خود می تواند عملکرد اتر باشد.

برآورد کلی من این است که ما در آستانه تغییرات کلی و برجسته ای در روابط بین کشورهای آمریکا با همدیگر قرار داریم |

باید اقدامی تکمیلی در قبال آن انجام دهد. زمان ناراحتی و حمله در برازیلیا، کاراکاس و همچنین در هاوانا و میامی به پایان رسیده است.

تعامل آمریکا و کوبا می تواند مشوقی اضافی برای مادورو باشد تا به سوی آمریکا متمایل شود و حقیقت این است که چند ساعت بعد از اعلان توافق آمریکا و کوبا، مادورو بطور علنی اعلام کرد که به مایل است روابط

سیاسی خود را با آمریکا بهبود بخشد. مادورو در اوایل امسال در فضایی که خیلی علنی نبود یک نامزد برای سفارت در آمریکا برگزید و مذاکراتی را در این خصوص برای عادی سازی روابط با واشنگتن انجام داد و در طول سال گذشته گزارش های متعددی در این خصوص منتشر شد اما این مذاکرات هنوز به هیچ توافقی منجر نشده است. در پی توافق آمریکا و کوبا مذاکرات ونزوئلا و آمریکا را هم می توان احیاء کرد.

|| آیا نزدیک شدن به آمریکا می تواند مشکلات اقتصادی ونزوئلا را برطرف کند؟

دادن نفت ارزان قیمت انجام می داده است و در قبال آن از قابلیت های بالای سرویس های اطلاعاتی کوبا در منطقه آمریکای لاتین و در داخل ونزوئلا بهره برده است. این همکاری مقامات کاراکاس را از تهدیداتی که از درون آنها را تهدید می کرده است، مطلع کرده به ویژه از نارضایتی های موجود در درون نیروهای مسلح این کشور.

|| بهبود روابط کوبا و آمریکا چه تاثیری در سیاست های ونزوئلا در قبال کوبا خواهد داشت؟

هر چند نزدیکی روابط آمریکا و کوبا تغییرات سریعی در روابط کاراکاس و هاوانا ایجاد نخواهد کرد اما در درازمدت با افزایش فشارهای اقتصادی ممکن است ونزوئلا نزدیکی روابط واشنگتن و هاوانا را تهدیدی بالقوه برای خود بداند. نهایتا سرنوشت ونزوئلا بستگی به قیمت نفت و توانایی «نیکلاس مادورو» در مدیریت نازامی های خیابانی دارد و به همین دلیل سال آینده سالی حساس برای وی خواهد بود.

نظریه پرداز آمریکایی در گفتگو با مهر:

جهان تک قطبی به رهبری آمریکا پایان یافته است لزوم تغییر سیاست و اشنگتن

گفتگو با ایمان یزدانی

در پی آزادی شماری از زندانیان آمریکایی توسط دولت کوبا، باراک اوباما رئیس جمهور آمریکا در ۱۷ دسامبر ۲۰۱۴ در سخنرانی خود به صراحت از تغییرات گسترده در سیاست آمریکا در قبال کوبا خبر داد و اعلام کرد که در چشمگیرترین تغییرات سیاست خود در بیش از ۵۰ سال اخیر، به یک سیاست کهنه که چندین دهه در پیشبرد منافع ماناکام مانده، پایان خواهد داد و به جای آن روند عادی سازی روابط میان دو کشور را آغاز خواهد کرد. وی گفت با این تغییرات می خواهد فرصت های بیشتری را برای مردم آمریکا و کوبا به وجود آورد و فصل تازه ای را میان کشورهای قاره آمریکا بگشاید. در پی تحولات اخیر و در همین راستا با پروفیسور «استفان زونز» استاد روابط بین الملل دانشگاه سانفرانسیسکو و نظریه پرداز معروف آمریکایی گفتگویی انجام شده که مشروح آن در زیر آمده است.



|| این روزها نوعی نزدیکی در روابط کوبا و آمریکا را شاهد هستیم. ارزیابی شما از این مسئله چیست؟

دولت باراک اوباما به اندازه ای واقع گرا است که این مسئله را درک کند که سیاست ها و تلاشهایش برای منزوی کردن کوبا و به رسمیت نشناختن این کشور غلط بوده اند و برای آمریکا نتایج عکس می به وجود آورده اند بطوریکه این سیاست ها موجب انزوای آمریکا در جامعه جهانی شد. فشارهای جامعه جهانی از پاپ فرانسیس رهبر کاتولیک های جهان ادامه سیاست های قبلی را مشکل کرده بود.

|| آیا تصمیم به عادی سازی روابط برای آمریکا ضروری بود یا کوبا؟

این یک راهکار برد - برد برای دو طرف است. آمریکا و کوبا با کشورهای دیگری که دارای اختلافات اساسی هستند روابط دیپلماتیک عادی دارند پس چرا نباید با همدیگر دارای روابط دیپلماتیک باشند؟ به نظر می رسد این یک گام منطقی باشد. اما متاسفانه تحریم ها را نمی توان بدون مصوبه کنگره بطور کامل برداشت و بر اساس قوانین فعلی تحریم ها تا زمانی که در کوبا انتخابات آزاد برگزار نشود و این کشور به سوی اقتصاد بازار آزاد حرکت نکند، برداشته نخواهد شد امری که بعید است به این زودی در کوبا رخ دهد.

|| مولفه های اقتصادی از قبیل کاهش

قیمت نفت در بازارهای جهانی تا چه حد در تصمیم گیری دو طرف تاثیر داشته اند به ویژه در تصمیم کوبا؟ چرا که برخی مدعی هستند که کاهش قیمت نفت باعث شده تا کمکهای نفتی ونزوئلا به کوبا قطع شود لذا هاوانا مجبور به عادی سازی روابط با واشنگتن شده است؟

نه این موضوع درست نیست. یقینا خیلی کم قیمت نفت در این خصوص تأثیرگذار بوده است. زیرا این تغییرات ماه ها پیش از این شروع شده بودند.

|| با در نظر گرفتن دیدار «جو بایدن» معاون رئیس جمهوری آمریکا و ونزوئلا در مراسم تحلیف رئیس جمهوری جدید برزیل، آیا می توانید بگوییم که شاهد تغییر سیاست های آمریکا در قبال آمریکای لاتین خواهیم بود؟ اگر پاسخ شما آری است چه ملزوماتی آمریکا را وادار به این تغییرات کرده است؟

بیش از یک قرن است که آمریکا دارای سلطه اقتصادی، سیاسی و استراتژیک بر روی کشورهای آمریکای لاتین بوده است. این وضعیت دیگر وجود ندارد و کشورهای آمریکای لاتین در هر سه زمینه ذکر شده دارای استقلال بیشتری هستند و جهان امروز بیشتر یک جهان چند قطبی است تا اینکه یک جهان تک قطبی باشد اقتصاد کشورهای آمریکای لاتین به سرعت در حال رشد است و مقررات تجاری آنها و همکاری های آنها نیز مستقل از آمریکا است.

همچنین در این کشورها دولت های چپ گرا و ضد امپریالیسم در حال روی کار آمدن هستند و مجموعه این عوامل اوضاع را برای آمریکا فرسایشی و غیرقابل تحمل کرده است و دولت باراک اوباما تشخیص داده است که اوضاع جهان تغییر کرده است و به تبع آن باید سیاست های آمریکا تغییر کند |



افزایش احتمال خودکشی دادستان آمیا

عبدالحمید بیاتی

در مارس سال ۱۹۹۲، یک خودرو بمبگذاری شده در برابر سفارت اسرائیل در بوئنوس آیرس، پایتخت آرژانتین، منفجر شد که ۲۰ نفر را کشت و بیش از دویست نفر دیگر را زخمی کرد. در انفجار دیگری در ژوئیه سال ۱۹۹۴، ساختمان سازمان فرهنگی موسوم به «انجمن متقابل اسرائیل و آرژانتین» (آمیا) در بوئنوس آیرس هدف بمبگذاری قرار گرفت که ۸۵ کشته و ۳۰۰ زخمی برجای گذاشت.

آفیران، که بین سالهای ۱۹۹۳ تا ۲۰۰۰ میلادی سفیر تل آویو در آرژانتین بود، در مصاحبه خود با اشاره به این حملات گفت: اکثریت افراد مسئول این اقدامات، دیگر در این جهان نیستند، و ما خودمان ترتیب کار را دادیم.

حقیقت ماجرای آمیا

رژیم صهیونیستی تا کنون تلاش زیادی را برای مرتبط کردن ایران و حزب الله لبنان با انفجارهای آرژانتین انجام داده اما این توطئه براساس شواهد بسیار معتبری، توسط موساد طراحی و به وسیله برخی از رهبران یهودی آرژانتین که از مافیای مالی آن کشور بودند و به صورت مافیایی عمل می کردند، انجام گرفت.

گرچه این اقدام برای کوچاندن دسته جمعی یهودیان آن کشور به سرزمینهای اشغالی فلسطین صورت می گرفت، اما این مسئله بعدها تبدیل به ابزاری تبلیغاتی برای بزرگ جلوه دادن عظمت واقعه گردید. برای مثال در این زمینه می توان به ادعای کشته شدن فردی به نام «پاتریشیو ایرالا» یک مرد پاراگوئه ای اشاره کرد که تا مدتها تصور می شد، وی در میان کشته شدگان است و در آوریل سال ۲۰۰۱ مشخص شد که وی در پاراگوئه به شغل ناوایی مشغول است |

کالبدشکافی های ابتدایی انجام شده بر روی جسد دادستان پرونده آمیا حکایت از افزایش احتمال خودکشی وی دارد.

روزنامه جرزالم پست با انتشار خبر اظهار تاسف عمیق مقامات رژیم صهیونیستی درباره مرگ «آلبرتو نیسمان»، به صورت جزئی از احتمال خودکشی وی خبر داده است.

به نوشته این روزنامه، مقامات رژیم صهیونیستی ابراز امیدواری کرده اند که مرگ دادستان پرونده آمیا، خللی در بررسی آن بوجود نیآورد.

نیسمان قرار بود دیروز دوشنبه در پارلمان آرژانتین حاضر شده و درباره اتهاماتی که در رابطه با پرونده آمیا متوجه رئیس جمهور آرژانتین کرده بود توضیح بدهد اما جسد وی را در حمام خانه اش در حالیکه گلوله ای به سرش شلیک شده بود و اسلحه ای نیز در کنار آن قرار داشت پیدا کردند.

هر چند رژیم صهیونیستی تلاش بسیاری دارد تا ایران را عامل انفجار سال ۱۹۹۴ بوئنوس آیرس موسوم به انفجار آمیا معرفی کند و در این راه اقدامات تروریستی گسترده ای را نیز انجام داده اما حقیقت چیز دیگری است.

در مورد اقدامات تروریستی اسرائیل بواسطه انفجار آمیا، سال قبل (۱۳۹۲) سفیر سابق رژیم صهیونیستی در آرژانتین اعتراف کرد که این رژیم اغلب افرادی را که گمان می کرد در انفجار مرکز یهودیان در این کشور آمریکای لاتین دست داشته اند را از بین برده است. «اسحاق آفیران» در مصاحبه با خبرنگاری یهودیان آرژانتین، با اعلام این موضوع گفت: اسرائیل توانسته اکثر کسانی را که پشت حملات خونین به سفارت اسرائیل و یک مرکز فرهنگی یهودیان در آرژانتین بودند به قتل برساند.



هدف قرار دادن طالبان در مناطق مرزی همدیگر توافق کردند. همچنین محمد نواز شریف نخست وزیر پاکستان اعلام کرد زمان آن رسیده تا اقدامات شدیدی علیه تروریست ها صورت گیرد.

یک تحول مهم در حوزه آسیای غربی این بود که وزارت دفاع آمریکا اعلام کرد ملامعمر رهبر گروه طالبان و سایر اعضای این گروه، هدف جنگ آمریکا نخواهند بود مگر اینکه آنها تهدید مستقیمی علیه امنیت آمریکا محسوب شوند.

پایان رسمی ماموریت ناتو در افغانستان از جمله تحولات مهم افغانستان در دیماه به شمار می رود. به دنبال پایان ماموریت ناتو در افغانستان فعالیت این سازمان در قالب جدید تعریف شده است. همچنین ۱۵۰ نظامی فرانسوی در افغانستان و پایان ۱۳ سال حضور سربازان در این کشور از واگذاری مسئولیت برقراری امنیت در فرودگاه نظامی کابل به نیروهای این کشور خبر داد.

اعلام لیست پیشنهادی کابینه جدید افغانستان توسط اشرف غنی رئیس جمهوری افغانستان و امضای پنج قرارداد همکاری میان کابل و دهلی نواز جمله اخبار دیگر آسیای غربی در ماه دیماه بوده است.

هشدار کانبرا درباره تکرار حملات مسلحانه در استرالیا، مخالفت چین با انجام حملات سایبری علیه کشورهای ثالث و سقوط یک فروند هواپیمای خطوط هوایی مالزی با ۱۶۲ سرنشین که در آسمان اندونزی از جمله حوادث و رویدادهای مهم آسیای شرقی و اقیانوسیه در دی ماه به شمار می روند.

امضای توافقنامه نظامی آمریکا، ژاپن و کره جنوبی، تمایل ستول برای مذاکره با کره شمالی در ماه ژانویه در مورد مسائل مختلف از جمله پروژهای مشترک، برنامه ویژه دولت چین برای افزایش مناسبات اقتصادی با کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس و رژیم صهیونیستی، آمادگی پیوند چانگجی برای مذاکره با ستول در سطح مقامات عالیتر تبه و پذیرش دعوت «ولادیمیر پوتین» رئیس جمهوری روسیه از سوی رهبر کره شمالی برای سفر به مسکو از جمله اخبار مهم این حوزه جغرافیایی به شمار می رود.

آسیای هم غربی شاهد اتفاقات خوبی بود. حمله طالبان به مدرسه ای در پیشاور که منجر به کشته شدن ۱۴۱ نفر از جمله ۱۳۲ دانش آموز شد. طالبان پاکستان مسئولیت حمله به آن مدرسه که توسط نظامیان اداره می شد را به عهده گرفته است.

متعاقب این حملات افغانستان و پاکستان برای

رویدادهای آسیا و اقیانوسیه در دی ماه متأثر از چند رویداد بود که دامنه آن وسعت یافت و موضوع نزاع در طی ماه گذشته شمسی شد. در اهمیت اخبار و رویدادهای این منطقه باید اذعان داشت که مناسبات قدرتهای جهانی از رهگذر نوع تعامل آنها در حوزه آسیا در سالهای آینده مشخص خواهد شد.

در جریان سفر السیسی به پکن توافقنامه همکاری راهبردی میان چین و مصر امضا شد.

متعاقب حمله طالبان به مدرسه ای در پیشاور که به کشته شدن ۱۴۱ نفر منجر شد اقدام زندانیان در پاکستان از سر گرفته شد. این اقدام واکنش سازمان ملل را نیز به دنبال داشت. بان کی مون در تماس تلفنی بان نواز شریف نخست وزیر پاکستان بر لزوم به تعلیق در آمدن اجرای حکم اعدام تاکید کرد.

همچنین به دنبال سخنرانی باراک اوباما و انتقاد از شرکت سونی پیکچرز در خصوص عدم پخش فیلم جنجالی «مصاحبه» که یک کمدی درباره توطئه ای برای ترور کیم جونگ-اون، رهبر کره شمالی است آمریکا این فیلم را اکران کرد. متعاقب اکران این فیلم کره شمالی اوباما را شدیداً مورد انتقاد قرار داد.

امضای توافقنامه انرژی میان روسیه و پاکستان،

آسیا

دبیران: معصومه زارع
فاطمه درخشان



افغانستان؛ از برگزاری انتخابات تا خروج نظامیان ناتو

سبب فعالیت این گروه‌ها ناامن است. شمار افراد تحصیلکرده در افغانستان دو برابر شده است. شاید افغانستان همچنان درگیر نبرد بوده، اما میزان طول عمر در این کشور به میزان ۲۰ سال افزایش یافته است. از سوی دیگر با وجود تداوم جنگ، بیشتر افغان‌ها سالم‌تر از مردم دیگر کشورها بوده و از زندگی خود راضی هستند. با وجود این نیروهای دولت افغانستان متحمل هزینه‌های بیشتری مخصوصاً در سال گذشته شده‌اند و انتظار می‌رود که این روند تا سال آتی نیز ادامه یابد و افراد بسیاری در میدان نبرد جان خود را از دست دهند اما احتمال می‌رود که نتیجه این نبرد، تداوم بن بست کنونی باشد و به نظر نمی‌رسد که دورنمای روشنی برای این بن بست بتواند در نظر گرفت.

این موسسه مطالعاتی مدعی شد آمریکا، دولت افغانستان و طالبان از سال ۲۰۱۱ تاکنون درگیر مذاکرات غیرمستقیم درباره فرآیند صلح در این کشور بودند. طالبان خواهان مذاکره با دولت آمریکا نه مقامات افغان هستند و ایالات متحده نیز اعلام کرده است که خواهان مذاکره درباره سر نوشت افغانستان بدون مشارکت دولت این کشور نیست. به نظر می‌رسد که نیروهای امنیتی در نهایت از این بن بست با تحقق صلح در افغانستان خارج شوند اما عوامل متعددی وجود دارد که می‌تواند این تصور را خراب کند. این مرکز اطلاعات در تلاش برای توجیه حضور نظامیان آمریکایی در افغانستان ادعا کرد احتمال می‌رود که کنگره کمک‌های ضروری را برای حضور نیروهای امنیتی افغانستان در میدان نبرد قطع کند. از سوی دیگر شاید دولت وحدت ملی در کابل به جناح‌های مختلف تجزیه شود که منجر به ایجاد شکاف در ارتش و پلیس افغانستان شود. بنابراین دولت باراک اوباما و جان کری وزیر خارجه آمریکا باید با مدیریت جدید در کابل همکاری کرده و طرحی را برای برقراری صلح در این کشور ارائه کنند که طالبان در نهایت مخالفت آن نخواهند بود.

در حقیقت آزمونی برای نیروهای امنیتی افغانستان است که در میدان نبرد تنها بوده و خود به تنهایی باید این حملات را دفع کنند.

این موسسه مطالعاتی مدعی شد بیشتر افغان‌ها در مقایسه با مردم سوریه یا عراق در امنیت نسبی به سر می‌برند. در ۱۳ سال گذشته میلیون‌ها پناهنده به افغانستان بازگشته و از این کشور فرار نکرده‌اند. اقتصاد افغانستان نیز رشد چهار برابری را تجربه کرده است. ادعای این موسسه غربی درباره بهبود اوضاع امنیتی افغانستان در حالی است که حملات گروه‌های تروریستی به مردم و نیروهای ارتش همچنان ادامه دارد و مناطق متعددی از افغانستان به

همچنین قابلیت‌های آنها افزایش یافته است. هم‌زمان با عقب نشینی نیروهای آمریکایی و ناتو، سربازان و پلیس افغانستان این شکاف را پر کرده و به دستاوردهایی قابل توجه در این زمینه دست یافتند. اوایل سال جاری افغانستان شاهد برگزاری پنجمین انتخابات ملی بود حضور مردم پای صندوق‌های رای حتی در مناطقی که طالبان در آنجا از نفوذ بالایی برخوردار بودند، گسترده بود که نتیجه این مشارکت یک پیروزی برای ارتش و پلیس افغانستان و شکست برای شبه نظامیان بود. با نزدیک شدن به سال میلادی جدید، طالبان بر حملات گسترده خود افزوده و در این عملیات‌ها افراد بسیاری شرکت می‌کنند که این عملیات

موسسه مطالعاتی رند در گزارشی تحت عنوان «افغانستان پس از آمریکا: ثبات شکننده» در تلاش برای القای اینکه بدون حضور نظامیان آمریکایی، اوضاع افغانستان روی ثبات را نخواهد دید، نوشت: سه سال پیش، حدود ۱۰۰ هزار نظامی آمریکایی در افغانستان حضور داشتند، اما در ابتدای سال جاری این تعداد به نصف کاهش یافت و تا پایان سال جاری نیز تا ۹۰ درصد کمتر می‌شود و تنها ۱۰ هزار نظامی آمریکایی در این کشور باقی خواهند ماند که هیچ کدام از آنها عملیات نظامی در این کشور انجام نمی‌دهند. در این سالها شمار نیروهای امنیتی افغانستان و



افغانستان میان دوراهی هند و پاکستان آمادگی ریاض برای تامین صلح در کابل

یک سخنگوی طالبان ضمن رد گزارشها درباره مرگ ملا عمر اعلام کرد ارتش افغانستان در حالی شایعه پراکنی کرده که حملات طالبان در تمام نقاط کشور گسترش یافته و اداره‌های امنیتی در جلوگیری از وقوع این حملات ناکام مانده‌اند.

خبر دیگر اینکه سفیر عربستان سعودی در کابل اعلام کرد که کشورش در پی صلح در افغانستان بوده و عربستان سعودی در این زمینه با دولت افغانستان همکاری می‌کند.

وی با بیان اینکه کشورش خواهان روابط دوستانه با دولت وحدت ملی است، گفت عربستان سعودی با توجه به روابط نزدیک و دوستانه با افغانستان و پاکستان تلاش خواهد کرد تا با استفاده از این روابط زمینه صلح را برای همیشه در افغانستان فراهم کند. فهیم دشتی روزنامه نگار افغان در

گزارشی تحت عنوان «افغانستان میان دوراهی هند و پاکستان» نوشت: افغانستان در میان رقابت هند و پاکستان با مشکل تامین تعادل در روابط با این دو کشور مواجه است و اگر به هند نزدیک تر شود اسباب نارضایتی پاکستان را فراهم می‌کند و اگر به پاکستان نزدیکتر شود واکنش هند را در پی دارد.

وی با بیان اینکه پاکستان نگران دخالت هند از طریق افغانستان در موضوعات داخلی خود است، نوشت این مسئله ای است که انکار می‌شود اما قابل انکار نیست. پاکستان اعلام کرده که نیروهای نظامی افغانستان را تربیت می‌کند اما مشخص است که به خاطر تربیت نیروهای نظامی افغانستان نیست که این کار را می‌خواهد انجام دهد بلکه به خاطر نفوذ درون ارتش افغانستان و نیروهای امنیتی است.

چرا آمریکا دیگر طالبان را دشمن نمی‌داند



سفیر چین در ایران:

خودزنی آمریکا در صورت ضربه به چین

سفیر چین با اشاره به اینکه حجم مبادلات تجاری چین و روسیه وابسته به مناسبات پکن-واشنگتن نیست، به خودزنی آمریکا در صورت ضربه به چین پرداخت.

«پانگ سن» سفیر چین در ایران در نشست خبری با خبرنگاران داخلی و خارجی در این رابطه که «آیا به نظر می‌رسد آمریکا برای ضربه زدن به اقتصاد چین برنامه ریزی وسیعی را تدارک دیده و دولت چین در این خصوص چه تدابیری را اتخاذ کرده است؟» گفت: اقتصاد جهان در عصر حاضر به هم مرتبط است و درحالیکه رابطه رقابتی میان ما و جهانیان وجود دارد در عین حال با یکدیگر همکاری می‌کنیم.

وی افزود: بنابراین اگر آمریکا در پی ضربه زدن به اقتصاد چین است، در حقیقت به اقتصاد خود ضربه می‌زند. در بسیاری از پدیده‌ها در اقتصاد جهان همچون رکود اقتصادی و افت قیمت نفت مواجه هستیم که در این زمینه تدابیر متفاوتی را پیش رو داریم. از یک سو باید مقابل برخی از فعالیت‌های غیرعادی محتاطانه عمل کنیم و از طرف دیگر باید روند یکپارچه شدن اقتصاد جهان را پیش ببریم.

پانگ سن تأکید کرد: کشورهای جهان باید به تبادل نظر در زمینه کالاهای دیگر به صورت دو و چند جانبه بپردازند تا نتیجه برد-برد بدست آید. به عنوان مثال، گروه ۲۰ در سال ۲۰۰۸ این نقش را مقابل بحران اقتصادی ایفا کرد و علاوه بر این سازمان ملل نقش خود را به خوبی ایفا کرده است. وی افزود: چین از تاسیس سازمانهای منطقه‌ای حمایت می‌کند. به عنوان مثال پیشنهاد تاسیس سازمان شانگهای و بانک سرمایه‌گذاری آسیا از سوی چین مطرح شده و امیدوارم با مسائل غیرعادلانه با جدیت برخورد شود و کشورهای جهان با یکدیگر متحد بوده تا از فعالیت‌های غیرعادلانه جلوگیری کنند و سرانجام نتیجه پیشرفت مشترک در جهان حاصل شود.

سفیر چین در ایران در پاسخ به این پرسش که «هم‌اکنون حجم مبادلات اقتصادی چین و کشورهای منطقه مخصوصاً روسیه افزایش یافته است، آیا این به مفهوم ناامید شدن چین از ادامه همکاری اقتصادی با آمریکا و غرب نیست؟» گفت: این پرسش نیاز به بررسی‌های کارشناسانه دارد ولی می‌خواهم توضیح دهم که حجم مناسبات چین و آمریکا بسیار زیاد بوده و حجم مبادلات تجاری چین و روسیه وابسته به مناسبات چین و آمریکا نیست و برخلاف شما که نگاه سیاسی دارید از نظر من باید بسیاری از مسائل در ابعاد دیگر بررسی شود!

و پرچم خود را به اهتزاز در آورند، در آن صورت، چطور؟ مشاور امنیت ملی در پاسخ گفت: این موضوع مربوط به شما و پاکستان خواهد بود، نه مربوط به آمریکا.

در جریان این سفر در مورد جریان صلح افغانستان و موضوعات مربوط به گشایش دفتر طالبان در قطر نیز صحبت‌های مفصلی صورت گرفت. مقامات آمریکایی بر روی گشایش دفتر طالبان در قطر تأکید می‌کردند و می‌گفتند که تنها دفتر قطر آدرس مناسبی برای مذاکره با طالبان است.

کرزی پس از این دیدارها، چندین بار از هیات همراه خود پرسید: چرا آمریکا به نمایندگی از طالبان با ما حرف می‌زند؟ این مذاکرات و موضع آمریکا در قبال طالبان، کرزی را بیشتر به آمریکا و جنگ علیه تروریسم مشکوک کرد. به همین دلیل او نیز با ایجاد دفتر طالبان در قطر و امضای بدون قید و شرط توافقنامه امنیتی با آمریکا شدیداً مخالفت کرد.

موضع اصلی آمریکا در رابطه با ملا عمر رهبر طالبان واضح بود. این نادرست نخواهد بود، اگر بگوئیم که در ۱۳ سال گذشته، هیچگاه ملا عمر هدف اصلی جنگ آمریکا نبوده است.

آدرس دقیق و مخفیگاه ملاعمر، از قبل برای آمریکا معلوم بود، اما نیروهای آمریکایی هیچگاه اقدامی برای از بین بردن و یا گرفتن او نکردند.

اکنون که وزارت دفاع آمریکا رسماً این را تأیید می‌کند که ملا عمر و سایر طالبان در افغانستان، هدف جنگ آمریکا نیستند، معلوم می‌شود که این مرحله جدیدی از استراتژی منظم و از قبل برنامه‌ریزی شده است که به اجرا در می‌آید. هر چند این موضوع تازه رسانه‌ای و خبرساز شده است، اما به نظر می‌رسد ایالات متحده آمریکا این تصمیم را از سالها قبل گرفته است.

آنچه مهم است، این است که با اعلام این مساله در شرایط کنونی، وزارت دفاع آمریکا یکبار دیگر جنگ ۱۳ ساله این کشور علیه تروریسم در افغانستان و منطقه را زیر سؤال می‌برد.

چگونه تا پایان سال ۲۰۱۴ طالبان دشمن آمریکا بودند و از آغاز سال ۲۰۱۵ دیگر دشمن نیستند و آمریکا آن‌ها را تعقیب نمی‌کند؟ چرا در طی ۱۳ سال گذشته هزاران افغان تحت نام گروه طالبان در این جنگ کشته شدند و هزاران تن دیگر آنان مجروح و زندانی شدند؟

پس از بیشتر از یک دهه جنگ علیه تروریسم، هنوز هم افغان‌های بیگناه روزانه در کابل و دیگر شهرها و نقاط کشور قربانی تروریسم می‌شوند و مسئولیت آن را طالبان به عهده می‌گیرد یا به طالبان و یا به طالبان نسبت داده می‌شود.

آیا برای آمریکا این حملات دیگر تروریستی و طالبان دیگر تروریست نیست؟ اظهارات اوایل سال ۲۰۱۳ آقای دانیلون اکنون جامه عمل می‌پوشد!

وزارت دفاع آمریکا می‌گوید که پس از دومین روز سال ۲۰۱۵، ملاعمر رهبر گروه طالبان و سایر اعضای این گروه هدف جنگ آمریکا نخواهند بود مگر اینکه آنها تهدید مستقیمی علیه امنیت آمریکا محسوب شوند.

با خواندن این خبر، آخرین سفر رسمی حامد کرزی، رئیس‌جمهور پیشین افغانستان به ایالات متحده آمریکا و مذاکرات و حقایقی که در مورد استراتژی جنگ آن کشور در قبال طالبان روشن شد، در ذهنم تداعی شد.

قبل از این سفر که در اوایل سال ۲۰۱۳ انجام شد، جان کری وزیر امور خارجه کنونی آمریکا که در آن زمان رئیس روابط خارجی مجلس سنای آن کشور بود، روزی در کابل در حضور شماری از مقامات افغان به رییس‌جمهور کرزی گفت که ملا عمر در شهر کراچی پاکستان است و تحت حفاظت نظامیان پاکستان است.

کرزی گفت اگر چنین است پس چرا آمریکا برای دستگیری وی اقدام نمی‌کند؟ آمریکا برای دستگیری وی میلیون‌ها دلار جایزه نقدی اعلام کرده است، به نام او همه روزه مردم بی‌گناه کشته می‌شوند و تحت عنوان طالبان در افغانستان جنگ جریان دارد، اما ملا عمر تحت نظر شما و نظامیان پاکستان در کراچی بسر می‌برد؟

جان کری برای رئیس‌جمهور کرزی جواب قانع‌کننده‌ای نداشت اما گفت که ژنرال کیانی می‌گوید که ملاعمر تحت نظارت ماست. ژنرال کیانی در آن زمان فرمانده نیروهای زمینی ارتش پاکستان بود.

در جریان سفر رئیس‌جمهور کرزی در ماه ژانویه سال ۲۰۱۳ میلادی به واشنگتن، توماس دانیلون، مشاور امنیت ملی آمریکا، در حضور رئیس سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا و دیگر مسئولان بلند پایه آن کشور به رییس‌جمهور کرزی گفت که از آغاز سال ۲۰۱۵ به بعد، طالبان دشمنان آمریکا نخواهند بود و آمریکا دیگر علیه آنان نخواهد جنگید. دانیلون همچنین افزود که آمریکا به جنگ خود علیه تروریسم در افغانستان ادامه خواهد داد.

برای رئیس‌جمهور کرزی این حیرت‌آور بود که مشاور امنیت ملی آمریکا برای کشورش ضرب‌الاجل تعیین می‌کند که تا این سال دشمن آمریکا است و بعد از آن دشمن آمریکا نیست.

کرزی پرسید: بعد از سال ۲۰۱۴ تروریسم چیست و تروریست کیست؟ مشاور امنیت ملی آمریکا در پاسخ گفت: هر آن کس که در افغانستان به سفارت، اتباع و منافع ما حمله و یا آنها را تهدید کند.

کرزی دوباره پرسید: اگر در مملکت ما در یک حادثه انتحاری ۷۰ یا ۸۰ تن جانشان را از دست بدهند، این از نظر شما یک عمل تروریستی خواهد بود؟ مشاور امنیت ملی آمریکا گفت: نه.

کرزی برای اینکه از اظهارات این مقام آمریکایی مطمئن شود، یکبار دیگر سوال کرد: اگر در لباس طالبان چندین هزار تروریست از پاکستان وارد افغانستان شوند و قسمتی از خاک کشور را تصرف کنند

تلاش چین برای تبدیل شدن به ابر قدرت فرهنگی «مؤسسات کنفوسیوس» چیست



چین در پی احیای اقتصاد قاره آسیا کمک مالی به کشورهای حاشیه جاده ابریشم

یک رسانه چینی از سرمایه گذاری چین در حوزه جاده ابریشم و تلاش این کشور برای توسعه همکاریهای صنعتی و زیرساخت های بازرگانی در اقتصاد قاره آسیا خبر داد. چاینا دیلی در گزارشی با اشاره به تصمیم دولت چین برای احیای جاده ابریشم به نماد سنتی گردشگری و جذب گردشگران بسیار به این مناطق گزارش داد که پکن در پی سرمایه گذاری ۴۰ میلیارد دلاری در زیر ساخت ها، حوزه گردشگری و صنایع وابسته به آن و همچنین ارائه کمک های مالی مورد نیاز به کشورهای حاشیه جاده ابریشم است. این رسانه چینی در ادامه با پرداختن به اظهارات «بای اینگ» معاون فرماندار استان «شانسی» از سرمایه گذاری پنج میلیارد یوانی (معادل ۸۰۴ میلیون دلار) چین در بخش گردشگری خبر داد.

چاینا دیلی با اشاره به عبور هزار و ۶۰۰ کیلومتر از جاده ابریشم از استان شانسی می نویسد مقامات این استان در پی سرعت بخشیدن به شبکه حمل و نقل خود بوده و در پنج سال آتی استان «گانسو» به نقاط مهم کشور، شهرها، شهرستان ها و جاده های اصلی مرتبط می شود.

در همین رابطه «شی جین پینگ» رئیس جمهوری چین بر لزوم همکاری کشورهای آسیایی در طرح احیای جاده ابریشم تاکید کرده و اعلام کرده است که چین قصد دارد جاده ابریشم را که در گذشته های بسیار دور شاهراه ارتباطات سیاسی و تجاری بین چین با جهان بود، احیا کند و به این منظور صندوق سرمایه گذاری به ارزش ۴۰ میلیارد دلار ایجاد می کند.

رئیس جمهوری چین پیشتر در دیدار با مقامات کشورهای پاکستان، بنگلادش، لائوس، مغولستان، میانمار، کامبوج و تاجیکستان اعلام کرده بود از گذشته تاکنون، ارتباط آرزوی جامعه بشری بوده و جاده ابریشم نمونه بارزی در این زمینه است، مردم کشورهای آسیا را باید پیشگام این ارتباطات دانست. با توجه به تغییرات جوامع و اصلاحات آن، کشورهای آسیایی باید برای جستجوی توسعه جدید اقتصادی و برتری باهم تلاش کنند.

رئیس جمهوری چین در این دیدار که در حاشیه نشست سران کشورهای سازمان همکاری های اقتصادی آسیا-اقیانوسیه (اِپِک) در پکن انجام شد، پروژه احیای جاده ابریشم را در راستای تلاش چین برای گسترش همکاری های تجاری با هدف بهبود توانمندی اقتصادی آسیا دانست.

این در حالی است که اخیراً رئیس جمهوری افغانستان با سفر به پکن چند توافقنامه همکاری را با دولت چین به امضا رساند. بر این اساس موضوع همکاری دو کشور در احیای مجدد جاده ابریشم از جمله موضوعات مورد گفتگو بین مقامات چین و افغانستان بوده است.



دانشگاه همین را از دانشگاه های امریکایی خواست. در بیانیه این انجمن آمده بود که: «مؤسسات کنفوسیوسی مثل بازوی حکومت چین عمل می کنند و در استخدام و اداره دانشگاهیان، انتخاب درس ها و تعریف دامنه بحث، اهداف حکومت چین را پیش می برند.»

اما مدافعان غربی مؤسسات کنفوسیوس با تاکید بر اینکه کار این مراکز عمدتاً آموزش زبان است، ادعای شستشوی مغزی دانشجویان خارجی توسط دولت چین را رد می کنند. علاوه بر این، آن ها مؤسسات کنفوسیوس را به خاطر فراهم آوردن امکان آموزش زبان چینی برای دانشگاه هایی که توان مالی راه اندازی اش را ندارند، بسیار مفید ارزیابی می کنند.

استدلال مدافعان این است که کمک مالی دولت چین با انبوه همکاری های دیگر در زمینه های دولتی و صنعتی تفاوتی ندارد؛ همکاری هایی که مدت هاست بخش جدایی ناپذیر دنیای آکادمیک مدرن است. آن ها می گویند مؤسسات کنفوسیوس را باید با عمل شان سنجید، نه با اصول و معیارهای انتزاعی.

اما در پایان گزارش فوق، بی بی سی با هدف تقویت جناح مخالف چین، این سؤال جهت دار را مطرح می کند که: «اگر در عمل یک دانشجوی فرضی از ته یک کلاس زبان چینی دست بلند کرد و در مورد استقلال تایوان پرسید، چه؟»

رئیس سازمان هان یان پاسخ این سؤال رسانه دولتی انگلیس را با صراحت می دهد: «هر مدرسی که ما می فرستیم، خواهد گفت: تایوان مال چین است. یک چین بیشتر نداریم. جای تردید نیست.»

«هان یان» به عنوان یک موسسه دولتی چین به دانشگاه های خارجی پول می دهد که مراکز مطالعات فرهنگ و زبان چینی تأسیس کنند تا موجب افزایش قدرت فرهنگی چین شود.

«هان یان» سازمانی دولتی است که وظیفه اش تبلیغ و ترویج آموزش زبان چینی در کشورهای دیگر است. در ده سال گذشته یک هدف دیگر هم به اهداف سازمان اضافه شده: هدفی که در واقع بخشی از سیاست خارجی این کشور است: تبدیل چین به یک قدرت فرهنگی.

به نوشته وبسایت بی بی سی، در اهمیت وظیفه این سازمان همین بس که مقام رئیس آن در سطح معاون وزیر است. از سال ۲۰۰۴ هان یان به دانشگاه های خارجی پول می دهد که مراکز مطالعات فرهنگ و زبان چینی تأسیس کنند. اسم این مراکز را گذاشته اند: «مؤسسات کنفوسیوس».

دولت چین به جز پول، مدرس های چینی هم به دانشگاه ها می فرستد. در این ده سال در ۴۶۵ دانشگاه از ۱۲۳ کشور دنیا مؤسسه کنفوسیوس تأسیس شده و برنامه ای مشابه در صدها دبیرستان خارجی هم اجرا می شود.

رسانه دولتی انگلیس می افزاید: کل پروژه، نمونه موفق است از گسترش «قدرت نرم». اما با بزرگ شدن اعداد و ارقام، دغدغه دانشگاهیان غربی هم بیشتر شده است و محققان و مدرسان فکر می کنند این پروژه آزادی اندیشه و بیان را در فضای آموزشی به خطر می اندازد.

سال گذشته انجمن مدرسان دانشگاه کانادا از همه دانشگاه هایی که مؤسسه کنفوسیوس دارند خواست تعطیل شان کنند. امسال هم انجمن امریکایی استادان



نشال ایتروست برسی کرد: آیا «آبه ژاپن»، آبه آسیا و آبه جهان می شود؟

یاسوکونی نیست و در زمینه مسئله آزادی عمل زنان به بهترین دیپلماتهای خود اجازه می دهد تا به صورت مجرمانه درباره طرح ابتکاری بیشتر برای التیام بخشیدن به رنجهای زنان مذاکره کنند و به پارک گئون های رئیس جمهوری کره جنوبی نیز اجازه پیوستن به این طرح را برای حذف این موضوع از دستور کار سیاسی موجود بین ژاپن و کره می دهد. سال ۲۰۱۵ با توجه به بیانیه آبه در بزرگداشت هفتادهمین سالگرد پایان جنگ جهانی دوم از اهمیت بالایی برخوردار است اما پیام اصلی تاریخ باید تعهد وی به بیانیه موراایاما و همچنین تصمیم نخست وزیر ژاپن برای فراموش نکردن این موضوع باشد که ژاپن در طول تاریخ مرتکب جنایاتی شده است. در صورت شناسایی این حقایق در سال ۲۰۱۵، آبه می تواند اقدامات مصمم تر بیشتری را برای تبدیل «آبه ژاپن» به «آبه آسیا» و «آبه جهان» انجام دهد.

دیدگاه بدبینانه این است که بیانیه ۲۰۱۵ آبه منحصر «آینده گرا» بوده زیرا با هدف اعلام این موضوع به جهان صادر شده است که ژاپن همه چیز را برای آشتی با گذشته انجام داده است و در آینده تلاش گسترده ای را برای تبدیل به یک کشور دموکراتیک و صلح آمیز انجام می دهد. پیام های کلیدی، فراموشی گذشته و فعالیت جمعی برای آینده است. از سوی دیگر انتظار نمی رود که کابینه اقدام بیشتری را در زمینه آزادی عمل زنان انجام دهد. آبه در زمینه معبد یاسوکونی ملی گرایان را تحت فشار قرار می دهد زیرا بر این باورند که فشار از سوی اتحاد شنی چینینگ-پارک گئون های، ژاپن را تحقیر کرده و بنابراین نخست وزیر ژاپن باید بار دیگر غرور و انطاف پذیری ژاپن را با بازدید از این معبد به رخ بکشد که در صورت انتخاب این مسیر آبه با وجود ارتقای موقعیت سیاسی داخلی خود به سمت انزوای جهانی پیش می رود.

یک مسئله دیگر که باید در اینجا مورد بحث قرار گیرد، موضوع اوکیناوا است. نامزدهای غیر LDP که مخالف انتقال پایگاه هوایی فوتنما به سواحل هونکو بودند، آرای بیشتری را در انتخابات کسب کرده که این موضوع نشان دهنده گرایش کلی به سوی رد گزینه هونکو است. با وجود آنکه دولت توجه ویژه ای را به هویت اوکیناوا دارد، یک مسئله طولانی نادیده گرفته شده است و ممکن است که این موضوع به دشوارترین چالش امنیتی، دفاعی و مسئله سیاست خارجی در کابینه سوم آبه تبدیل شود.

پیشبرد سیاست های اقتصادی موسوم به «آبه نومیکس» که همان فلش سوم مقررات زدایی و توسعه اقتصادی، تجدید حیات مناطق و غیره است، یکی دیگر از موضوعات مهم در دستور کار نخست وزیر ژاپن است که موفقیت یا شکست در این زمینه ها ممکن است تاثیر قابل توجهی را بر حیات سیاسی آبه بگذارد.

در حال حاضر تمرکز بر بحث پارلمانی در زمینه تدوین تصمیم کابینه در روز اول جولای است که مجوز اعمال حق جمعی برای دفاع از خود را به ژاپن می دهد. از سوی دیگر به نظر نمی رسد که نیاز واقعی برای بازنگری در قانون اساسی با هدف ایجاد اطمینان در عرصه سیاست نظامی و امنیتی فعال ژاپن وجود داشته باشد. احتمال می رود که وزارت امور خارجه نقش فعال تر را در عملیات حفظ صلح (PKO) و اقدامات تحت قطعنامه های شورای امنیت سازمان ملل متحد داشته باشد که از جمله این قطعنامه ها می توان به تصویب «قانون دائمی» اشاره کرد که در مواجهه با قطعنامه افغانستان در سال ۲۰۰۱ و قطعنامه عراق در سال ۲۰۰۳ مطرح شد اما نیازمند اصلاح قانون اساسی نبود.

در واقع، به نظر نمی رسد تا زمانیکه حزب کومیتو بخشی از ائتلاف حاکم باقی بماند، تجدید نظر بیشتر در ماده ۹ قانون اساسی امکان پذیر باشد. در صورت بازنگری در قانون اساسی ژاپن مسائلی همچون حقوق زیست محیطی و سیاست های عمومی با حقوق مالکیت زمین از اهمیت بیشتری برخوردار می شوند. دوم اینکه، این روزها صحبت از وقایع تاریخی همچون بازدید از معبد یاسوکونی یا آزادی عمل زنان در ژاپن می شود. در طول مبارزات انتخاباتی، تمام احزاب، رسانه ها و دانشگاهیان نسبت به این موضوع سکوت کامل اختیار کرده بودند اما هم اکنون دو احتمال وجود دارد. نگاه خوشبینانه این است که آبه بیش از یک رئالیست و شنونده خوب در قبال دستیارانش است، وی در پی بازدید از معبد

تضعیف شده است. در همین رابطه تورو هاشیموتو استعفاي خود را از سیاست های ملی به خاطر تمرکز بر سیاست های منطقه ای اوساکا اعلام کرد و بدین ترتیب «ادا کنجی» که دیدگاه متوازن تری را در قبال موضوعات دولتی دارد، ریاست این حزب را برعهده گرفت. حزب سیاسی دیگر حزب کمونیست است که با کسب ۱۳ کرسی شمار کرسی های این حزب به ۲۱ کرسی در پارلمان رسید.

این نتایج می تواند عواقبی را برای سیاست آبه به همراه داشته باشد، به ویژه در مسائل مربوط به امنیت، سیاست و تاریخ. دو فرضیه در اینجا مطرح می شود. تحلیلگران خوشبین بر این باورند که چشم انداز سیاسی همراه با آمادگی آبه برای توجه به دستیاران رئالیست میانه رو از وزارت امور خارجه همچون «شوتارو یاجی» نخست وزیر را قادر ساخته تا رویکرد متعادل تری را در پیش بگیرد که وی را هم تراز با افکار عمومی جهانی از جمله دیدگاه آمریکا و اروپا می کند.

تحلیلگران بدبین نیز بر این باورند که ترکیبی از اکثریت قدرتمند در مجلس نمایندگان باید با احتیاط باشد زیرا تغییر جزر و مد سیاسی به سوی لیبرال ها باعث شده تا راستگرا-ملی گرا قوی تر شده و آبه حق انتخاب داشته باشند اما تنها برای گوش دادن و اجرای نظرات آنها. این نشریه غربی در ادامه با اشاره به برنامه امنیتی و نظامی نخست وزیر ژاپن می نویسد: آبه پس از انتخابات اعلام کرد که تجدید نظر در قانون اساسی یکی از اهداف مهم سیاسی وی است. تا آنجا که به ماده ۹ مربوط می شود، وظیفه اصلی

نشریه نشنال ایتروست در گزارشی دستور کار سیاست امنیتی و خارجی نخست وزیر ژاپن را مورد ارزیابی قرار داد. نشنال ایتروست در این گزارش تحت عنوان «دستور کار سیاست امنیتی و خارجی شینزو آبه نخست وزیر ژاپن» نوشت: پیروزی آبه و حزب لیبرال دموکرات در انتخابات ماه دسامبر در ژاپن حکایت از تغییر قدرت از موضع راستگرا-ملی گرا به سوی لیبرالیسم است.

حزب «ناسیونالیست افراطی برای نسل های آینده» که ۱۷ کرسی را از دست داد، تنها دو نماینده خود را در پارلمان حفظ کرد. این حزب ملی گرایان را گردهم آورده است. «ایشیمهارا شینتارو» به عنوان آخرین نامزد در فهرست انتخاباتی این حزب نتوانست هیچ کرسی ای را در پارلمان از آن خود کند و فوراً اعلام کرد که عرصه سیاست را ترک می کند.

«توشیو تاموگامی» یکی از فرماندهان پیشین نیروی هوایی ژاپن که به دلیل داشتن ایده های ملی گرایانه معروف است، خواستار کناره گیری حزب کومیتو از قدرت برای دستیابی به یک دستور کار نظامی محافظه کار شد. شکست وی نماینده بوده و نشان دهنده شکست دیدگاههای ملی گرایانه به خصوص در زمینه نظامی است.

حزب دموکراتیک ژاپن در انتخابات ۱۱ کرسی را بدست آورد و هم اکنون ۷۳ کرسی را به طور کلی در پارلمان از آن خود کرده است. حزب «احیای ژاپن» نیز یک کرسی را از دست داد و هم اکنون ۴۱ را تصاحب کرده است اما نفوذ «تورو هاشیموتو» شهردار ملی گرای بانفوذ در اوساکا بطور قابل توجهی

بی بی سی تحلیل کرد؛

استرداد لطیف محسود به پاکستان چه معنایی دارد؟



مقامات پاکستانی تایید کرده اند که نیروهای آمریکایی مستقر در افغانستان، لطیف محسود یکی از رهبران ارشد گروه طالبان پاکستان را به این کشور تحویل داده اند. روز گذشته اعلام شد که لطیف الله محسود از رهبران طالبان پاکستان به این کشور مسترد شده است. در حالیکه برخی اخبار حاکی از همکاری دولت افغانستان و پاکستان در این استرداد بود اما اعلام شد این استرداد محسود ارتباطی با دولت افغانستان نداشته و توسط آمریکا صورت گرفته است.

بی بی در تحلیلی به بررسی این موضوع پرداخته که استرداد محسود به پاکستان از سوی نیروهای آمریکایی در افغانستان به چه معنایی است که در ادامه از نظر می گذرد.

کشور به مبارزه با ستیزه جویان و تروریسم موافقت کرده است. به گفته تحلیلگران اعلام کشته شدن فرمانده ارشد القاعده در وزیرستان جنوبی از سوی نیروهای پاکستان و سپس خبر کشته شدن یکی دیگر از رهبران این شبکه یعنی عمر فاروق توسط هواپیماهای بدون سرنشین را می توان در چارچوب این دیدارها و تحولات ارزیابی کرد. در همین رابطه نیز آزادی لطیف محسود از سوی آمریکا و تحویل او و دو همراهش به پاکستان می تواند کمی معنا پیدا کند.

وجود داشت، باقی نمانده است. با کشته شدن حکیم الله محسود رهبر این گروه و سپس عملیات ارتش پاکستان علیه ستیزه جویان در منطقه مرزی این کشور که از اواسط سال جاری میلادی با نام «ضرب غضب» شروع شد، انسجام این گروه در هم شکسته است. تعداد زیادی از اعضای این گروه کشته شده و تعدادی نیز از صفوف آن جدا شده یا اعلام کرده اند که به اهداف پاکستانی حمله نخواهند کرد و یا تحت فشار زیاد حملات علیه خود، حوزه عملیاتی چندانی برای آنها باقی نمانده است. با این اوصاف به گفته برخی از ناظران منطقه ای می توان لطیف محسود را به نوعی «مهره سوخته» نامید که شاید در حال حاضر ارزش چندانی برای کمک به آنچه که ظاهراً افغانها به دنبال آن بوده اند ندارد.

زمان گزارش شد که لطیف محسود برای دیدار با برخی از مقامات امنیتی افغان در منطقه بوده است؛ نکته ای که به صراحت مورد تایید یا تکذیب مقامات امنیتی این کشورها قرار نگرفت.

ملا برادر و حادثه ای مشابه

حادثه ای مشابه چهار سال قبل در پاکستان و به هنگام بازداشت «ملا عبدالغنی برادر» از رهبران طالبان افغانستان اتفاق افتاد. ملا عبدالغنی برادر که از او به نام رئیس شورای کویته نیز نام برده می شد، در سال ۲۰۱۰ میلادی در جریان آنچه که عملیات مشترک نیروهای سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا «سیا» و نیروهای امنیتی پاکستان خوانده شد، در شهر کراچی مرکز ایالت سند این کشور بازداشت شد. اگرچه ابهامات مشابهی نیز درباره این عملیات از همان ابتدا بروز کرد. به دنبال بازداشت ملا برادر، بارها در مطبوعات افغانستان و پاکستان، از تمایل او به روند صلح سخن گفته شد. عده ای بر این باورند که ملا برادر پس از آن بازداشت شد که تماسهایی با دولت افغانستان برقرار کرد در اواخر سپتامبر سال گذشته میلادی اعلام شد که مقامات پاکستانی «برادر» را آزاد کرده اند.

مهره سوخته؟

آزادی ملا برادر کمکی به روند صلح در افغانستان آن گونه که دستکم از سوی برخی از مقامات افغانستان بر آن تاکید می شد، نکرد. با این احتساب اکنون آزادی لطیف محسود چه کمکی می تواند در این روند بکند؟ این نکته از آنجا اهمیت پیدا می کند که محسود در زمانی آزاد شده که در عمل چیزی به نام تحریک طالبان پاکستان به مفهوم آنچه که تا سال گذشته میلادی

لطیف محسود از نزدیکان حکیم الله محسود، رهبر سابق تحریک طالبان پاکستان موسوم به «تی تی پی» است. حکیم الله محسود در نوامبر سال گذشته میلادی (۲۰۱۳) در حمله هواپیماهای بدون سرنشین (درون/بهباد) کشته شد.

بر اساس گزارش ها لطیف محسود در اکتبر سال گذشته میلادی (۲۰۱۳) یعنی حدود یک ماه پیش از کشته شدن رهبر طالبان پاکستان، در منطقه مرزی «غلام خان» در ولایت شرقی لوگر افغانستان و هم مرز با پاکستان بازداشت شد.

در خصوص این حادثه ابهاماتی وجود دارد که می تواند تا حدودی تلاش پاکستان برای استرداد وی را توجیه کند.

او مدتی راننده حکیم الله محسود و زمانی نیز از محافظان او بود. بر اساس برخی گزارشها، رهبر سابق طالبان پاکستان سپس او را به عنوان دستیار ارشد خود تعیین کرد که گفته می شود این اقدام با واکنشهایی در بین صفوف طالبان مواجه شد.

به دنبال اعلام بازداشت محسود گزارشهایی از «خشم» حامد کرزی رئیس جمهوری سابق افغانستان از این اتفاق به بیرون درز کرد و برخی از رسانه های غربی به نقل از نزدیکان آقای کرزی نوشتند که نیروهای آمریکایی محسود را که در اختیار مقامات امنیتی افغان بود با زور از دست آنها بیرون کشیده و به بازداشتگاههای تحت امر خود بردند.

ظاهراً بر اساس گزارشها، نیروهای امنیتی افغان در صدد ایجاد رابطه با ستیزه جویان طالبان پاکستان و کمک به کاهش درگیریها و روند صلح و مذاکره با طالبان بوده اند و این اقدام آمریکا در عمل بر بنیاد این تلاشها ضربه زده است. طالبان پاکستان به ویژه در آن زمان خود را پیرو ملا محمد عمر، اعلام کرده بود. در همان

به نظر می رسد که آزادی محسود و دو نفر از نزدیکان او بیشتر تحت تاثیر رابطه آمریکا و پاکستان بوده است

محسود که با توجه با تحولات اخیر در روند صلح و مذاکره با طالبان تاثیر چندانی ندارد بالقوه می تواند مهره اطلاعاتی خوبی برای پاکستان باشد تا در بلند که چگونه احتمالاً وی با نیروهای امنیتی افغانستان در ارتباط بوده و با چه اهدافی توانسته به آنها نزدیک شود. شاید همین نکته باشد که مقامات افغانستان درباره آزادی وی به صراحت سخن نگفته و اعلام کرده اند که آن را دست بررسی دارند.

به هر صورت و جدای از این تحولات شاید بشود یک نکته را با روشنی بیشتری عنوان کرد که با خروج نیروهای ائتلاف از افغانستان و ادامه تنش های داخلی سیاسی در افغانستان، نبرد تازهای در منطقه ایجاد شده باشد

از مهمترین تحولات در حوزه آمریکایی لاتین در ماه گذشته مربوط به تغییر سیاست آمریکا در قبال کوبا بعد از آزادی زندانیان آمریکایی توسط کوبا بود که بعد از حدود نیم قرن تیرگی روابط بین دو کشور رهبران دو کشور با ایراد سخنانی از آغاز تلاش های خود برای برقراری مجدد روابط دیپلماتیک بین دو کشور خبر دادند.

در پی این خبر در رسانه های جهان از تصمیم آمریکا برای تغییر سیاست های خود در قبال کشورهای آمریکایی لاتین و آغاز فصل جدیدی در روابط کشورهای این منطقه منتشر شدند که اکثر اعلت چرخش سیاست های آمریکا را بی تاثیر بودن سیاست تحریم و تلاش برای انزوای کوبا توسط آمریکا خواندند.

«نیکلاس مادورو» رئیس جمهور ونزوئلا که از منتقدین سیاست های آمریکا در منطقه و سطح جهان است و روابط خوبی هم با هاوانا دارد بعد از آب شدن یخ روابط آمریکا و کوبا در اظهاراتی در واکنش به تحولات اخیر ایحای روابط کوبا - آمریکا را به منزله ایجاد تغییرات در آمریکای لاتین خوانده و اعلام کرد، توافق ۱۷ دسامبر نشان داد که کوبا و آمریکا موافق ایحای روابط دیپلماتیک بوده و این نتیجه تغییرات سیاسی در آمریکای لاتین بوده و این موضوع به درک این مسئله از سوی آمریکا کمک می کند اما همچنان راه بسیاری باقی مانده است تا واشنگتن اذعان کند ما دیگر حیات خلوت آنها نیستیم.



آمریکای لاتین

دبیر: پیمان یزدانی

چرخش ۱۸۰ درجه‌ای سیاست خارجی آمریکادر قبال آمریکای لاتین

مذاکره معاون رئیس جمهوری آمریکا با روسای جمهور ونزوئلا و برزیل حکایت از تغییر نوع نگاه واشنگتن به آمریکای لاتین است.

معاون رئیس جمهوری آمریکا در دیدار با رئیس جمهوری برزیل از تلاش واشنگتن برای بهبود روابط تیره خود با برزیل خبر داد. جو بایدن در دیدار با نیکلاس مادورو رئیس جمهوری ونزوئلا از بهبود روابط دوجانبه سخن گفت.

اگرچه بایدن در این گفتگو از آزادی زندانیان سیاسی سخن گفت و مادورو نیز بر لزوم محترم شمردن حقوق مردم ونزوئلا از سوی آمریکا و همچنین عدم دخالت در امور داخلی این کشور تاکید کرد. اظهارات مقام آمریکایی حکایت از گردش ۱۸۰ درجه‌ای واشنگتن در مواضع خود و گرایش به سمت آمریکای لاتین بود.

«جو بایدن» معاون اول رئیس جمهوری آمریکا همچنین در دیدار با دیلما روسف رئیس جمهوری برزیل در برازیلیا با تاکید بر لزوم گسترش همکاریها در زمینه مسائل منطقه و جامعه بین الملل اعلام کرد که آمریکا در پی بهبود روابط تیره خود با

برزیل است.

در همین رابطه «رائول کاسترو» رئیس جمهوری کوبا در پیامی تلویزیونی گفت کشورش روابط دیپلماتیک خود را با ایالات متحده از سر می گیرد.

رئیس جمهوری کوبا از اظهارات «باراک اوباما» رئیس جمهوری آمریکا در مورد عادی سازی روابط واشنگتن با هاوانا استقبال کرد. وی ساعتی پیش در پیامی تلویزیونی از آغاز مجدد مناسبات دیپلماتیک دو کشور خبر داد.

این در حالی است که روابط سیاسی کوبا و آمریکا در زمان ریاست جمهوری «جان اف. کندی» در دهه ۱۹۶۰ میلادی به تیرگی گرایید و پس از آن واشنگتن تحریم های

سنگینی را علیه هاوانا و مقامات سیاسی آن وضع نمود.

اوباما نیز اعلام کرده است که دولتش به دنبال تغییر در مناسبات خود با مردم کوبا است و در این راستا به زودی سفارت خود را در هاوانا بازگشایی می کند. رئیس جمهوری آمریکا گفت کشورش دست دوستی به سوی کوبایی ها دراز می کند. وی همچنین این اقدام را بارزترین واقعه در تاریخ ۵۰ ساله روابط پرتنش دو کشور نامید.

باراک اوباما رئیس جمهوری آمریکا در کنفرانس خبری آخر سال خود با بیان اینکه تحریم های کوبا فوراً لغو نمی شود، از سرگیری روابط دیپلماتیک دوجانبه را زمان بر خوانده است.



وی با طرح این ادعا که کوبا مردمش را سرکوب می کند، در عین حال اعتراف کرد که ۵۰ سال انزوا موثر نبوده و نتوانسته کوبا را از مواضع خود عقب بکشد.

رئیس جمهوری ونزوئلا نیز احیای روابط کوبا-آمریکا را به منزله ایجاد تغییرات در آمریکای لاتین خوانده و اعلام کرده است توافق ۱۷ دسامبر نشان داد که کوبا و آمریکا موافق احیای روابط دیپلماتیک بوده و این نتیجه تغییرات سیاسی در آمریکای لاتین بوده و این موضوع به درک این مسئله از سوی آمریکا کمک می کند اما همچنان راه بسیاری باقی مانده است تا واشنگتن اذعان کند ما دیگر حیات خلوت آنها نیستیم!

مادورو تاکید کرد:

توانایی ونزوئلا برای مقابله با حملات استراتژیک آمریکا



رئیس جمهوری ونزوئلا با اشاره به توانایی کاراکاس برای مقابله با حملات استراتژیکی آمریکا از شکست جنگ نفتی خبر داد.

به نقل از گلوبال تایمز، نیکلاس مادورو در گفتگو با خبرنگاران در دوحه قطر اعلام کرد که در سفر به کشورهای صادر کننده نفت در پی توافق جدید برای افزایش قیمت نفت جهانی هستیم.

مادورو ضمن بررسی طرح های اقتصادی و استراتژی های لازم برای تقویت و احیای بازار نفت خام در جهان تاکید کرد که ونزوئلا توانایی لازم را برای مقابله با حملات استراتژیکی و از پیش برنامه ریزی شده آمریکا در زمینه اقتصاد نفتی دارد.

مادورو با بیان اینکه آمریکا در پی نابودی تمام کشورهای عضو اوپک با هدف کنترل منابع انرژی خود است، تاکید کرد ایالات متحده این جنگ نفتی را به دلیل عدم تبعیت کشورهای تولید کننده نفت خام از دستورات نظام کابینالیسیمی واشنگتن آغاز کرده است.

رئیس جمهوری ونزوئلا با اشاره به تخریب اقتصاد جهانی از سوی نظام سرمایه داری آمریکا تاکید کرد که ایالات متحده در پی کنترل منابع انرژی ما و کاهش نرخ نفت است اما جنگ نفتی را با اقتصاد قوی شکست می دهیم.

مادورو با بیان اینکه ونزوئلا در حال افزایش

میلیاردها دلار سرمایه گذاری در سالهای ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ است، گفت ایجاد سرمایه گذاری ها در زمینه واردات و اجرای پروژه های توسعه یافته در کشورمان باعث می شود تا با پیامدها و عواقب ناشی از افت جهانی قیمت نفت مقابله کنیم و در جریان سفر به کشورهای عضو اوپک نیز به توافقاتی با چین، ایران، عربستان سعودی و قطر در این زمینه دست یافتیم.

رئیس جمهوری ونزوئلا با اشاره به افتتاح خط پرواز مستقیم بین کشورش و قطر تاکید کرد که گشایش مسیر پرواز دوحه و کاراکاس گامهایی را برای تبادل فرهنگ، اقتصاد و گردشگری بین دو کشور باز می کند.

رسانه ها همچنین از تظاهرات هزاران نفر از مردم ونزوئلا در کاراکاس به منظور نشان دادن حمایت از نیکلاس مادورو و سفرش به کشورهای عضو اوپک، خروج از بحران نفتی موجود و همچنین حمایت از تلاش ها برای جلوگیری از ادامه روند حملات نفتی آمریکا علیه این کشور خبر دادند.

تظاهرات کنندگان در این تظاهرات که از سوی رهبران حزب سوسیالیست متحد ونزوئلا و از میدان «میراندا دل سیلنسیو» کاراکاس برگزار شد و تا میدان بولیوار ادامه داشت، حمایت خود را از مسیر انقلابی هوگو چاوز رهبر فقید ونزوئلا اعلام کردند!

در توافق شکل گرفته بین واشنگتن و هاوانا مواردی از جمله آزادی تبادلات اقتصادی و تکنولوژیک گنجانده شده است. آمریکا قرار است در اینکه کوبا را به عنوان «حامی تروریسم» می‌شناسد، بازنگری کند. همچنین آمریکا قرار است در شرایط سفر شهروندان خود به کوبا که در حال حاضر تقریباً ممنوع است تغییراتی ایجاد کند.

بر اساس توافق حاصل شده، قرار است از محدودیت‌های مالی از جمله محدودیت‌های فعالیت‌های بانکی یا کوبا کاسته شده و برای رفع تحریم‌های ۵۴ ساله علیه کوبا تلاش شود. همچنین قرار است از فعالیت‌های بخش خصوصی در کوبا حمایت شود.

بر اساس توافقات اولیه آمریکا مجاز است برای صادرات تجهیزات ارتباطی، نرم‌افزاری و زیرساخت‌های اینترنت به کوبا اقدام کند. بر اساس توافق اعلام شده همچنین قرار است باراک اوباما در آوریل ۲۰۱۵ در نشست اجلاس سران قاره آمریکا که راتل کاسترو نیز در آن حضور دارد شرکت کند.

بر اساس گزارش‌ها قرار است دو کشور سفارت خانه‌های خود را در ماه‌های آتی بازگشایی کنند.

پس از اقدام اوباما در اعلام تغییر سیاست‌های آمریکا در قبال کوبا و تصمیم برای مبادله اسرا میان واشنگتن و هاوانا می‌گذرد اما به نظر می‌رسد که نمایندگان کنگره بعد از بازگشت از تعطیلات سال نو با این اقدام باراک اوباما مقابله کنند.

اوباما با اعلام اینکه سیاستی که آمریکا در پنج دهه گذشته برای منزوی کردن کوبا به اجرا گذاشته بود نتیجه بخش نبوده از تغییر سیاست‌های واشنگتن در قبال هاوانا خبر داد، اما سیاستمداران جمهوریخواه آمریکا از منتقدان تصمیم اخیر دولت اوباما بودند. «مارکو روبیو» سناتور جمهوریخواه، از سیاست جدید آمریکا انتقاد کرد و گفت تصمیم اخیر هیچ یک از موضوعات مرتبط با سیستم سیاسی کوبا و نقض حقوق بشر در این کشور را هدف ننگرفته است.

از همین رو به نظر می‌رسد جمهوریخواهان کنگره که اکنون شمار آنها در سنا نیز افزایش یافته و قصد دارند که دو سال آخر ریاست جمهوری اوباما را تبدیل به دورانی تلخ برای وی کنند، در مورد بهبود روابط با کوبا به مخالفت با برنامه‌های اوباما برخیزند. البته تغییر سیاست آمریکا در قبال کوبا پس از انجام مذاکرات محرمانه که یک سال طول کشیده بود میسر شد.



سیاست گشایش روابط آمریکا و کوبا در دست انداز کنگره



رئیس دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آلابامای جنوبی آمریکا:

سیاست آمریکا در قبال کوبا موجب انزوای خود واشنگتن شد

پروفسور «نادر انزوار» رئیس دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آلابامای جنوبی آمریکا در مصاحبه‌ای به برخی سوالات درباره تحولات اخیر در روابط کوبا و آمریکا پاسخ داد که به شرح زیر است:

|| عوامل اقتصادی مثل کاهش قیمت نفت در بازارهای جهانی تا چه حدی در این نزدیکی کوبا و آمریکا تأثیر گذار بوده‌اند به ویژه درباره کوبا؟
عوامل اقتصادی به ویژه کاهش قیمت نفت حتماً در این تصمیمات تأثیر داشته است به ویژه در تصمیم کوبا برای از سرگیری روابط دیپلماتیک با آمریکا. حقیقت این است که بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق و از دست دادن حمایت‌های مالی این کشور توسط کوبا موجب شد تا هاوانا برای از سرگیری روابط با آمریکا آماده شود اما مانع و مشکل اصلی در واشنگتن بودن نه هاوانا

|| تصمیم به عادی سازی روابط برای آمریکا ضروری بود یا کوبا؟
دیگر سیاست قدیمی تلاش برای منزوی کردن کوبا موثر نبود و بی تأثیر بود و حتی برخی سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی هم مثل مجمع عمومی سازمان ملل سیاست‌های آمریکا در قبال کوبا را محکوم می‌کردند و تنها کشورهایی که همراه با آمریکا علیه کوبا رای می‌دادند اسرائیل و برخی کشورهای ذره‌ای در اقیانوسیه بودند. این آمریکا بود که در نظر جامعه جهانی منزوی شده بود و نه کوبا.

سیاست خارجی آمریکا از دست داده اند. حتی در شهرهایی مثل فلوریدا و میامی مخالفان و لابی‌های قدیمی کوبایی تضعیف شده‌اند و نسل جدید و سوم کوبایی‌ها که در این مناطق به سر می‌برند تندی و سرسختی پدران و گذشتگان خود را در مخالفت با کاسترو از دست داده‌اند. علاوه بر این به خاطر افزایش تعاملات تجاری اروپایی‌ها با کوبا تحریم‌های آمریکا علیه این کشور بی‌اثر شده‌اند. به این دلایل نهایتاً باراک اوباما تصمیم گرفت تا فصل جدیدی را در روابط با کوبا ایجاد کند و از سیاست‌های قدیمی علیه این کشور دست بردارد.

|| این روزها شاهد نوعی آب شدن یخ روابط آمریکا و کوبا هستیم. ارزیابی شما از این مسئله چیست؟
این اقدامی تعجب برانگیز از سوی دولت باراک اوباما بود، اما کاملاً هم غیرمنتظره نبود. مدتی بود که مقامات آمریکا و کوبا برای از سرگیری کامل روابط دیپلماتیک در حال مذاکره بوده‌اند. سیاست‌های آمریکا در قبال کوبا مدت‌های طولانی است که گروه‌گان سیاست‌های داخلی بوده است. با اینحال در سال‌های اخیر مخالفان کوبایی کاسترو که در آمریکا به سر می‌برند از قدرت سابق برخوردار نیستند و جایگاه قبلی خود را در



خبرگزاری آلمان گزارش داد:

دشمنی قدیمی چگونه از بین رفت

که ۸۰ درصد آمریکایی-کوبایی‌ها را در خود جای داده است گزارش داد و گفت جوانان آمریکایی-کوبایی نسبت به نسل قدیمی تر با روی گشاده‌تر به این خبر واکنش نشان دادند.

برخی از تبعیدیان قدیمی تر کوبایی با بدبینی به تغییرات سیاسی تازه نگاه می‌کنند و از تغییر در روند کنونی اداره کوبا ناامید هستند. این در حالی است که باراک اوباما، پس از تماس تلفنی با کاسترو، اعلام کرد آمریکا به حمایت از بسط دموکراسی و حقوق بشر در کوبا ادامه می‌دهد.

سیاستمداران جمهوریخواه آمریکا نیز از منتقدان تصمیم اخیر دولت اوباما بودند. «مارکو روبیو» سناتور جمهوریخواه، از سیاست جدید آمریکا انتقاد کرد و گفت تصمیم اخیر هیچ یک از موضوعات مرتبط با سیستم سیاسی کوبا و نقض حقوق بشر در این کشور را هدف نگرفته است.

در آلمان اما از سیاست جدید دولت باراک اوباما استقبال شد. «فرانک والتر اشتاین مایر» وزیر امور خارجه آلمان، آغاز عادی سازی روابط دو کشور را «خبر خوبی» دانست. او گفت که احترام زیادی برای شجاعت باراک اوباما در پایان دادن به «سیاست غیاب گنگو» قائل است.

لوران فابیوس، وزیر امور خارجه فرانسه نیز از سیاست جدید آمریکا استقبال کرد. به گفته او این چیزی بود که فرانسه مدت‌ها امیدوار بود به وقوع بپیوندد. او اظهار امیدواری کرد تحریم‌ها علیه کوبا نیز لغو شود!

تحقق آزادی زندانیان
آزادی زندانیان دو طرف یکی از توافقات اولیه بین آمریکا و کوبا بود که همزمان با اعلام خبر آغاز عادی سازی روابط دو کشور تحقق یافت. در همین رابطه دو زندانی آمریکایی و سه زندانی کوبایی با یکدیگر مبادله شدند.

آزادی زندانیان چیزی بود که پاپ نیز در اوایل تابستان ۲۰۱۴ با ارسال نامه‌هایی به کاسترو و اوباما خواستار آن شده بود. آلن گروس، پیمانکار آمریکایی، که از پنج سال پیش در کوبا در زندان به سر می‌برد آزاد شد و به آمریکا بازگشت. آلن گروس تا پیش از دستگیری خود به کرات به کوبا سفر کرده بود. گفته می‌شود وی در هنگام دستگیری در سال ۲۰۰۹ مشغول انجام ماموریتی در کوبا از سوی سازمان USAID بود که هدف آن بسط دسترسی به اینترنت و تکنولوژی‌های مهم بود.

کوبا همچنین یک مأمور اطلاعاتی آمریکایی را که نامی از او برده نشده آزاد کرد. او از ۲۰ سال پیش در کوبا زندانی بوده است. سه زندانی آزاد شده کوبایی نیز به کوبا بازگشتند. آنها در حین انجام ماموریتی در آمریکا که گفته می‌شود هدف از آن نفوذ به پایگاه‌های نظامی آمریکا و همچنین جاسوسی درباره کوبایی‌های داخل خاک آمریکا بود دستگیر شده بودند.

واکنش‌ها به یک تصمیم تاریخی

اعلام خبر عادی سازی روابط میان دو کشور واکنش‌های مختلفی در پی داشت. خبرگزاری رویترز از فضای حاکم بر فلوریدا

تماس تلفنی باراک اوباما و راتول کاسترو، که اولین تماس رهبران دو کشور با یکدیگر در پنج دهه گذشته بود، خبر آغاز عادی سازی روابط دو کشور اعلام شد. روابط دیپلماتیک کوبا و آمریکا از ۵۰ سال گذشته قطع بوده است.

موارد توافق شده در مذاکرات

در توافق شکل گرفته بین واشنگتن و هاوانا مواردی از جمله آزادی تبادلات اقتصادی و تکنولوژیک گنجانده شده است. آمریکا قرار است در اینکه کوبا را به عنوان «حامی تروریسم» می‌شناسد، بازنگری کند. همچنین آمریکا قرار است در شرایط سفر شهروندان خود به کوبا که در حال حاضر تقریباً ممنوع است تغییراتی ایجاد کند.

بر اساس توافق حاصل شده، قرار است از محدودیت‌های مالی از جمله محدودیت‌های فعالیت‌های بانکی با کوبا کاسته شده و برای رفع تحریم‌های ۵۴ ساله علیه کوبا تلاش شود. همچنین قرار است از فعالیت‌های بخش خصوصی در کوبا حمایت شود.

بر اساس توافقات اولیه آمریکا مجاز است برای صادرات تجهیزات ارتباطی، نرم‌افزاری و زیرساخت‌های اینترنت به کوبا اقدام کند. بر اساس توافق اعلام شده همچنین قرار است باراک اوباما در آوریل ۲۰۱۵ در نشست اجلاس سران قاره آمریکا که راتول کاسترو نیز در آن حضور دارد شرکت کند.

بر اساس گزارش‌ها، قرار است دو کشور سفارت خانه‌های خود را در ماه‌های آتی بازگشایی کنند.

بخ دشمنی قدیمی میان آمریکا و کوبا پس از اعلام روسای جمهور دو کشور در حال ذوب شدن است، اما این خصومت دیرینه چگونه از بین رفت؟

خبرگزاری آلمان به نقل از مقامات عالی رتبه آمریکا گزارش داد که عادی سازی روابط حاصل یک سال مذاکرات محرمانه بود و گفتگوهای محرمانه میان واشنگتن و هاوانا از بهار ۲۰۱۳ همزمان با صدور مجوز از سوی باراک اوباما برای برقراری ارتباطات «سطح بالا» با کوبا آغاز شده بود.

بر اساس این گزارش، اولین ملاقات رو در رو بین تیم مذاکره کننده آمریکا و کوبا ژوئن ۲۰۱۳ در کانادا انجام شد. کانادا از آن پس یکی از محل‌های اصلی مذاکرات بود، البته طرف کانادایی در مذاکرات حضور نداشته است.

در حالی که رسانه‌های مختلف به نقش پاپ فرانسیس، رهبر کاتولیک‌های جهان، در آغاز روند تازه در مناسبات دو کشور خبر داده‌اند، خبرگزاری آلمان جزئیات بیشتری را در این رابطه منتشر کرد. خبرگزاری آلمان به نقل از یک مقام آمریکایی خبر داد، در مارس ۲۰۱۴، گفتگوهای باراک اوباما و پاپ فرانسیس که اولین دیدار آنها با یکدیگر بود، بیش از هر چیزی بر مسئله کوبا متمرکز بود.

واتیکان در طول ماه‌های اخیر یکی از دیگر میزبانان هیئت‌های آمریکا و کوبا برای مذاکرات بوده است. در این نشست‌ها دو طرف درباره تهدیدات متقابل از جمله مهیا ساختن مقدمات آزادی زندانیان یکدیگر تبادل نظر می‌کردند. در نهایت روز چهارشنبه گذشته پس از ۴۵ دقیقه

منطقه اوراسیا از جمله مناطقی است که رویدادهای آن منحصر به خود این منطقه جغرافیایی نیست و دارای آثار و نتایج فرامنطقه ای است.

در دی ماه در این منطقه شاهد برگزاری انتخابات پارلمانی ازبکستان بودیم که به گفته «میرزا اولغ بیک عبدالسلام اف» رئیس ستاد مرکزی انتخابات ازبکستان مشارکت در آن بیش از ۱۸ میلیون فرد واجد شرایط رای دهی یعنی ۸۸ درصد بوده است.

همچنین در این ماه، روسیه زیردریایی هسته ای و نامرئی خود موسوم به «ولادیمیر مونوماخ» را که ۱۹ دسامبر رسماً به تسلیحات نیروی دریایی این کشور پیوسته بود، به آب انداخت. ولادیمیر مونوماخ سومین کشتی از زیردریایی های استراتژیک پروژه «بوری» بوده که نمونه ای از آن در جهان وجود ندارد.

در راستای گسترش ناتو به شرق شاهد بودیم که پارلمان اوکراین با ۳۰۳ رای موافق در برابر ۸ رای مخالف به تغییر وضعیت غیرمتعهد اوکراین رای داد امری که راه را برای عضویت این کشور در ناتو هموار می کند. روسیه این اقدام را موجب افزایش تنشها در منطقه دانست. سرگئی لاوروف وزیر خارجه روسیه لغو وضعیت غیرمتعهد اوکراین توسط پارلمان اوکراین را غیرسازنده دانست.

همچنین دکتترین جدید روسیه به امضای پوتین در این ماه رسید. این کشور در دکتترین جدید نظامی خود، ناتو و ایالات متحد آمریکا را به عنوان عمده ترین تهدید علیه امنیت ملی خود دانست. با آن که در محتوای اصلی این دکتترین تغییری ایجاد نشده، اما بخش های تازه ای به آن افزوده شده که بیانگر خطر گسترش ناتو از نظر روسیه است.

همچنین در راستای تلاش برای پایان دادن به اختلافات در شرق اوکراین دیداری بین نمایندگان گروه های جدایی طلب در شرق اوکراین با نمایندگان کی یف در پایتخت بلاروس برگزار شد که نتیجه ای در بر نداشت.

گسترش تحریمهای روسیه توسط آمریکا، پیوستن لیتوانی به حوزه یورو، هشدار روسیه درباره توافق هسته ای اوکراین با آمریکا و انتقال پنج زندانی گوانتانامو به قزاقستان از تحولات دیگر منطقه اوراسیا در ماه گذشته شمسی به شمار می روند.



فارین پالیسی تحلیل کرد: اوکراین و دشمنی خطرناک تر از پوتین

فساد در اوکراین موضوعی است که بواسطه کشمکش میان روسیه و غرب، توجه چندانی به آن نمی شود. اما فارین پالیسی در تحلیلی می نویسد فساد خطری است که به مراتب تهدیدی بزرگتر از پوتین برای اوکراین محسوب می شود. فارین پالیسی در تحلیل خود که به قلم «کریستین کاریل» نگاشته شده می آورد: هم غرب خصوصاً آمریکا و هم اصلاح گرایان داخلی اوکراین از خطری واهمه دارند که بسیار ترسناک تر از تهدیدی به نام پوتین است. اوکراینی ها از دشمنی به نام فرهنگ فساد در کشور خود هراس دارند. آیا دولت جدید اوکراین می تواند با این دشمن درونی مقابله کند؟



مانده های حزب یانوکویچ هستند که در منطقه فعال می باشند. از سوی دیگر، پترو پروشنکو - یا همان سلطان شکلات - هم اکنون کل کشور را مدیریت می کند. این سوال جای پرسش دارد که آیا وی می خواهد لجام زدن به قدرت تاجران را تحمل نماید؟

اصلاح طلبان اوکراین به فارین پالیسی گفته اند که یکی دیگر از مکارترین ثروتمندان این کشور، ایگور کولومبوسکی است که هم اکنون فرمانداری یکی از ایالات مرکزی را بر عهده دارد که از اهمیت راهبردی بالایی برخوردار است. او که در بهار فرماندار درینروپترووسک شد، تنها رهبر منطقه ای بود که در مذاکرات منجر به ائتلاف تشکیل دولت، حضور یافت اما علاوه بر اینها، او قدرت افزون تری را به کار می گیرد و آن مالکیت یکی از پربیننده ترین کانال های تلویزیونی خصوصی در اوکراین است. این الیگارشی یا نخبه، تا جایی پیش رفته که برای خود نیروی نظامی اختصاصی تشکیل داده و آنها را به نبرد با جدایی طلبان طرفدار روسیه در شرق کشور گسیل داشته است.

البته لشنچنکو می گوید که کولومبوسکی این ارتش خصوصی را در منطقه کلیدی حول پالایشگاه اودسا مستقر کرده است که نشان از نوع منافع سیاسی و تجاری وی دارد.

هرچند باید پذیرفت که اصلاحات کامل زمان می طلبد، اما گام های اخیر یاتسنیوک و تلاش های مبارزینی که دیگر اکنون به کار در پارلمان مشغولند، نشانه های امیدبخشی را عرضه می دارند و از سوی دیگر غرب نیز باید پاسخ های مقتضی به این اتفاقات بدهد. برای نمونه، چند سال پیش ۵۰ کارشناس از اتحادیه اروپا جهت اجرای برنامه ای وسیع به اوکراین آمدند تا وضعیت حاکمیت قانون در اوکراین

این کشور نرانند، زیرا غربی ها نگرانند، چراکه می بینند اوکراین هنوز کار درخوری انجام نداده که نشان از آمادگی برای حل مشکلات خود باشد.

برای نمونه، پس از انتخابات پارلمان در ماه اکتبر، یک ماه طول کشید تا احزاب پیروز بتوانند دولت را تشکیل دهند و کابینه جدید هنوز هم سرگردان است تا برنامه ای برای اصلاحات مورد نیاز تدوین نماید.

البته بنا به آنچه نویسنده فارین پالیسی معتقد است، زمینه های امیدوی هم وجود دارد. نخست وزیر - یاتسنیوک - اخیراً اعلام کرد که تعداد کارمندان دولت کاهش خواهد یافت. او گفته که هزینه های عمومی - یعنی بخش دولتی - را تا ده درصد کاهش می دهد. شاید نکته مهم تر این باشد که وی قول اجرای اصلاحات در بخش انرژی را داده است.

این بخش به دلیل فقدان تغییرات متقن باعث شده اوکراین وابستگی کشنده ای به واردات گاز از روسیه داشته باشد. در گذشته این وابستگی، سودهای هنگفتی برای افراد متصل به روسیه در کشور پدید آورده بود که در پشت پرده تجارت گاز با روسیه فعالیت می کردند. اوکراینی ها معتقدند با خشک کردن این مرداب، می توانند ضمن احیاء سرمایه های عمومی کشور، وجهه بین المللی خود را نیز ارتقا بخشند.

عمده را که دستی در فساد دارند و غارتگران اموال عمومی هستند دستگیر نمایند. این ساختار باید بتواند شفافیت پدید آورد و افشای فعالیت های قدرتمندان کشور را سرلوحه خود سازد. مشکل او و دوستانش این است که می خواهند یک برنامه اروپایی گونه (European - Style) برای سرمایه گذاری عمومی در مبارزات سیاسی ایجاد کنند تا تلاشی برای خاتمه بخشیدن به نفوذ سیاسی الیگارشی موجود باشد. الیگارشی قدرتمندی که از تاجران ثروتمند اوکراین تشکیل شده و هنوز استیلای خود بر کشور را حفظ کرده است.

این اصلاح طلبان، خود معترفند که اصلاح نظام مند ساختارهای قضایی - پالیسی - نظامی سال ها به طول خواهد انجامید. همین هفته بود که صندوق بین المللی پول خبر از فاصله بسیار میان تأمین مالی ضروری برای کی یف و نیازهای احتمالی کشور داد. یکی از دلایل نیاز بالای مالی اوکراین: از دست رفتن مناطق مهم صنعتی به دست جدایی طلبان در شرق اوکراین است که با از دست رفتن بازارهای صادراتی روسیه همراه شده و نهایتاً باعث وخیم تر شدن اوضاع اقتصاد در اوکراین گردیده است. این مقدار سرمایه مورد نیاز که به منظور تأمین مالی در اوکراین فرستاده می شود که البته کمتر از حد مورد انتظار است، نزدیک به ۱۵ میلیارد دلار خواهد بود. حال، دولت کی یف برای پر کردن این شکاف بین دو امر مختیر مانده است: یا باید پرداخت های عمومی را به زور کاهش دهد و یا باید از بازپرداخت بدهی های مستقل سر باز زند که باعث نوعی شکست مالی در سال های پیش روی برای کشور خواهد شد.

وضعیت اوکراین هنگامی بدتر می شود که بدانیم کشورهای غربی علاقه ای برای ریختن مقادیر بیشتری نقدینگی به

اعضای مجلس جدید اوکراین و برخی فعالان اجتماعی از جمله اصلاح طلبان این کشور از مساله ای مهم در بطن معمای نجات اوکراین سخن گفته اند. مصاحبه هایی که نویسنده فارین پالیسی با این افراد انجام داده نشان از درگیری ذهنی و اداری کسانی دارد که می خواهند کشوری مستقل و پیشرفته داشته باشند و از کمک های غرب به نحو مؤثرتری بهره ببرند. «سرگئی لشنچنکو» عضو پارلمان جدید اوکراین می گوید: «بهترین راه برای نجات اوکراین چیست؟ اصلاح کشور»

این سیاستمدار تازه وارد معتقد است نبرد با روسیه تنها خط مقدمی نیست که برای بقای کشورش اهمیت دارد بلکه او بیشتر درگیری ذهنی خود را بر مبارزه با فرهنگ فساد و سستی در اوکراین متمرکز ساخته؛ فرهنگی که باعث توقف توسعه در این کشور است. لشنچنکو معتقد است که مبارزه با فساد چالشی بزرگتر از جنگ در شرق اوکراین است.

مصاحبه ای که کریستین کاریل با لشنچنکو نیز هانا هوپکو - دو عضو از اعضای مجلس اوکراین - انجام داده در حاشیه سفری است که آنان در سالگرد سقوط دولت پیشین اوکراین به واشنگتن داشته اند تا طبق گفته فارین پالیسی جایزه ویژه ای در جشن سالگرد پیروزی دریافت کنند. هانا هوپکو نیز یکی از متفکران جهانی سال ۲۰۱۴ فارین پالیسی بود.

لشنچنکو معتقد است که او و دیگر مجلسیان بدنیاال ایجاد ساختاری اداری هستند که در آن ساختار قدرتمند، بتوانند سیاستمداران



سفیر ایران در روسیه مطرح کرد: بی ثباتی دولت-ملت؛ عامل اصلی بروز رادیکالیسم

سفیر ایران در روسیه در یک سخنرانی با اشاره به بحران های متعدد جهانی در دو دهه اخیر و قدرت گرفتن گروه تروریستی داعش در عراق و سوریه، عامل اصلی این بی ثباتی را تضعیف ساختار «دولت-ملت» دانست. انجمن علوم سیاسی روسیه کنفرانس «جهان معاصر با عنوان «تحول نقش کشور در جهان معاصر» در دانشگاه دولتی لومونوسوف مسکو (ام.گ.او) برگزار کرد و از دکتر «مهدی سنایی» سفیر جمهوری اسلامی ایران در فدراسیون روسیه برای سخنرانی در این کنفرانس علمی دعوت نمود. آنچه در ادامه می خوانید متن کامل این سخنرانی است:

تئوری پایان تاریخ از سوی «فرانسویس فوکویاما» و «جنگ تمدن‌ها» از سوی «ساموئل هانتینگتون» برای القای این مفهوم به دنیا بود که یک شیوه زندگی وجود دارد و آن شیوه لیبرال دموکراسی است. عامل سوم، نقض و نادیده گرفتن قواعد حقوق بین الملل است. دولت های غربی با نادیده گرفتن اصل عدم مداخله و بدون مجوز شورای امنیت سازمان ملل، در لیبی و جاهای دیگر حقوق بین الملل را نقض کردند.

عامل چهارم، کاربرد استانداردهای دو گانه است. به عنوان مثال، تأمین شرایط دموکراسی در یمن و بحرین بد است و در جاهای دیگر خوب است. حتی تروریسم به خوب و بد تقسیم می شود. به عنوان نمونه، در سوریه به گروهی از تروریست ها آموزش داده می شود و از آن ها حمایت مالی می شود. در نتیجه کاربرد این استانداردهای دو گانه، «ژوزف نای» اعلام کرد که در حوزه سیاست خارجی هنوز منافع است که حرف اصلی را می زند.

عامل بعدی، آسیب دیدن مفهوم عدم مداخله است. در واقع کشورهای مثل آمریکا و فرانسه که هر یک در مقطعی در شکل گیری مفاهیم دوره معاصر تأثیر گذار بودند با اقدامات شتاب زده، نابجا و نادیده گرفتن قوانین بین المللی، و تمسک به مداخله در امور کشورهای دیگر، مقدمات تضعیف نهاد دولت-ملت، به عنوان اصلی ترین واحد حقوق بین الملل و عامل اصلی تأمین ثبات در دنیا را فراهم نموده اند.

مجموعه این عوامل باعث شده است نهاد دولت-ملت آسیب ببیند. نهاد تضعیف شده دولت-ملت، تهدیدی برای امنیت منطقه ای و جهانی است. به ویژه دولت های ورشکسته (Failed States)، خطرناک هستند. چرا که چنین دولت هایی با خطر افزایش خشونت سیاسی و کیفی؛ فقدان کنترل بر مرزها؛ گسترش خصومت های قومی، مذهبی، زبانی و فرهنگی؛ جنگ های داخلی؛ استفاده از ترور علیه شهروندان؛ نهادها و زیرساختارهای ناکافی یا ضعیف؛ سطح بالای فساد؛ سیستم معیوب بهداشتی؛ سطح بالای مرگ و کاهش انتظار زندگی؛ کاهش تولید ناخالص داخلی؛ افزایش تورم؛ کمبود مواد غذایی و احتمال قطعی مواجه هستند.

در چنین فضایی، جهان خطرناک تر است؛ چرا که دارای پیچیدگی بیش تر و قابلیت کم تر پیش بینی است. تهدیدهای واقعی پابرجا هستند، اما ریشه ها و پیامدهای آن ها پیچیده تر شده اند. در چنین شرایطی، مناطق فقیر و نسبتاً دور هم می توانند تهدیدی برای کل جهان باشند. نمونه های مشخص تهدیدهای جهانی، در دولت های ورشکسته افغانستان و سومالی دیده شدند. دولت های حاکم در این کشورها قادر به اعمال قدرت در چهارچوب مرزهای خود نبودند و در واقع با یک قلمروی بدون دولت مواجه بودیم. این وضعیت، دردیست که برای نظم جهانی داشته و زمینه رشد و نفوذ گروه های رادیکال را فراهم نموده است.

لذا برای حفظ ثبات و امنیت جهان، باید از تضعیف شدن نهاد دولت-ملت، به عنوان تنها واحد رسمی حقوق بین الملل معاصر جلوگیری کنیم و از بزرگ ترین پشتوانه نظام دولت-ملت ها، یعنی حقوق بین الملل حمایت نماییم.

با چنین نگاهی، گفتگوی برابر بین دولت های دارای حاکمیت بر اساس حقوق بین الملل، عامل کلیدی ثبات جهانی است و بر همین مبنا، بازیابی ساختار بین الملل، یک ضرورت اجتناب ناپذیر است.

جهان معاصر با بحران های متعددی مواجه است. در دو دهه اخیر، جنگ، خشونت و ناآرامی در شمالی، افغانستان، عراق، لیبی و سوریه سرنوشت مردم و دولت این کشورها را دست خوش تحول کرد، بلکه منطقه و جهان را دچار ناامنی نمود. اخیراً نیز قدرت گرفتن گروه تروریستی داعش در عراق و سوریه به یک تهدید جهانی تبدیل شده است. چرا جهان چنین دچار بی ثباتی و ناامنی شده است؟ چرا رادیکالیسم در برخی مناطق رایج شده است؟

پاسخ های متعددی به این سوالات می توان ارائه داد و می توان این موضوعات را از زوایای مختلف بررسی نمود. اما پاسخ من این است که دلیل این بی ثباتی ها، تضعیف شدن دولت-ملت است. این واقعیت را به یاد آوریم که دولت-ملت طی سالیان بسیار و به خصوص بعد از جنگ جهانی دوم تبدیل به پایه اصلی نظم و ثبات جهانی شده است. در نظر داشته باشیم که در گذشته، درخواست هایی که اقوام و گروه های مختلف داخل یک محدود مرزی داشتند، توسط دولت-ملت ها جمع و مدیریت می شدند. اما ضعف دولت-ملت ها باعث بی پاسخ ماندن برخی از این درخواست ها، ایفای نقش فعال تر از سوی شبکه های فراملی و بروز برخی بی نظمی ها فراتر از چارچوب دولت-ملت ها شده است.

چه عواملی باعث تضعیف نهاد دولت-ملت طی سالیان اخیر شده اند؟ من به دو گروه از عوامل در تضعیف دولت-ملت طی سالیان گذشته اشاره می کنم:

یک گروه از عوامل در چهارچوب مسایل بین المللی، طبیعی هستند. در این گروه از عوامل، زوال نظام دو قطبی، و پس از آن، طولانی شدن دوران گذار مؤثر بوده است. از زمان پایان نظام دو قطبی، ۲۴ سال می گذرد و هنوز شاهد وضعیت تثبیت یافته ای در نظام بین المللی نیستیم. دلایل متعددی برای طولانی شدن دوران گذار مطرح شده است. به علاوه، روند جهانی شدن در جریان بوده است و در برخی مناطق جهان، از جمله در اروپای شرقی، محیط اوراسیا و بخش هایی از آفریقا، روند دولت-ملت سازی با روند جهانی شدن همراه شده است. این مسأله خاستگاه هایی در چهارچوب تئوری رفتارگرایی و برجسته شدن نقش هویت و فرهنگ دارد.

در کنار این عوامل، گروه دیگری از عوامل هستند که طبیعی نیستند و امکان اجتناب از آن ها وجود داشته است. این عوامل، آسیب های اساسی به واحد دولت-ملت وارد کرده اند:

یکی از این عوامل، رویکرد یک جانبه گرایی آمریکا بوده است. این رویکرد در شکل نرم انجام نگرفت و نظم نوین جهانی مورد نظر آمریکا شکل نگرفت. از اوایل قرن بیست و یکم، این رویکرد در قالب سخت و مداخلات نظامی از جمله در افغانستان و عراق تحقق یافت. عامل دوم در این زمینه، جهانی سازی است. جهانی شدن یک روند است، اما جهانی سازی پروژه ای برای هم شکل کردن همه دنیا است.

را بهبود بخشند. این تیم، درجا و بلافاصله راهنمایی هایی را برای اصلاح سیستم قضایی و اجرای قانون ارائه می داد.

شاید از همه تعجب برانگیزتر برنامه ای باشد که ناتو اعلام کرده می خواهد در ارتش اجرا کند. ناتو گفته می خواهد پنج بنیاد هیأت امنائی راه اندازی کند تا اصلاحات لازم را درون ارتش پیاده سازی نمایند. برخلاف تزریق پول به ساختار فعلی ارتش، با سابقه طولانی در فساد و تخلف، ساختار هیأت امنائی به سرمایه گذاران این اختیار را می دهد که ضمن اعمال نظارت بر منابع، اجرای تغییرات مدنظر را هم تحت تحمیل و فشار قرار دهند.

اصلاح طلبان اوکراین، همانند لشچنکو و هوپکو، می گویند جامعه جهانی باید یک ناظر مستقل برای پیگیری دقیق نحوه خرج کردن کمک های غرب منصوب نماید. اصلاح طلبان اوکراین می گویند: این نظارت هرچه مداخله گرا تر باشد، بهتر است. شاید با این نگاه و اجرای آن، سیاستمداران سختگیر آمریکایی و اروپایی را متقاعد کنند تا قدری آسانتر به اوکراین کمک نمایند چون آنگاه می دانند که پول تزریقی واقعا در همان طریقی مصرف می شود که مدنظر بوده است.

اصلاح گرایان اوکراین معتقدند که غرب باید بجنبند. این امر تنها زمانی رخ خواهد داد که رهبران واشنگتن، بروکسل، لندن و برلین بدانند مهمترین جبهه در نبرد اوکراین مرزهای شرقی این کشور نیست، بلکه اصلاحاتی است که باید در کی یف صورت پذیرد. اولکساندر سلولونائی که از فعالان دموکراسی خواه است در واشنگتن گفت: پوتین، می داند که فتح کل اوکراین با زور ناممکن است اما بهترین راه برای زمین زدن کشور است. در همین راستا، جفری پیات، سفیر آمریکا در کی یف، پیشتر در همین ماه یادآور شده بود که تجارت رایج در اوکراین، تهدیدی بزرگتر از تانک های روسی است. اگر اوکراینی ها به واقع بتوانند پیشرفتی در تلاش های اصلاح گرایانه از خود نشان دهند، آنگاه لایق حمایت های سخاوتمندانه ما خواهند بود، هرچه زودتر بهتر.



رهنامه نظامی جدید روسیه و انتقام هسته ای از ناتو

بر اساس دکتربین جدید نظامی روسیه ناتو تهدید شماره یک تلقی شده و در آن تاکید شده که در صورت تهدید روسیه با سلاح های متعارف، استفاده از سلاح های اتمی مجاز است.

دکتر «جاناتیر کر می» دانشیار و مدیر گروه مطالعات روسیه دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران در یادداشتی به ابعاد گوناگون این رویکرد جدید روسیه پرداخته و معتقد است: تاکید بر تلافی هسته ای نشان از شدت تهدید و ضعف عمومی دارد و منطق به کار گیری ضرر به هسته ای، نخست در حکم عاملی برای جبران ناکافی بودن بازدارندگی متعارف در روسیه امر و ز، نشان می دهد که باید دشمنان یا دشمنانی باشند که در قابلیت های متعارف برتر بوده و بتوانند منافع کشور را با انجام عملیات هجومی متعارف و موفقیت آمیز به خطر افکنند.

اصطلاح حزب، دکتربین نظامی سند و مجوز حزب در قلمرو برنامه های نظامی به شمار می آید. در مقام مقایسه، می توان آن را با ترکیب استراتژی بزرگ (عالی) و سیاست امنیت ملی امریکا مقایسه کرد و قابل مقایسه با دکتربین نظامی در کشورهای غربی که صرفاً مجموعه ای از اصول برای به کار گیری نیروهای مسلح در جنگ است نمی باشد. دکتربین نظامی شوروی، فراتر از بحث نیروهای مسلح می رود و تمام ابعاد زندگی شوروی از آموزش میهن دوستی جوانان تا محل ایجاد صنایع جدید را در بر می گیرد.

در سند دکتربین سال ۲۰۰۰ آمده است: «فدراسیون روسیه برای مقابله با تجاوز به روسیه و متحدان خود، استفاده از نیروهای مسلح، دیگر نیروها، واحدها و بخش های نظامی و تمام اجزای سازمان نظامی دولت و استفاده از تمام نیروها و امکانات موجود که شامل سلاح های هسته ای (با توجه به ماهیت و مقیاس تهدید نظامی) نیز می شود را مشروع می داند.

چارچوبی برای تحصیل و فرمول بندی دیدگاه های حزب در مورد جنگ، آماده سازی کشور برای جنگ، هدایت و پیشگیری از آن، اهداف و مأموریت نیروهای مسلح و شیوه های جنگیدن تلقی می شود و به حوزه های بسیاری از سیاست خارجی و مذاکرات کنترل تسلیحات تا تعلیم وطن پرستانه و نظامی

نتایج سیاسی مورد نظر به کار گرفته شود. البته پدیده ای است که استراتژی های بزرگ تقریباً هیچ گاه در این شکل غیرقابل انعطاف بیان نمی شوند، اما یک تحلیلگر در تلاش خود جهت یافتن استراتژی بزرگ برای دولت و برای مقایسه استراتژی های دولت ها می تواند با تصور فوق رهنمون شود. ریشه های دکتربین نظامی مسکو به دوره تزار در سده نوزدهم و بویژه سال های پس از جنگ روس و ژاپن (۱۹۰۵-۶) برمی گردد. با انقلاب اکتبر و جایگاه مهم «جنگ و نیروی نظامی» برای بلشویک ها، بحث در مورد دکتربین نظامی و تدوین اصول و قواعد آن به امری اساسی تبدیل شد، به طوری که میخائیل فرونز مسئول تدوین آن گردید و او اصول پیشنهادی خود را در یازدهمین کنگره حزب کمونیست در آوریل ۱۹۲۲ مطرح کرد که با برخی تغییرات به تصویب رسید. از آن پس، سیاست نظامی شوروی بر اساس مجموعه بسیار گسترده ای از اندیشه های نظامی مبتنی بود که به عنوان دکتربین نظامی شناخته می شد. در واقع، دکتربین نظامی همواره سیاست حزب کمونیست و دولت شوروی در عرصه نظامی بوده است. دکتربین نظامی شوروی بازتابنده هدف های ملی و سیاست های دولت بود و استراتژی دولت را در عرصه امنیت ملی تعیین می کرد. زمانی که استراتژی سیاسی و ملاحظات نظامی با هم درمی آمیزند، دکتربین نظامی پدید می آید. در

عبارتند از: در یک جنگ احتمالی با چه دشمنی رو به رو می شویم؛ خصوصیات جنگی که در کشور و نیروهای مسلح آن باید درگیر شوند چیست و در این جنگ با چه اهدافی رو به رو خواهند بود؛ برای اجرای مأموریت های محوله، چه نوع نیروهایی مورد نیاز است و توسعه نظامی باید در چه جهتی باشد؛ برای اجرای عملیات جنگی از چه روش هایی باید استفاده شود. دکتربین های نظامی از اجزای اصلی و ضروری سیاست امنیت ملی یا استراتژی بزرگ به شمار می آیند. یک استراتژی بزرگ دارای خصیصه سیاسی - نظامی، زنجیره ای از اهداف و نتایج، و نظریه یک دولت در خصوص اینکه استراتژی مزبور چگونه می تواند به بهترین شکل باعث ایجاد امنیت ببری آن گردد، می باشد. یک استراتژی بزرگ بایستی ضمن مشخص کردن تمامی تهدیدات نسبت به امنیت دولت، به تدبیر راهکارهای سیاسی، اقتصادی، نظامی و دیگر راه های ممکن در قبال تهدیدات مزبور بپردازد. میان تهدیدات و راهکارهای مقابله با آن بایستی اولویت هایی در نظر گرفته شود، چرا که با فرض محیط بین المللی پر هرج و مرج، تعداد تهدیدهای احتمالی افزایش می یابد و با فرض محدودیت های غیرقابل اجتناب بر اقتصاد ملی، منابع بسیار کمیاب می باشند. به دلیل کمیابی منابع، بایستی مناسب ترین ابزار نظامی به منظور دستیابی به

آموزه یا دکتربین نظامی به عنوان روح حاکم بر شاکله کلی بقاء و امنیت ملی یک کشور، با درک و فهم تهدیدها و ترسیم تصاویر آینده از یک جنگ احتمالی، به آموزش ها، مانورها، تجهیزات و تسهیلات مورد نیاز برای بازدارندگی یا درگیر شدن در آن پرداخته و استراتژی های نظامی، عملیاتی و فنون و تاکتیک های لازم را در نظر می گیرد تا تمام بخش های ادراکی، تصمیم ساز و اجرایی و عملیاتی را پیرامون یک وظیفه بزرگ (حفظ موجودیت ملی) به هم پیوند زند. از این رو، آئین نظامی هر کشوری (با هر عنوان که از آن یاد شود) در واقع فراتر

ریشه های دکتربین نظامی مسکو به دوره تزار در سده نوزدهم و بویژه سال های پس از جنگ روس و ژاپن (۱۹۰۵-۶) برمی گردد. با انقلاب اکتبر و جایگاه مهم «جنگ و نیروی نظامی» برای بلشویک ها، بحث در مورد دکتربین نظامی و تدوین اصول و قواعد آن به امری اساسی تبدیل شد، به طوری که میخائیل فرونز مسئول تدوین آن گردید و او اصول پیشنهادی خود را در یازدهمین کنگره حزب کمونیست در آوریل ۱۹۲۲ مطرح کرد که با برخی تغییرات به تصویب رسید. از بوروکراسی نظامی و ساختارهای موجود در قالب یک سری مفاهیم عمده برای هم زبانی، اجراء و درک همدلانه از بالا تا پایین یک نظام سیاسی بیان می شود. مهمترین موضوعات در دکتربین نظامی

جوانان و مسأله اقلیت‌های قومی مربوط می‌شود، و نه تنها وزارت دفاع و نیروهای مسلح، بلکه چندین وزارتخانه دیگر نیز در توسعه آن دخیل بودند.

دکترین نظامی جدید روسیه

دکتر کرمی در ادامه این یادداشت می‌نویسد: در سند دکترین سال ۲۰۰۰ آمده است «فدراسیون روسیه برای مقابله با تجاوز به روسیه و متحدان خود، استفاده از نیروهای مسلح، دیگر نیروها، واحدها و بخش‌های نظامی و تمام اجزای سازمان نظامی دولت و استفاده از تمام نیروها و امکانات موجود که شامل سلاح‌های هسته‌ای (با توجه به ماهیت و مقیاس تهدید نظامی) نیز می‌شود را مشروع می‌داند. این نیروها را می‌توان برای مهار و خنثی کردن اقدامات ضد قانون اساسی و خشونت‌های مسلحانه غیر قانونی که حاکمیت، تمامیت ارضی و اتحاد روسیه را تهدید می‌کنند و با انجام مأموریت‌های حفظ صلح مطابق با تصمیمات شورای امنیت ملل متحد و تعهدات بین‌المللی روسیه سازگاری دارند، مورد استفاده قرار داد».

اما آنگونه که رییس‌جمهور روسیه اظهار داشته در سند دکترین سال ۲۰۱۴ آمده است که در صورت تهدید سلاح‌های متعارف علیه موجودیت کشور روسیه، استفاده از سلاح‌های اتمی مجاز است. همچنین اولین بار روسیه در دکترین جدید گفته است که مسکو می‌تواند از «تسلیحات دقیق» به عنوان بخشی از تأثیر بازدارنده استراتژیک استفاده کند. چارچوب اصلی این سند تغییری اساسی نسبت به سند سال ۲۰۱۰ ندارد، ولی بندهای جدیدی در زمینه تأمین منافع روسیه در قطب شمال، روابط متحدانه با دو جمهوری آبخازیا و اوستیای جنوبی و همچنین خطر شرکت‌های نظامی خصوصی خارجی به آن اضافه شده است. امضای دکترین جدید نظامی روسیه از طرف پوتین درست سه روز بعد از اقدام پارلمان اوکراین در تصویب طرح خروج اوکراین از بی‌طرفی انجام می‌گیرد. پارلمان اوکراین روز سه‌شنبه با اکثریت مطلق موقعیت غیرمتعهد کشور را لغو کرد.

پارلمان با در سند دکترین سال ۲۰۱۴ آمده است که در صورت تهدید سلاح‌های متعارف علیه موجودیت کشور روسیه، استفاده از سلاح‌های اتمی مجاز است. در یکی از بندهای سند دکترین نظامی روسیه آمده که مسکو مجازات اقدامات نظامی غیرهسته‌ای ناتو را با اقدامات هسته‌ای تلافی می‌کند که نشان‌دهنده موقعیت ضعیف‌تر روسیه نسبت به ناتو است.

این اقدام زمینه عضویت در پیمان ناتو را فراهم آورد. البته از تابستان ۲۰۱۴ تصمیم برای تغییر دکترین نظامی اعلام شده بود. وضع تحریم‌ها و اجرای آنها علیه روسیه باعث وخامت اوضاع اقتصادی در روسیه شد و نگرانی‌هایی را در میان مقامات این کشور به وجود آورد؛ اما مرتبط دانستن موضوع تحریم‌ها با امضای دکترین نظامی جدید

یک فاکتور تهدیدآمیز اشاره و شده است. لذا مجموع مطالب نشان از جدی بودن و اشاره به مصداق‌های مشخصی دارد. وضع تحریم‌ها و اجرای آنها علیه روسیه باعث وخامت اوضاع اقتصادی در روسیه شد و نگرانی‌هایی را در میان مقامات این کشور به وجود آورد؛ اما مرتبط دانستن موضوع تحریم‌ها با امضای دکترین نظامی جدید شاید درست نباشد چون تحریم‌ها علت اصلی تصمیم‌گیری‌های اخیر مسکو نبودند. علت اصلی در بحران اوکراین و فشارهایی که از سوی دولت کی‌یف علیه روسیه اعمال شد در نزدیک شدن تهدید علیه روسیه نهفته است.

پایان دوره جنگ سرد شوروی‌ها اساساً تأییدی بر استفاده از ضربه هسته‌ای نخست‌نداشتند بلکه بیشتر ضربه دوم هسته‌ای را مورد توجه قرار می‌دادند. علت اصلی نیز به خاطر استقرار نظامی سنگین شوروی در مرزهای اروپای غربی بود. اما ناتو همواره گزینه ضربه نخست را برای نیروهای هسته‌ای تاکتیکی مستقر در خط مقدم دفاع از اروپای غربی برای خود حفظ می‌کرد. از این رو، مادامی که جنگ به سطح هسته‌ای تصاعد نیافته بود، مسکو برگ برنده را در هر جنگی با غرب در دست داشت و اروپا را به آسانی تسخیر می‌کرد و همین، باعث شد تا در تعاملات روسیه و غرب، عامل هسته‌ای برای مسکو نسبت به غرب، کمتر در مرکز دکترین نظامی قرار گیرد. گورباچف دکترین نظامی کرملین را به گونه‌ای جدی‌تر دگرگون نمود و بدین ترتیب، نقی کامل جنگ و از جمله جنگ هسته‌ای، اصلی اساسی در دکترین امنیتی شوروی مطرح شد؛ اما پس از فروپاشی شوروی، بار دیگر تغییراتی گسترده در نگاه به سلاح هسته‌ای و جایگاه آن در دکترین نظامی این کشور روی داد. در روسیه جدید، اهمیت جنگ‌افزارهای هسته‌ای به طور اساسی در دکترین نظامی روسیه افزایش یافت؛ از یک سو، ارتش روسیه از شرق اروپا عقب‌نشینی کرد و روسیه جدید و فاقد متحد، در محاصره کشورهای دارنده جنگ‌افزارهای هسته‌ای قرار داشت و از سوی دیگر، دولت روسیه و ارتش آن، به مراتب ضعیف‌تر از دوره شوروی بوده و به خاطر مشکلات اقتصادی، امکان دستیابی به برابری در فناوری‌های جدید مورد استفاده ارتش آمریکا و کشورهای غربی در جنگ عراق (۱۹۹۱-۱۹۹۰) و جنگ‌های پس از آن وجود نداشت.

آمریکا نیز در جستجوی برتری هسته‌ای خود، درصدد ایجاد شبکه‌ای بزرگ و کارآمد از موشک‌ها برای وارد کردن ضربه نخست، در سال ۲۰۰۲ از پیمان ای‌بی‌ام خارج شد و بحث استقرار ده سامانه دفاع موشکی در لهستان و یک سامانه راداری در چک تا سال ۲۰۱۳، و سپس استقرار در رومانی و ترکیه موضوع جدی تری شد. از نگاه مسکو، نصب این سامانه‌ها، با بی‌ارزش کردن قدرت هسته‌ای و موشکی روسیه، قابلیت ضربه هسته‌ای نخست‌نداشتند و دوم راز این کشور خواهد گرفت و اروپا

شاید درست نباشد چون تحریم‌ها علت اصلی تصمیم‌گیری‌های اخیر مسکو نبودند. علت اصلی در بحران اوکراین و فشارهایی که از سوی دولت کی‌یف علیه روسیه اعمال شد در نزدیک شدن تهدید علیه روسیه نهفته است. سه روز قبل از امضای دکترین نظامی روسیه، پارلمان اوکراین مصوبه‌ای داشت که براساس آن دولت کی‌یف از وضعیت عدم تعهد خارج شد و این مصوبه دست دولت اوکراین را برای همکاری نظامی با هر کشوری که بخواهد و حتی ناتو باز می‌کند. این اقدام پارلمان اوکراین واکنش روسیه را به دنبال داشت و مسکو با تصویب دکترین نظامی جدید در واقع به عملکرد کیف پاسخ داد. دکترین نظامی جدید روسیه نشان‌دهنده افزایش تهدید غرب علیه این کشور و شدت واکنش روسیه به این تهدید است؛ از یک منظر این اقدام نوعی قدرت‌نمایی است؛ اما از بسیاری جهات حاکی از ضعف روسیه در شرایط کنونی است. در یکی از بندهای سند دکترین نظامی روسیه آمده که مسکو مجازات اقدامات نظامی غیرهسته‌ای ناتو را با اقدامات هسته‌ای تلافی می‌کند که نشان‌دهنده موقعیت ضعیف‌تر روسیه نسبت به ناتو است. به نظر می‌رسد منازعه غرب و روسیه با وخامت بیشتر ادامه یابد و شرایط از وضعیت کنونی پیچیده‌تر شود. ملاقات‌های مقامات روس و غرب نیز از احتمال حل و فصل این بحران یا دستیابی به توافق حکایت نمی‌کند، بلکه حتی تنش‌ها با شیب، شتاب و نبض تندتری پیش خواهد رفت و به نظر نمی‌رسد در دولت اوباما که ۲ سال بیشتر از عمرش باقی نمانده غائله اوکراین و تنش روسیه و غرب خاتمه یابد. اگر اوکراین درخواست عضویت در ناتو را بدهد و ناتو هم با این درخواست موافقت کند، درگیری روسیه و غرب به نقطه عطف خود خواهد رسید و روسیه در گام اول بحث جدایی استان‌های شرقی اوکراین را پیگیری خواهد کرد و در گام بعدی حتی رویارویی نظامی نیز بعید نیست.

الزامات و پیامدها برای ناتو

امضای دکترین نظامی جدید روسیه از سوی پوتین و معرفی کردن ناتو به عنوان تهدید شماره یک، طبعاً تنش‌ها بین دو طرف را افزایش می‌دهد، زیرا این مسأله به تشدید نگرانی‌های طرف غربی می‌انجامد و ناتو نیز وادار به تجدیدنظر در دکترین نظامی خود می‌شود و در مجموع بحران اوکراین و تنش‌های روسی-غربی ناتو را یک تهدید نظامی علیه کشورش معرفی کرده بود؛ اما در دکترین نظامی جدید به بحث تهدید نظامی ناتو اولویت بخشید و آن را تهدید شماره یک و اولویت دار اعلام کرد. در این سند همچنین موضوع استقرار سپر موشکی غرب پیرامون خاک روسیه تهدید تلقی شده است و به موضوع حضور شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی در مرزهای روسیه نیز به عنوان

را از تیررس روسیه خارج می‌کند و البته این بیشتر به لحاظ روانی اهمیت دارد تا عملیاتی. در واقع، با به هم خوردن برتری روسیه نسبت به اروپا (۱۹۹۱)، وضعیت تعادل سال‌های ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۰ نیز کم‌کم دارد به هم می‌خورد و معلوم نیست این روند در کجا متوقف شود. در همه این سال‌ها در آمریکا علاوه بر موج تبلیغات در مورد هژمونی این کشور، بر برتری هسته‌ای این کشور و پایان وضعیت تعادل هسته‌ای چهار دهه گذشته که مبتنی بر «تابدوی مطمئن متقابل» بود، تأکید زیادی می‌شود، به گونه‌ای که ادعا می‌شود «عصر MDA پایان یافته و برای نخستین بار در دهه‌های اخیر، زرادخانه هسته‌ای روسیه با یک ضربه هسته‌ای نخست خلع سلاح خواهند شد. این مسائل به تجدید نظر اساسی در دکترین هسته‌ای مبتنی بر «عدم استفاده از ضربه هسته‌ای نخست» انجامید و آستانه به کارگیری جنگ‌افزارهای هسته‌ای به «هر حمله

می‌توان گزینه کاربرد جنگ افزار هسته‌ای را در ذهن دولتمردان روسی و در سناریوهای عملیاتی این کشور به ویژه در فضای مبهم و پیچیده آینده بحران اوکراین نه به عنوان صرف یک تهدید بلکه ابزاری برای امنیت ملی در وضعیت وخیم مورد توجه قرار داد و این موضوعی است که نگرانی‌های موجود در غرب را بر ای تصاعد بحران در اوکراین توجیه می‌کند

ای به تأسیسات هسته‌ای و پایگاه‌های حساس روسیه» کاهش یافت و لذا تأکید بر ضربه هسته‌ای نخست، امری واقع‌بینانه‌تر پنداشته شد و در بیست و پنج سال اخیر، رویکرد غالب در روسیه کنونی نسبت به جنگ‌افزارهای هسته‌ای به هر حال بیش از هر موضوعی تأکید بر تلافی هسته‌ای نشان از شدت تهدید و ضعف عمومی دارد و منطق به کارگیری ضربه هسته‌ای، نخست در حکم عاملی برای جبران ناکافی بودن بازدارندگی متعارف در روسیه امروز، نشان می‌دهد که باید دشمن یا دشمنانی باشند که در قابلیت‌های متعارف برتر بوده و بتوانند منافع کشور را با انجام عملیات هجومی متعارف و موفقیت‌آمیز به خطر افکنند. ای بر بنیان گزاره‌های زیر قرار گرفت تا از طریق تهدید به وارد آوردن خسارت غیرقابل قبول به دشمن، امنیت روسیه را تضمین می‌کنند؛ و با توجه به ضعف

قطب شمال محل جدید روبرویی کشورها نبرد نرم روسیه با غرب برای تملک سرزمین سفید



اقدام دانمارک در معرفی بخشی از قطب شمال به عنوان خاک خود موجب شده تا بار دیگر تنش میان کشورهای غربی و روسیه بر سر این منطقه توجه رسانه‌ها را به خود جلب کند.

درخواست توسعه مرزهای خود در فلات قاره را آماده می‌کند کانادا برای تهیه نقشه کف دریا گروهی را به قطب شمال اعزام کرده است. بررسی درخواست‌ها تا ۱۵ سال طول می‌کشد. شاید استدلال‌های هر کشور برای کمیسیون سازمان ملل معقول باشد. آنوقت کشورها بین خود مساله را حل کنند. کارشناسان احتمال به جریان افتادن سناریوی نظامی را نیز رد نمی‌کنند. با این حال، هر کشور حضور نظامی خود را در قطب شمال بیشتر می‌کند. در سال ۲۰۰۹ میلادی کانادا گروهان نظامی را برای قطب شمال تشکیل داد. همان سال دانمارک اعلام کرد که یک گروهان نظامی ویژه قطب شمال برای واکنش سریع تشکیل داده است. در ایالات متحده آمریکا هیچ گروهان نظامی ویژه‌ای برای قطب شمال نیست، اما در آلاسکا نزدیک به ۲۰ هزار سرباز حضور دارند. در برنامه‌های پنتاگون، تشکیل پادگان دائمی قطب شمال و افزایش نیروهای قطبی دفاع ضد موشکی نیز تدوین شده است. روسیه نیز صبحت از تشکیل سپر برای دفاع از منافع ملی خود در قطب شمال می‌کند. در ماه نوامبر، «سرگئی شایگو» وزیر دفاع روسیه خبر داد که تا آخر سال جاری، نیروهای نظامی روس در تمام کمربند قطبی مستقر خواهند شد. این نیروها از مورمانسک تا چوکوتکی قرار خواهند گرفت. این درخواست به عنوان پاسخ در برابر ادعای کانادا و آمریکا نسبت به فلات قاره بوده است.

گروهان قطب شمال روسیه به نام گروهان شمال از اول دسامبر امسال در قطب حاضر هستند. گروهان نظامی نیز در جزایر شمالی تشکیل شده است. در دو سال آینده گروهانی نیز برای فرای قطب تشکیل خواهد شد. در همین رابطه «ولادیمیر پوتین» رئیس جمهور روسیه دستور تشکیل سیستم واحد کشتی‌های زیردریایی در منطقه قطب شمال روسیه را داده است. او از هر بخش خواسته که فلات قاره روسیه را حفظ کند.

به ۲۰ هزار سرباز حضور دارند در برنامه‌های پنتاگون، تشکیل پادگان دائمی قطب شمال و افزایش نیروهای قطبی دفاع ضد موشکی نیز تدوین شده است. درخواست کنونی دانمارک در کمیسیون تعیین فلات قاره سازمان ملل با بلندی‌روازی‌های روسیه دچار اختلاف می‌شود. روسیه بر این مساله استناد می‌کند که رشته کوه‌های زیر آب به نام لائمانوسوف دامه اوراسیا هستند. دانمارک نیز تاکید می‌کند که رشته کوه‌های مذکور دامه گرینلند هستند و به دانمارک تعلق دارند.

روسیه درخواست خود را برای گسترش مرزهای فلات قاره ارایه کرده است و این به معنای حق اولویت روسیه در سال جاری است. با این حال به خاطر کافی نبودن اطلاعات رد شد. روسیه قصد دارد درخواست بعدی را در بهار سال ۲۰۱۵ ارایه کند. روسیه به دقت روی مستندات برای ادعای خود کار می‌کند. سرگی پریامکوف کارشناس مسائل قطب شمال در این رابطه می‌گوید:

ما همه کار می‌کنیم تا درخواستمان تایید شود. طبق تذکرات کمیسیون سازمان ملل در امور مرزهای فلات قاره، ما نقشه برداری کاملی کرده ایم. تحقیقات لرزه نگاری انجام داده ایم و نمونه‌هایی از خاک و کف دریا تهیه کرده ایم. تمام درخواست‌های کمیسیون را انجام داده ایم. ما هر کاری کرده ایم تا نتیجه مثبت بگیریم.

روسیه شانس زیادی برای گرفتن فلات دارد

ویکتور بایارسکی مدیر موزه قطب شمال روسیه در این رابطه می‌گوید: درخواست ما با مستندات جدی علمی همراه است. این مستندات در جریان تحقیقات کارشناسی در قطب شمال انجام گرفته‌اند. تصور ما بر این است که سازمان ملل از درخواست ما حمایت کند. اما اگر دوباره عوامل سیاسی دخیل نشوند و مزاحمت ایجاد نکنند. علاوه بر دانمارک و روسیه، کانادا نیز

از مدت‌ها قبل روسیه و آمریکا با هدف بهره برداری از منابع موجود در قطب شمال حضور نظامی خود در این منطقه را افزایش داده‌اند اما اخیراً کشورهای دیگری همچون نروژ و کانادا نیز مدعی هستند که بخش‌هایی از قطب شمال در خاک آنها قرار دارد.

در همین رابطه «ویوس آراشا» (صدای روسیه) در تحلیلی می‌نویسد: دانمارک و مناطق خودمختار آن درخواستی به سازمان ملل نوشته‌اند که طبق آن خواستار منطقه‌ای در قطب شمال شده‌اند که در فاصله ۲۰۰ مایلی منطقه اقتصادی قرار دارد. طبق درخواست دانمارک، قطب شمال هم در مرزهای فلات قاره قرار می‌گیرد. کشورهای روسیه، کانادا و نروژ نیز مدعی این منطقه هستند. امریکایی‌ها نیز درباره تمایل خود به منطقه قطب شمال سخن گفته‌اند.

دانمارک مدعی منطقه قطب شمال در ابعاد بسیار بزرگتر و تا ۲۱ برابر آن است. برای اولین در تاریخ بحث‌های صورت گرفته بر سر منطقه قطب شمال یک کشور راجع به ادعای خود و قطب شمال سخن می‌گوید. روسیه، کانادا و نروژ مدعی منطقه قطب شمال هستند و در فاصله نزدیکی از آن قرار دارند. اما دانمارکی‌ها می‌خواهند به آن ملحق شوند در حالیکه برای سه کشور نامبرده، این نقطه کلیدی است.

بررسی درخواست‌ها تا ۱۵ سال طول می‌کشد. شاید استدلال‌های هر کشور برای کمیسیون سازمان ملل معقول باشد. آنوقت کشورها بین خود مساله را حل کنند. کارشناسان احتمال به جریان افتادن سناریوی نظامی را نیز رد نمی‌کنند. با این حال، هر کشور حضور نظامی خود را در قطب شمال بیشتر می‌کند. در سال ۲۰۰۹ میلادی کانادا گروهان نظامی را برای قطب شمال تشکیل داد. همان سال دانمارک اعلام کرد که یک گروهان نظامی ویژه قطب شمال برای واکنش سریع تشکیل داده است. در ایالات متحده آمریکا هیچ گروهان نظامی ویژه‌ای برای قطب شمال نیست، اما در آلاسکا نزدیک

روسیه در جنگ افزارهای متعارف نوین، ضربه انتقامی علیه حمله متعارف، مستلزم استفاده از سلاح هسته‌ای است و از این روی، مسکو در اوضاع جدید و بر خلاف گذشته بر استراتژی «ضربه نخست هسته‌ای» تأکید دارد.

نتیجه‌گیری

به هر حال بیش از هر موضوعی تأکید بر تلافی هسته‌ای نشان از شدت تهدید و ضعف عمومی دارد و منطق به کارگیری ضربه هسته‌ای، نخست در حکم عاملی برای جبران ناکافی بودن بازدارندگی متعارف در روسیه امروز، نشان می‌دهد که باید دشمن یا دشمنانی باشند که در قابلیت‌های متعارف برتر بوده و بتوانند منافع کشور را با انجام عملیات هجومی متعارف و موفقیت‌آمیز به خطر افکنند. از سوی دیگر، به کارگیری نیروی هسته‌ای باید به عنوان یک عامل تهدید معتبر باشد؛ به این معنا که منافع ذهنی بایستی در عمل برای توجیه جنگ هسته‌ای اهمیت حیاتی داشته باشند، و این عمل باید امتیازات روشنی در قابلیت‌های هسته‌ای به منظور دستیابی به اهداف نظامی، منح تصاعد جنگ و جلوگیری از اقدام ضد هسته‌ای از سوی دشمنان، که ممکن است این دستاوردها را انکار کرده یا خسارات گسترده‌ای بر کشور وارد کنند، دربر داشته باشد. در نخستین دهه‌های عصر هسته‌ای، مسکو بر «جنگ هسته‌ای محدود» تأکید داشت، اما در دوره همپایگی راهبردی در دکتترین نظامی مسکو و پیمان ورشو آمده بود که «شوروی نخستین کشوری نخواهد بود که از جنگ افزارهای هسته‌ای استفاده می‌کند». اما با فروپاشی شوروی و تغییر موازنه نیروها در اروپا و جهان، این موضوع دچار یک تحول اساسی شد.

در دکتترین نظامی سال ۱۹۹۳، روسیه اعلام شد که «روسیه در مقابله با حمله به مراکز هسته‌ای و موشکی اش از سلاح‌های هسته‌ای استفاده خواهد کرد. در دکتترین نظامی سال ۲۰۰۰، آستانه به کارگیری سلاح‌های هسته‌ای بار دیگر تقلیل یافته و به «هرگونه تجاوز نظامی» به روسیه و از همه تندتر به وضعیت «پیشدستی روسیه در ضربه هسته‌ای» و عملیات پیش‌دستانه هسته‌ای رسید. پا به پای کاهش قدرت نظامی روسیه، از آستانه به کارگیری جنگ افزار هسته‌ای نیز کاسته شده و روسیه برای استفاده از جنگ افزار هسته‌ای آمادگی بیشتری پیدا کرده است. در چنین وضعیت ذهنی و مفهومی و عملیاتی جدیدی ست که می‌توان گزینه کاربرد جنگ افزار هسته‌ای را در ذهن دولتمردان روسی و در سناریوهای عملیاتی این کشور به ویژه در فضای مبهم و پیچیده آینده بحران اوکراین نه به عنوان صرف یک تهدید بلکه ابزاری برای امنیت ملی در وضعیت وخیم مورد توجه قرار داد و این موضوعی است که نگرانی‌های موجود در غرب را برای تصاعد بحران در اوکراین توجیه می‌کند. نکته‌ی مهم در این سند جدید در آخرین روزهای سال ۲۰۱۴ اینست که هم ناتو را به طور مشخص به عنوان تهدید مطرح نموده و هم اینکه در مقابل آن بر تلافی هسته‌ای تأکید نموده است و این موضوع احساس خطر در روسیه را به شدت افزایش داده است.

طریق تأسیس نهادهای خیریه و بانک‌ها به رواج دیدگاه‌های سلفی در آذربایجان دامن بزنند.

در طول دهه ۱۹۹۰ و اوایل دهه ۲۰۰۰ مقامات آذربایجانی دلیلی نمی‌دیدند برای کنترل رواج سلفی‌گری دست به اقدامی بزنند. از نظر آنها تکثیر سلفی‌گری، ابزار سالمی برای مقابله با آنچه که آنها خنثی کردن تلاش‌های ایران به منظور نفوذ در آذربایجان می‌نامیدند بود. در حالی که عناصر شیعه‌ی هوادار ایران آشکارا از حکومت علی‌اف انتقاد می‌کردند، سلفی‌ها بر وفاداری خود نسبت به حکومت تأکید می‌کردند و از فعالیت سیاسی کناره می‌گرفتند.

در سال‌های اخیر، مقامات نسبت به تهدید بالقوه سلفی‌گری هوشیار شده‌اند. اما قطعاً دست و پنجه نرم کردن با این تهدید، امروز، دشوارتر از یک دهه پیش است. سلفی‌ها جای پای محکمی در آذربایجان دارند و همان‌طور که ترک میهن و سرریز مداوم آذری‌ها به سوریه و عراق به قصد جهاد نشان می‌دهد، حداقل برخی از آنان مستعد رادیکالیزه شدن هستند.

آشکار است نیروهای جهادی، به ویژه آنان که در سوریه می‌جنگند، مرزهای کشورها را به رسمیت نمی‌شناسند و سراسر جهان اسلام را زمین حاصلخیزی برای توسعه طلبی خلافت خودخوانده می‌دانند. بنابراین هیچ کشوری با اکثریت جمعیت مسلمان نباید در برابر این تهدید احساس امنیت کند یا نسبت به آن بی‌اعتنا باشد.

صدها آذربایجانی به نیروهای داعش در سوریه پیوسته‌اند و نگرانی‌هایی از احتمال بازگشت این نیروهای جهادی خشن تر شده در جریان نبرد و به چالش کشیده شدن دولت الهام علی‌اف از سوی آنها، در حال شکل‌گیری است

دولت علی‌اف در سال‌های اخیر، به آزار و اذیت روزنامه‌نگاران مستقل و فعالان جامعه مدنی پرداخته است. سرعت و میزان سرکوب در سال ۲۰۱۴ افزایش یافته است. در همین دوره، باکو، گهگاه برخوردی را با آمریکا و اتحادیه اروپا، به ویژه آلمان، بر سر آنچه مقامات آذری، استانداردهای دوگانه حقوق بشری غرب می‌دانند، تجربه کرده است.

این سیاستها، تنها توانایی باکو را برای مقابله با جدی‌ترین تهدید امنیتی - تغییر شکل سلفی‌گری به اسلام ستیزه‌جو - کاهش می‌دهد. اگر باکو بر اقداماتی که قدرت بالقوه جهادیسیم داخلی و بین‌المللی را کاهش می‌دهند متمرکز شود، ثبات آذربایجان بهتر تأمین خواهد شد



جمهوری آذربایجان و زمانی برای مقابله با سلفی‌گری

مشاور سیاسی گروه سوسیالیست‌ها و دموکرات‌ها در پارلمان اروپا در یادداشتی به خطر افراطیون گروه داعش برای جمهوری آذربایجان اشاره می‌کند.

«الداز ممدوف» در این یادداشت که در اوراسیانت منتشر شده می‌نویسد: در ماه اکتبر سال جاری، رسانه‌های آذربایجانی از مرگ رشاد بخشالیف، کشتی‌گیر حرفه‌ای این کشور که در سوریه برای داعش می‌جنگید، خبر دادند. این گزارش بسیاری را در جمهوری آذربایجان متعجب کرد و به آشکار شدن یک تهدید امنیتی در حال ظهور انجامید.

بلشویک‌ها، یک خلأ معنوی ایجاد و سهواً زمینه را برای پر شدن آن با عقاید مذهبی افراطی تر پس از سقوط نظام کمونیستی در سال ۱۹۹۱ مهیا کردند. قابل توجه است که سلفی‌ها در تلاش برای بدنام کردن شیعیان، از تصویر موهن چهره‌های مذهبی شیعه در فیلم‌های سال‌های نخست دوران شوروی بهره فراوانی برده‌اند. ملحدین شوروی و سلفی‌های پس از شوروی به نظر هم بستری‌های عجیبی هستند، اما پشت سر هم، موفق شده‌اند شالوده مذهبی سنتی جامعه آذری را ویران کنند. سیاست‌های ضد ایرانی دولت‌های مختلف آذربایجان از دهه ۱۹۹۰ نیز به رواج سلفی‌گری کمک کرده است. پس از فروپاشی اتحاد شوروی در سال ۱۹۹۱، منزوی کردن ایران یکی از اهداف آشکار تمام دولت‌های آمریکا به شمار می‌رفت. مقامات باکو در آن زمان باور داشتند اتحاد با ایالات متحده برای تحقق اهداف راهبردی آنها از جمله بازپس‌گیری سرزمین قره‌باغ کوهستانی ضروری است. جمهوری آذربایجان سیاست‌هایش را به آسانی با چارچوب منطقه‌ای مورد حمایت آمریکا مبتنی بر حذف ایران هم‌سو کرد. بنابراین کشورهای حوزه خلیج فارس از جمله عربستان سعودی و کویت توانستند از

کشور می‌انجامد. به نظر می‌رسد جمهوری آذربایجان، هدف آسیب‌پذیری باشد. فساد گسترده، با وجود قدرتمندی دستگاه امنیتی، بسیاری از نهادهای دولتی را در چشمان مردم ضعیف کرده است. علاوه بر این، کشور آذربایجان، جمعیت قابل توجه و بومی سلفی‌ها را در خود جای داده است. در حالی که همه سلفی‌ها مستعد جهادی شدن نیستند، اما نیروهای جهادی از مراتب سلفی برخاسته‌اند. این خطر وجود دارد که حداقل برخی سلفی‌ها که دست به خشونت نمی‌زنند، با اهداف نیروهای جهادی و نه تاکتیک‌های آنها همدردی کنند و رادیکالیزه شوند. سلفی‌گری که تا اوایل دهه ۱۹۹۰ عملاً در آذربایجان ناشناخته بود از آن پس به سرعت گسترش یافته است. آمار معتبری از شمار کنونی سلفی‌ها وجود ندارد، اما آنان در مناطق شمالی کشور با جمعیت غالباً سنی، مانند باکو و سومقائیت، حضور نسبتاً پررنگی دارند. عوامل زیادی به تبیین خیزش سلفی‌گری در جمهوری آذربایجان کمک می‌کند. نخست، میراث ماندگار الحاد رسمی اتحاد شوروی، ادراک عمومی را از ارکان سنتی تشیع که در طول قرن‌ها پایه اخلاقی و معنوی جامعه آذربایجان بود، منحرف کرد.

جمهوری آذربایجان برای نیروهای داعش هدفی جذاب به نظر می‌رسد، چون در میان شمار اندک کشورهای جهان با اکثریت جمعیت شیعه جای دارد و داعش به شدت شیعه ستیز است. از منظر ژئوپلیتیک نیز، پیوندهای جمهوری آذربایجان با روسیه، ایالات متحده و ایران که از سرسخت‌ترین دشمنان داعش هستند، به جذابیت این کشور می‌انجامد. صدها آذربایجانی به نیروهای داعش در سوریه پیوسته‌اند و نگرانی‌هایی از احتمال بازگشت این نیروهای جهادی خشن‌تر شده در جریان نبرد و به چالش کشیده شدن دولت الهام علی‌اف از سوی آنها، در حال شکل‌گیری است. برخی از ستیزه‌جویان شناخته شده که مشغول جنگ در سوریه هستند، مانند خطاب الآذری، حمله زبانی به دولت علی‌اف را به دلیل سکولاریسم و فساد آن آغاز کرده‌اند.

جمهوری آذربایجان برای نیروهای داعش هدفی جذاب به نظر می‌رسد، چون در میان شمار اندک کشورهای جهان با اکثریت جمعیت شیعه جای دارد و داعش به شدت شیعه ستیز است. از منظر ژئوپلیتیک نیز، پیوندهای جمهوری آذربایجان با روسیه، ایالات متحده و ایران که از سرسخت‌ترین دشمنان داعش هستند، به جذابیت این

گفتگو با مدیر موسسه امنیت بین الملل قبرس: تبدیل ترکیه به هاب انرژی «بلوف سیاسی» است پوتین سیاستمدار ماهری است



«یورقس لونتیس» مدیر موسسه امنیت بین الملل قبرس اظهارات پوتین درباره تبدیل ترکیه به هاب انرژی را یک بلوف سیاسی برای فشار بر اروپا خواند.

در هفته های گذشته شاهد سفر ولادیمیر پوتین رئیس جمهور روسیه به آنکارا بودیم. در این دیدار وی اعلام کرد کشورش قصد دارد همکاری انرژی با ترکیه را افزایش دهد. بطوریکه در این سفر وی وعده داد که خط لوله گاز «ساوت استریم» را برای انتقال گاز این کشور به اروپا مسیر ترکیه بگذرد تا ترکیه تبدیل به یک هاب (کانون) انرژی در منطقه شود.

در پی اظهارات وی شاهد سفر فدریکا موگرینی مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا به ترکیه بودیم که بر اهمیت روابط دو طرف تاکید داشت. این تحولات موجب شد تا گفتگویی با دکتر «یورقس لونتیس» مدیر موسسه امنیت بین الملل قبرس یونانی نشین انجام شود که مشروح آن در زیر آمده است.

گفتگو از پیمان بزادانی

|| منظور شما این است که پوتین با ارائه این پیشنهاد قصد دارد از آن به عنوان اهرم فشاری در چانه زنی با غرب و اروپا استفاده کند؟
تقیقا

|| چند روز بعد از پایان سفر پوتین به ترکیه شاهد سفر «فدریکا موگرینی» رئیس سیاست خارجی اتحادیه اروپا به ترکیه بودیم که بر اهمیت روابط استراتژیک اروپا با ترکیه تاکید کرد. اهمیت ترکیه برای اروپا چیست؟

امروز ما در منطقه با پدیده جهادی ها و داعش مواجه هستیم. اینها هم در ترکیه ایجاد شده و هم مورد حمایت قرار گرفته اند و هم از طریق خاک این کشور به سوریه و عراق می روند این روند باید متوقف شود و این امر برای اتحادیه اروپا یک اولویت به شمار می آید زیرا این اقدامات تروریستی در حال برگشت به داخل کشورهاشان است.

سیاست خارجی چند جانبه امتیاز می دهد. آنها از یک سو تمایل به غرب دارند و از سوی دیگر چشم دوشمنان به شرق است. اتحادیه اروپا بدون اینکه ضرورتی داشته باشد در چنین اوضاع بد اقتصادی اقدام به اعمال تحریم هایی علیه روسیه کرده است به نظر من این تحریم ها بیشتر از اقتصاد روسیه به اقتصاد اروپا آسیب خواهند رساند. قابل فهم است که پوتین قصد دارد از طریق دور زدن اوکراین منابع انرژی خود را به غرب اروپا برساند. اما باید در نظر داشته باشیم که بین یک توافق و اجرا شدن یک پروژه فاصله زیادی است. شخصا معتقدم که روسیه می خواهد ترکیه در خصوص انتقال گاز به اروپا نقش مهمتری داشته باشد. پوتین سیاستمدار ماهری است. شاید پیشنهاد وی در خصوص عبور خط لوله گاز ساوت استریم از خاک ترکیه یک بلوف باشد؛ هر چند اردوغان هم سیاستمدار همه فن حریفی است.

مهمترین دلیل برای توقف مذاکرات اشغال بخش شمالی قبرس توسط ترکیه است و به همین دلیل جمهوری قبرس مذاکرات الحاق برای عضویت ترکیه را وتو کرده است. از سوی دیگر از بعد داخلی هم رجب طیب اردوغان به تدریج در حال تبدیل شدن به یک رهبر توتالیتر است البته این حرف من نیست بسیاری از همکاران ترک من هم بر این مسئله اذعان دارند.

بنابراین به نظر می رسد که آقای اردوغان از روند اصلاحات برای تحکیم خودش استفاده می کند و نه اینکه ترکیه را تبدیل به یک دموکراسی مورد قبول غرب کند. در واقع در مسیری عکس اروپا و غرب حرکت می کند. لذا نمی توانیم مطمئن باشیم که اتحادیه اروپا عضویت دائم ترکیه در این اتحادیه را بپذیرد. واقعیت این است که ترکیه کنونی تحت رهبری اردوغان و داوداوغلو به سمت شرق تمایل دارند. به رهبری سیاسی ترکیه به خاطر اتخاذ

|| در هفته های گذشته شاهد دیدار ولادیمیر پوتین رئیس جمهور روسیه از ترکیه بودیم وی در این سفر اعلام کرد قصد دارد با افزایش همکاری های با ترکیه در زمینه انرژی کند بطوریکه خط لوله گاز «ساوت استریم» از طریق ترکیه به اروپا خواهد رسید. از سوی دیگر هم بلافاصله بعد از اظهارات پوتین شاهد بودیم که دبیر کل ناتو از ترکیه خواست تا به تحریم های اروپا علیه روسیه بپیوندد. این کشور از نسوی قصد الحاق به اتحادیه اروپا را دارد و از نسوی هم در حال گسترش تعاملات تجاری خود با روسیه بر خلاف خواست اروپا است. شما نقش ترکیه را چگونه ارزیابی می کنید؟

این مسئله یک مسئله بسیار پیچیده و جدی است که به سادگی نمی توان به آن جواب داد و نیاز به چندین پایان نامه دکتری دارد این یک حقیقت است که ترکیه خواستار عضویت در اتحادیه اروپا است اما برای تبیین پیچیدگی های این مسئله اجازه دهید به تاریخچه روابط ترکیه با جامعه اروپا و بعد از آن اتحادیه اروپا بپردازم.

توافق جامعه اروپا در این خصوص در اوایل دهه ۱۹۶۰ صورت گرفت و چراغ سبز برای عضویت ترکیه در اتحادیه در سال ۸۶ در هلستینکی داده شد از آن زمان ۳۰ سال گذشته است اما مذاکرات جدی در این خصوص از سال ۲۰۰۵ آغاز شده است و با گذشت ۱۰ سال هنوز پیشرفت خوبی در این خصوص صورت نگرفته است و در حقیقت این روند به دلایل مختلف متوقف شده است.

روسیه می خواهد ترکیه در خصوص انتقال گاز به اروپا نقش مهمتری داشته باشد

زیرا خانواده های این افراد افراسی در اروپا زندگی می کنند و اینها بعد از برگشت مشکلات اجتماعی برای اروپا ایجاد خواهند کرد. هدف خانم موگرینی از سفر به ترکیه این بوده است که مقامات ترکیه به توقف این جریان ترغیب کند تا با همکاری اروپا جریان تروریسم متوقف شود که متأسفانه شاهد برداشته شدن هیچ گامی از سوی ترکیه در این خصوص نبوده ایم.

